

بمب گذاری در دادستانی کل انقلاب
وشهادت حجت الاسلام قدوسی
جنایت جبهه براندازی
بسرکردگی آمریکا را محکوم می کنیم

در صفحه ۵

آقای کنی!

در صفحه ۲

شما آید که به این خلق ستم دیده پاسخگوئید

● کابینه آقای مهدوی کنی برای پاسخگویی به اساسی ترین خواست های مردم ، برای تامین امنیت ، برای پیروزی در جنگ و برای حل مسائل اقتصادی به سود استقلال میهن و رفاه زحمتکشان و پیشبرد انقلاب ، باید موانع و مشکلاتی را که بر سر راه ایجاد می کنند ، از میان بردارد .

جبهه اسلامی ضد صهیونیستی باید جبهه پایداری را تقویت کند

● پیشنهاد تشکیل جبهه اسلامی ضد امپریالیستی با استقبال رژیم های ترقی خواه منطقه روبرو شده است .

● رژیم جمهوری اسلامی باید واقعیت انکارناپذیر جبهه پایداری را که مدت ها است علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع منطقه می رزمند بپذیرد و در تقویت آن بکوشد

در صفحه ۱۶

ضعف و تناقض در قانون بازسازی

● و سرانجام همان لایحه بازسازی نیروی انسانی وزارت خانه ها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید . اکنون در پایان انجام این وظیفه طولانی و دشوار برای مردم این سؤال مطرح است که این قانون تا کجا قادر است اهدافی که انقلاب در برخورد با دستگاه های حکومتی پیش دارد را پاسخگو باشد ؟ این قانون برآستی تا چه حد بار از دوش انقلاب برمی دارد ؟

بقیه در صفحه ۲۰

پیروزی های تازه نیروهای مسلح در جبهه مشتی برده های آمریکا

در صفحه ۵

۱۲ شهریور اوج تقابل ارتش با انقلاب و آغاز انقلاب در ارتش

● نتیجه سیاست های بورژوازی لیبرال در دوران دولت بازرگان و بنی صدر ، کودتای نوژه و توطئه های پراکنده عوامل آمریکایی درون ارتش بود .

● توطئه هایی که هنوز زمینه های آن بالقوه موجود است و تنها اتخاذ سیاست های اصولی و منطبق بر مرحله انقلاب یعنی دموکراتیزه کردن ارتش آن را خنثی خواهد نمود .

در صفحه ۲۲

پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان

● امروز تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان ایران به عنوان یک ضرورت مبرم برای رهبران جنبش دانش آموزی مطرح است . ولی همان گونه که پیشتر گفتیم متأسفانه هنوز بسیاری از مسئولین آموزش و پرورش به اهمیت مسئله واقف نیستند .

در صفحه ۱۴

متحد شویم!

نحسب و زاب امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم گویم

این ملت که قلب امپریالیسم آمریکا را نشان رفته است ، به دست آن دولت است که در انجام تعهد خطیری که پذیرفته است ، چه خواهد کرد ؟

موانع و مشکلات را باید از پیش پا برداشت

این درست است که آقای کنی هم به هنگام معرفی اعضای کابینه به مجلس و سپس به هنگام معرفی کابینه به امام رهتوس اساسی برنامه های دولت را نیز کلا پیروزی در جنگ ، ایجاد امنیت و حل مسایل اقتصادی عنوان کرده اند ، اما می دانیم که ارائه برنامه روی کاغذ تنها کافی نیست . برای این که بدانیم آیا این دولت تاجه میزان به انجام وظایفی که برعهده گرفته است توفیق خواهد یافت باید هم برآیند کلی ترین خطوط و گرایش های حاکم بر مجموعه نیروهای جمهوری اسلامی ایران و توازن آنها را مورد توجه قرار دادو هم باید کابینه آقای کنی را همراه با تمام مختصات خاص آن در رابطه با وظایفی که برعهده دارد به زیر ذره بین کشید . خطای فاحش آن است که یا کابینه را جدا از کل حاکمیت قضاوت کنیم و یا مختصات کابینه یا هر ارگان دیگر حاکمیت را در مختصات عمومی جمهوری اسلامی منحل کنیم و از قضاوت مشخص در باره آن دریغ کنیم .

واقعیت این است که دولت از جمهوری سوا نیست . اما خطا است هرگاه ویژگی های کل جمهوری را همان ویژگی های دولت بدانیم . هر چند که مشخصا بار عمده در حل موانع مشکلاتی که فرا راه تکامل انقلاب و به ثمر رسیدن آن قرار گرفته است بر دوش همین دولت است . وظیفه مردم آنست که با حمایت و پشتیبانی قاطع از خط ضد امپریالیستی و مردمی در جمهوری اسلامی ، موانع و مشکلات را از پیش پای انقلاب بردارند و حاکمیت را در مبارزه علیه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی تقویت کنند و توطئه های آنان را با شکست مواجه سازند . همان گونه که بارها و بارها گفته ایم و همان گونه که تجربه تمام مللی که در راه رهائی ملی و پیشرفت اجتماعی پیکار می کنند نشان داده است که تازمانی که جمهوری اسلامی ایران گریبان خود را از دست نیروهای خلاص نکند -

— که با تمام نیرو در برابر هر اقدام جدی و ترقی خواهانه به سود طبقات زحمتکش ایستاده اند .

— که با تمام نیرو با هر نوع نزدیکی و اتحاد با سایر ملل ترقی خواه و ضد امپریالیستی مخالفت می کنند و می خواهند جهت مبارزه را علیه کشورهای سوسیالیستی و دیگر ملل مترقی بگردانند و در مواردی نیز می گردانند .

— که با تمام نیرو در صف خلق تفرقه افکنی می کنند و می خواهند جهت مبارزه حاکمیت علیه امپریالیسم را به سوی سایر نیروهای ضد امپریالیستی بگردانند و تا آن جا که بتوانند می گردانند .

خلق ما در پیکار عادلانه خویش علیه درنده خویی و تجاوزگری لجام گسیخته امپریالیسم آمریکا با مشکلاتی از این دست که می بینیم مواجه خواهد بود .

آقای کنی! شمائید که به این خلق ستم دیده پاسخگوئید

است و با توسل جستن به حربه تروریسم ، می خواهد بی ثباتی و ناامنی ایجاد کند تا هم نگذارد که دولت به انجام دگرگونی های بنیادین اجتماعی - اقتصادی به سود محرومان جامعه پردازد و انقلاب را به شمر بنشانند و هم شرایط را برای مداخله نظامی و یا کودتاهای ارتجاعی مساعد گرداند .

— امپریالیسم آمریکا از یک طرف جنگ جنایتکارانه رژیم صدام علیه ایران را ادامه می دهد و از این طریق ، حادث ترین فشارهای نظامی ، اقتصادی و اجتماعی را بر انقلاب ایران تحمیل می کند و از طرف دیگر تحریکات و تدارکات نظامی و تسلیحاتی وسیع امپریالیسم آمریکا در مرزهای پاکستان ، ترکیه و خلیج فارس خطر هجوم به ایران برای تسخیر این انقلاب و برای تقسیم میهنمان را به یک خطر کاملا جدی مبدل ساخته است . سیاست ددمنشانه و هار ریگان در برخورد با لیبی ، آنگولا ، افغانستان ، لبنان و دیگر کشورهای تحت ستم خطر تحمیل یک تجاوز نظامی امپریالیستی دیگر را به خاک میهنمان به طور جدی مطرح ساخته است .

— امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از طریق کاهش و حتی قطع خرید نفت از ایران می گوشت دولت جمهوری ایران را زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار دهد . هم اکنون شرکت های نفتی امپریالیستی یا قراردادهای خود را برای خرید نفت از ایران لغو کرده اند و یا حجم خرید را به حدود بسیار ناچیزی تنزل داده اند . امپریالیسم جهانی هم از طریق انتقال تورم کمرشکنی که بدان مبتلاست به ایران و هم از طریق محاصره اقتصادی که عملا بر ایران تحمیل کرده است می گوشت این انقلاب را از پای در آورد و یک رژیم " حرف شنو و عاقل " را روی کار آورد . امپریالیسم آمریکا در اعمال این فشارها از کمک های مؤثر جبهه متحد براندازی ، از حمایت کلان سرمایه داران و فئودال ها ، از حمایت لیبرال های وطنی ، از عملکرد مخرب و کارشکنانه گروه های چپرو حداکثر بهره برداری را می نماید .

می بینیم که کابینه آقای کنی در شرایطی مسئولیت خطیری دولت را برعهده می گیرد که فشارهای امپریالیسم آمریکا برای جبران شکست های مهلک اخیرش و جاروب شدن تمام نقطه امیدهایش از راس قدرت از سه طریق به صورت :

- ۱- تشدید تروریسم و از بین بردن امنیت ، گسترش بی ثباتی و تشدید نفاق
- ۲- ادامه جنگ تحمیلی صدام و تدارک تهاجم نظامی از جوانب دیگر
- ۳- تحریم خرید نفت و اعمال فشار و محاصره اقتصادی و تشدید بحران اقتصادی و فلج کردن اقتصاد کشور

که همه و همه برای بازداشتن یورش جبهه انقلاب برای براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و قطع سلطه بیدادگرانه امپریالیسم به این خلق ستم دیده تحمیل شده اند ، به نقطه اوج خود رسیده است و چشم امید میلیون ها مشت گره خورده

آقای محمد رضا مهدوی کنی در دشوارترین و بعرج ترین شرایطی که تا امروز انقلاب ایران با آن مواجه بوده است زمان امور دولت را به دست گرفته است . میلیون ها هم میهن زحمتکش ما امروز با بیم و نگرانی بسیار که با شور و امید وصف ناپذیری در آمیخته است دل به آینده این دولت دوخته اند .

خلق ما امروز با بیم و امیدی حماسه ساز ، که بیگمان در تاریخ انقلابات بی سابقه است چشم به دولتی دوخته که از یک سو از وسیع ترین حمایت توده های برخوردار است و از سوی دیگر با سخت ترین مشکلات و نابسامانی های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و با تهاجم ددمنشانه هارترین دشمنان خلق مواجه است .

تاریخ از این دست شگفتی ها کمتر به خود دیده است که در عرض کمتر از یک ساعت بیش از یک میلیون نفر از کل جمعیت تهران برای تجدید عهد با شهدای انقلاب ، رئیس جمهور و نخست وزیر در میدان حاضر شوند و با مشتان گره خورده شان قلب امپریالیسم آمریکا و مزدوران توطئه گرش را نشانه روند . و در همان حال دشمن زخم خورده با حربه ترور بازهم بیشتر خون بریزد و بر شمار آن مشت های گره خورده بیافزاید . چنین است جاودانه حماسه خلق بپا خاسته ای که با چنگ و دندان از دست آوردهای انقلابیش ، از سرزمین مادریش و از شرف و حیثیت و استقلال و آزادیش دفاع می کند . تاریخ از این دست شگفتی ها کمتر به خود دیده است .

چشم امید میلیون ها مشت گره خورده

— سرانجام امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی با بهره گیری از خیانت رهبران سازمان مجاهدین موفق گردیده است که از یک طرف میان نیروهای ضد امپریالیستی تخم نفاق و دشمنی بپاشد و انبوه نوجوانان مجاهد خلق را در برابر میلیون ها مردم زحمتکش قرار دهد که از انقلاب و از رهبری مردمی و ضد امپریالیستی آن دفاع می کنند . و از طرف دیگر موفق گردیده است تشکیلات وسیع و سراسری سازمان مجاهدین خلق را ، محور تشکل و فعالیت و نقطه امید کینه توزترین دشمنان سوگند خورده ای سازد که از سلطنت طلبان ، ساواکی ها ، سران فراری ارتش گرفته ، تا سرمایه دارهای وابسته و تا پول دارهای بازار تا سران مرتجع ایلات و عشایر و فئودال ها تا ضد انقلابیون درون دستگاه دولت و ارتش ، تا روحانیون ضد انقلاب را در بر گرفته

مواعی که برداشته ایم

انقلاب ما تا امروز بخش بسیار مهمی از این وظیفه خطیر را به فرجام رسانیده است. انقلاب گریبان خود را از چنگ کسانی چون مهدی بازرگان ها خلاص کرده که معتقد است "اگر آمریکا شیطان کبیر است مارکسیسم شیطان اکبر است" کسی که خالصانه طرفدار سرمایه داران و مالکان بود و در کمال گستاخی کارگران و دهقانان را در ردیف اوپاش و ارادل قرار می داد. انقلاب تا امروز گریبان خود را از دست ضدکمونیست های دوآتشه هم چون بنی صدرها خلاص کرده است که تمام هم خود را به کار می گیرند که با زیرپانهادن این همه واقعیات روشن و آشکار باز هم این "ایدئولوژی" را به مردم و انقلاب "لقا" کنند که گویا اتحاد شوروی و آمریکا "دو بر قدرت" هستند که علیه ایران با یکدیگر "سازش" کرده اند. که با به کار گرفتن تمام "تخصص" و مکر خود به ناجوانمردانه ترین شکل ممکن کاری می کنند که نوجوانان آزاده و ساده اندیش تیشه برگیرند و به نام انقلاب بر ریشه انقلاب بکوبند. چه کسی می تواند منکر این حقیقت شود که خط بنی صدر در بی اعتماد کردن نوجوانان نوآگاه و کم تجربه نسبت به خط امام و برانگیختن آنان علیه انقلاب نقش بسیار مؤثری داشته است.

وقتی به این دو سال و نیمه پشت سرمان می نگریم بهتر متوجه می شویم که در این مدت انقلاب برای به جلو کشیدن خود چه کوه های دشواری را از جا کنده است و از کجا به کجا رسیده است.

چگونه راه همواری شود؟

لاکن با این که امروز عملاً تمام قدرت در دست نیروهای وفادار به خط امام قرار گرفته است با این حال هنوز مجموعه این جمهوری از فشارها و تحمیلات جدی که مانع سمت گیری واقع بینانه و اصولی آن می شوند رنج می برد. ببینید وضع چگونه است که هنوز هم می توانند بی آیند در نماز

جمعه که مهم ترین اجتماع سیاسی هفته است اتحاد شوروی را هم در کنار امپریالیسم آمریکا قرار دهند و علیرغم تمام کوشش های بازدارنده باز هم جمعیت را به دشنام گوئی علیه بزرگترین حامی خودشان در پیکار علیه امپریالیسم بکشانند. هنوز هم وضع به گونه ای است که جمهوری اسلامی ایران از اعلام پشتیبانی صریح خود از جبهه پایداری و حمایت فعال از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده آن بازمانده است و تنها خود را درگیر راه پرابهام و پرتناقض جبهه اسلامی ساخته است که هنوز معلوم نیست با کدام دولت ها می خواهد تشکیل شود و رابطه آن با جبهه پایداری کدام است. هنوز هم وضع به گونه ای است که ...

ببینید گرایش بازدارنده در جمهوری اسلامی هنوز در حدی نفوذ دارد که موفق گردیده است جلوی اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی را بگیرد، گوش و دم لایحه زمین و مسکن را ببرد و از لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی تا می تواند بترشد. هنوز هم وضع به گونه ای است که علیرغم اظهارات صریح و مکرر امام در مورد فعالیت سازمان های سیاسی قانونی علیرغم اطلاعیه ده ماده ای دادستان شهید انقلاب و علیرغم

تأکیدات صریح قانون اساسی هنوز هم نیروهای قشری، تنگ نظر، تفرقه جو و ضد وحدت خلق و هم چنین عناصر مشکوک و ضدانقلابی تا آن جا نفوذ دارند که عملاً جمهوری اسلامی را از راه قانون می گردانند و نه تنها این همه محدودیت غیرقابل توجیه در راه فعالیت سازمان ها و احزاب مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایجاد کرده اند، بلکه صدها نفر از هواداران و اعضای این نیروها را، علیرغم خطاب صریح امام به دادگاه ها که "کسانی که بی گناه هستند از حبس خارج کنند" خودسرانه بازداشت می کنند و در حبس نگاه می دارند. و در برخی از دادگاه ها از فریب خوردگان جوان را نیز بی آن که مسلح باشند و یا مرتکب قتل شده باشند به جوخه اعدام می سپارند. و یا چون به شهر پی گیرترین مدافعان انقلاب را تیرباران می کنند. این نیروها هنوز هم تا آن جا نفوذ دارند که وقتی قرار می شود از روی اطلاعیه ده ماده ای دادستان شهید لایحه احزاب تنظیم کنند در عمل گوش و دمش بریده می شود و تازه زمانی که لایحه به مجلس می رود آیت ها و غفاری ها چنان جوی می سازند که دو رکن بسیار مهم لایحه منهدم می شود و ماده مربوط به حق استفاده احزاب قانونی کشور برای استفاده از رسانه های گروهی همراه با ماده مربوط به برسمیت شناختن تخلفات احزاب به مثابه جرائم سیاسی از لایحه پیشنهادی حذف می گردد و از همه این ها گذشته هیچ معلوم نیست زمانی که دادگاه های چون دادگاه انقلاب به شهر و یا کرمان اجرای آن را برعهده گیرند از سخن رهبرانقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران که تأکید می کنند:

"مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارد و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند به طور آزاد دارند عمل می کنند و به طور آزاد حرف های خودشان را دارند می زنند"

در عمل چه باقی خواهد ماند؟ مقصود از این همه تأکیدات و استنادات آن است که نشان دهیم که مجموعه حرکت جمهوری اسلامی ایران علیرغم گرایش مثبت و واقع نگری که در رأس آن در حال رشد است، علیرغم ضربات قاطعی که در رأس جمهوری اسلامی بر مواضع خط سازش با امپریالیسم و حفظ کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وارد آمده است هنوز هم جمهوری اسلامی ایران:

۱- از اعمال نفوذ روحانیت طرفدار بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و مخالف انقلاب و خط مردمی و ضد امپریالیستی امام،
۲- از اعمال نفوذ فراطیون مذهبی ضد قانون، تفرقه جو و ضد وحدت خلق که حق و وظیفه مبارزه علیه امپریالیسم و کلان سرمایه داری را تنها به خودشان منحصر می کنند و بروی تمام نیروهای ترقی خواه و انقلابی ایران و جهان همراه با امپریالیسم و ارتجاع شمشیر می کشند.

۳- از اعمال نفوذ روحانیونی که اساس جمهوری و رهبری امام را تنها در بعد ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی آن می پذیرند و اکنون که انقلاب می رود که سمت گیری خلقی خود را آشکار سازد و به سود محرومان جامعه خیز بردارد در حساس ترین مواضع حکومت جلوی آن را سد می کنند و در این زمینه معین برای حفظ حریم مالکیت خصوصی همان شعارهای لیبرالی را تحت عناوین شرعی دست آویز قرار می دهند.

۴- و بالاخره از خرابکاری خیل عوامل نفوذی و یا ناشناخته مانده مزدور امپریالیسم و دشمن شکست خورده که همدوش و همراه لیبرال ها، ناراضیان از انقلاب و عناصر چپرو در

رده های مختلف دستگاه اداری، انتظامی و نظامی جمهوری اسلامی پایه انقلاب و در راه فلج کردن کار جمهوری، در راه ازبای در آوردن آن به تمام طرق و وسایل ممکن متوسل می شوند، خلاص نشده است.

آیا قابل درک و قابل فهم نیست که چگونه هرگام دولت برای تقویت بنیه دفاعی کشور برای مقابله امپریالیسم و دیگر متجاوزین و هرگام آن برای تأمین استقلال اقتصادی و تاسیس صنایع مادر، هرگام دولت برای استقرار قانون اساسی و تأمین امنیت اجتماعی و هرگام آن برای اصلاحات بنیادین اجتماعی، برای گسترش عدالت اجتماعی چگونه از یک طرف با موج وا اسلامای سه دسته نخست (اخیراً کارتر هم امام خمینی را بزرگترین دشمن اسلام نامیده است) و از سوی دیگر با تشدید موج تروریسم خرابکاری و کارشکنی نیروهای ضدانقلابی ستون پنجم امپریالیسم مواجه می شود؟ بنابراین اکنون در این شرایط خطیر وظیفه همه مدافعان انقلاب و از آن جمله کابینه آقای کنی است که با کنارزدن این موانع و مشکلات:

● به امتناع طولانی و فوق العاده زیان بار و حتی مهلک جمهوری اسلامی ایران از پیوستن به این اردوی عظیم و جهانبگیر تمام خلق های آزاد و دربند جهان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا پایان دهد و به اردویی بپیوندد که تمام کشورهای سوسیالیستی تمام کشورهای رها شده از یوغ امپریالیسم، تمام جنبش های رهاییبخش و جنبش انقلابی عظیم طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی را در یک جبهه قرار می دهد و متحد می سازد اردویی که لرزه بر اندام تمام ستمگران و زورگویان تاریخ افکنده است اردویی که هر روز نیرومندتر می شود و پوزه امپریالیسم را بیشتر به خاک می مالسد.

● به تفرقه افکنی در میان نیروهای ضد امپریالیستی پایان دهد، تمام نیروهای مدافع انقلاب را با هم مرام و مسلکی که باشند به اتحاد عمل و همکاری در برابر دشمن مشترک دعوت نماید و با کوشش در راه استقرار قانون اساسی و پای بندی اکید نسبت به آن به مثابه اولین گام در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی محدودیت های غیرقانونی ایجاد شده در راه فعالیت قانونی و آزاد آنان را از میان بردارد.

● انجام اصلاحات بنیادی اجتماعی به سود توده مردم زحمتکش به فوریت آغاز شود. بند "ج" و "د" قاطعانه فوراً اجرا شوند. اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی اجرا شود و ریشه متعفن و خطرناک کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی برانداخته شود.

اینهاست مهمترین و اساسی ترین وظایفی که انقلاب از کابینه آیت الله مهدوی کنی می طلبد.

آقای مهدوی کنی و کابینه ایشان

امروز برای پیش برد انقلاب که بخش مهمی از وظایف آن برعهده دولت آقای مهدوی کنی قرار گرفته است هم وسیله در دست است و هم مردم در صحنه اند. آنها هیچ گاه این قدر زبون نبوده اند.

خط کابینه همان خط غالب بر کابینه نخست وزیر شهید دکتر باهنر و همان خط امام است. محکمتر و منجم تر از پیش انتخاب

آینده‌نگری ندارند و خود نمی‌دانند چه می‌کنند و تازه در مهارسازی تروریسم نه تنها چندان کارساز نیست، بلکه با کشیدن یک پرده خون جلو چشمان کسانی که در این دام افتاده‌اند، راه بازگشت آنان را همراه با دست و پای دولت برای پرداختن مسائل اساسی انقلاب و کشور باز می‌بندد. شرط پیشرفت کارهای دولت امروز تا حدود بسیار به این بسته است که یکایک دادگاه‌های انقلاب رسماً اعلام کنند که کسانی که در عملیات مسلحانه تروریستی و قتل شرکت نداشته باشند اعدام نخواهند شد و به این حکم در عمل وفادار بمانند و شورای عالی قضائی نیز می‌باید با تعهدی که ضرورت انقلاب است دادگاه‌هایی را که احکام خلاف صادر می‌کنند به بازپرسی بکشاند. این اقدامات برای باز کردن دست حکومت برای استقرار امنیت هم فوریت دارد و هم از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. بپرهیزیم از دمی که می‌خواهد ما را از کید آمریکا غافل کند، شعار مرگ بر آمریکا را به فراموشی سپارد و با شعار مرگ بر مجاهدین تمام خشم و نفرت سالدار مارا از امپریالیسم آمریکا برسر نوجوانان گول‌خورده بمب به دستی خالی کند که او نیز خود نمی‌داند در کدامین دام درغلطیده است

"فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید"

انقلاب ایران یکی از حساس‌ترین مقاطع عمر خود را می‌گذراند. جنگ، تروریسم، بحران اقتصادی و تشدید فشار امپریالیسم بر این مردم مشکلاتی است که هم‌اکنون انقلاب با آن درگیر است. انقلاب اگر بخواهد پیش برود قطعاً با این مشکلات درگیر خواهد شد. کجا دیده شده است که دشمنان خلق، استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی را به مردم ارزان بدهند. ویتنام برای دست‌یابی به این اهداف نیم‌قرن سرسختانه ستیزید و الجزایر نیز سال‌ها. البته اکنون شرایط بسیار بسیار مساعدتر است جهان تغییر کرده است. امپریالیسم بسیار فرتوت شده است. امپریالیسم هرروز بر دشمنی خود با خلق‌ها می‌افزاید. بمب نوترونی جدیدترین یاور اوست. و این خود گواه افراد عظیم امپریالیسم در مقیاس جهانی است. امپریالیسم امروز فقط بمب‌هایش را دارد که در آغوش کشد. خلق‌ها یکی پس از دیگری استقلال و آزادی خویش را در آغوش می‌گیرند، دست یکدیگر را می‌گیرند و میخ‌های تابوت این‌زشت جهان‌خوار را محکم‌تر می‌کوبند.

خلق ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه امپریالیسم آمریکا شروع کرده است. با این امید که فرزندان میهن با آزادی از یوغ ستمکاران، پرچم صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی را برافرازند. سخن راست این است که "اگر به وظایفمان که مبارزه با آمریکا جهان‌خوار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید."

بکوشیم تا برای پیوستن به افق‌های روشنی که این قرن انقلاب و این انقلاب فرا راهمان گشوده است راه‌گشا باشیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا
پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک
خلق‌های ایران

این جمهوری پا بگیرد، بیاد داریم که بعد از وقایع جشن میدان آزادی تنها آقای کنی بود که حمله را محکوم و از شهادت‌ها ابراز تأسف کرد. و از جمله در صدور اجازه رسمی برای تمام احزاب و سازمان‌هایی که قانوناً حق شرکت در انتخابات از آنان سلب نشده است، آقای کنی در پاسخ به این سؤال که:

"آیا در انتخابات میان‌دوره‌ای مانند گذشته آزادی کامل خواهد بود که همه گروه‌ها شرکت کنند و یا شرایط جدیدی براساس موضع گروه‌ها خواهید داشت" اعلام کردند:

"همه گروه‌ها که طبق قانون شناخته شوند می‌توانند در انتخابات میان‌دوره‌ای شرکت کنند"

و بر اساس همین نظر صلاحیت کاندیداهای اکثریتی و توده‌های تأیید و اعلام می‌شود اما متأسفانه این پاسداری متعهدانه وزیر کشور از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مخالفت شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مواجه و قانون اساسی عملاً زیرپا نهاده می‌شود

می‌بینیم که گرچه به کابینه آقای مهدوی کنی بیش از تمام کابینه‌های جمهوری اسلامی ایران می‌توان امید داشت که هم به قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های مصرحه در آن پای‌بند بماند و هم توان آن را دارد که دگرگونی‌های بنیادین را به سود زحمتکشان آغاز نهد - مزیتی که هیچ‌یک از اسلاف ایشان تا این حد از آن برخوردار نبوده‌اند - با این همه زمانی که مجموعه نیروهای دخیل در جمهوری و کارشکنی‌های داخل و خارج را همراه با شیوه برخورد غالب بر جمهوری اسلامی با این کارشکنی‌ها را در نظر آوریم، درمی‌یابیم که توفیق در حل دشواری‌هایی که کابینه آقای مهدوی کنی با آن مواجه است، بدون پشتیبانی گسترده توده مردم و حمایت گسترده همه نیروهایی که قلبشان نمی‌تپد مگر برای استقلال و آزادی این خلق بپاخاسته و بدون مبارزه بی‌دریغ آنان درراه از پیش پا برداشتن همه موانع و مشکلاتی که شمرديم، چندان به سادگی میسر نخواهد بود.

اعدام حلال مشکلات نیست

مشکل و مساله دیگری که پیش پای کابینه افتاده است، مساله اعدام‌هاست که پاسخی است تلافی‌جویانه از سر غیض و غیر موثر و زیان‌بار در برابر موج تروریسم کوری که کینه‌توزترین دشمنان انقلاب بر آن تحمیل کرده‌اند. مساله‌ای که تصمیم درباره آن در اختیار کابینه نیست اما تمام اثرات بسیار مخرب هر اعدام بی‌رویه مستقیماً دامنگیر کل جمهوری اسلامی و در راس همه کابینه می‌گردد. مساله از حد یک مساله قضایی و حقوقی بسیار فراتر رفته است. امروز این اعدام‌ها به صورت یک مساله حاد سیاسی و اجتماعی درآمده است که بدترین اثرات را روی حرکت دولت و تداوم انقلاب بر جای می‌نهد. این‌گونه اعدام‌ها که در هیچ کشوری حتی در بحرانی‌ترین شرایط هم بی‌سابقه است و اینگونه تبلیغاتی که می‌شود همه کوشش‌های دلسوزان انقلاب، برای یکپارچه کردن تمام خلق و برای سوق دادن تمام نفرت دیرینه توده‌ها به سوی دشمن ستم‌پیشه همه خلق‌ها، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را منحرف می‌کند و آن را به سوی نوجوانانی باز می‌گرداند که به اقتضای سن،

مجدد نخست‌وزیر در عرض ۳ روز و تکمیل کابینه در همین فاصله نشان می‌دهد که اولاً هماهنگی و وحدت نظر در راس هرم حکومتی افزایش یافته است. ثانیاً ترور عاجزتر از آن است که اهدافی را که فراروی خود قرار می‌دهد برآورد. تنها تغییراتی که در ترکیب کابینه پدید آمده است آن است که آقای کنی جای دکتر باهنر قرار گرفته و دکتر نیکروش جای آیت‌اله مهدوی کنی و مهندس نژادحسینیان نیز به سمت وزیر راه برگزیده شده است. مردم آقای نیکروش را تنها از سوابق ایشان در پلی‌تکنیک، در استانداری کهگیلویه و شهرداری تهران می‌شناسند. آشنایی اکثر مقامات بالای حکومت هم در مورد ایشان به روزهای بعد از انقلاب بازمی‌گردد. و با توجه به این حقیقت که بعد از پست نخست‌وزیری، وزارت کشور، آن هم در این شرایط، مهمترین پست کابینه است، پستی است که آقای کنی آن را در اختیار داشت، مجموعه شناختی که مجموعه نیروهای مدافع انقلاب از ایشان دارند، شناختی است نه متکی به خود که متکی به یکدیگر است و همین موجب آن است که ضمن طرح بسیاری سئوالات درباره ایشان پیرامون این گزینش اظهارنظر قطعی نشود. البته وضع در مورد وزیر راه به‌گونه‌ای دیگر است و وزارت راه وزارت کشور نیست

و اما در مورد گزینش شخص آقای کنی. ما نسبت به این گزینش خوشبینیم. زیرا مجموعه شناختی که از ایشان در دست است، اولاً موید کامل برخورد منطقی و اصولی با حادثترین مسائل سیاسی کشور بوده است. ثانیاً موید پای‌بندی ایشان به قانون اساسی و رهبری امام است چنانکه خود امام براین نکته اذعان کرده

می‌گویند:

"از سابق به ایشان ارادت داشتیم و حالا هم داریم بعدها هم خواهیم داشت"

و این در حالی است که فوادکریمی نماینده خط فکری آیت در جلسه اخیر مجلس در مخالفت با ایشان می‌گوید:

"ایرادات فراوان به آقای مهدوی کنی داشته‌ام و خواهیم داشت"

و به یاد آوریم که در برابر توافقی که امام در اظهار فوق نشان داده‌اند، آقای هادی غفاری نیز ایرادات فراوان نسبت به آقای مهدوی کنی داشته و دارد زیرا آقای کنی معتقد است:

"اگر کسانی بخواهند مسائلشان را از طریق قانونی و منطقی یا به تعبیر دیگر به صورت دموکراسی مطرح نمایند این گوی و این میدان" "اگر کسانی حسن‌نیت داشته باشند و بخواهند با مسائل با منطق و قانونی برخورد نمایند آزادند که فعالیت نمایند"

انجمن اسلامی نباید در کارهای اجرایی دخالت کند. فقط می‌تواند راهنمایی و در صورت لزوم انتقاد کند."

(کیهان ۳ اسفند)

و اینها همان مواضعی است که با "منطق" آقای غفاری و هم مسلکان اساساً غیر قابل تطبیق و به نظر آقای کریمی دارای "ایرادات فراوان" می‌آید.

در عمل نیز آقای کنی نشان داده است که به این سخن پای‌بند است. از جمله در صدور اجازه رسمی برای برگزاری مراسم برای تمام احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مخالفت آشکار با عناصر قانون‌شکن و خودکام‌های که تخم نفاق می‌پاشند و نمی‌گذارند

پیروزی های تازه نیروهای مسلح در جبهه مشتی بردهان آمریکا

رئیس جمهور منتخب و نخست وزیر مورد اعتماد مردم را مزدوران امپریالیسم به شهادت رساندند با این خیال باطل که توده های میلیونی زحمتکش را از صحنه مبارزه برانند و اذهان مردم و رزمندگان را از انقلاب و به ویژه جنگ تحمیلی رژیم صدام به عنوان مهمترین مسئله منحرف سازند.

تجاوزگران آمریکایی - صدامی در سال گذشته متعاقب بمباران ناگهانی چند شهر و فرودگاه، حملات سراسری خود را با ۱۲ لشکر تا بن دندان مسلح به مرزهای میهنمان آغاز کردند با این امید واهی که "سفری چند روزه در ایران خواهند داشت" و به زودی صدام "سردار قادسیه" خواهد شد و در مناطق اشغالی بختیار - اویسی دولت ایران آزاد را تشکیل خواهند داد و جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد و امروز که نزدیک به یک سال از آن تهاجم سراسری می گذرد، صدام و حامیان مرتجع اش در منطقه و به ویژه امپریالیسم آمریکا بریاد رفتن آرزوهای خود را به عینه می بینند.

در این یک سال از رزمندگان قهرمان پاسدار، بسیج و نیروهای مسلح جمهوری گرفته تا اعضای سازمان های انقلابی، هر روز با خون خود سطور درخشانی از تاریخ مبارزات خلقها بر علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا را نوشتند و مزدوران صدامی را در دریایی از عون و آتش غرق کردند.

امپریالیسم و نوکبران رنگارنگش به همراهی دیگر فریب خوردگان در "جبهه متحد ضدانقلاب" از واقعیت انقلاب غافلند و چشمانشان از دیدن حماسه هایی که هر روز در جبهه و پشت جبهه آفریده می شود، عاجز است. کوردلان تروریست غافل از آنند که شهادت رجایی - باهنر، نه تنها در عزم راسخ رزمندگان دلاور جبهه های جنگ کوچکترین خللی وارد نمی کند، بلکه هر روز که می گذرد، ایمان آنها را در دفاع از انقلاب، استقلال میهن و جمهوری اسلامی صدچندان خواهد کرد.

پیروزی دلاوران ما در جبهه "طراح" در تاریخ دهم شهریور آغاز شد. این عملیات که به نام شهید رجایی - باهنر نام گرفت

با هماهنگی کامل سپاه، نیروهای مسلح و کلیه رزمندگان انقلاب در زیر خط آتش توپخانه خودی با فریاد "مرگ بر آمریکا" بر دشمن متجاوز تاختند و مواضع کرخه کور را با حد شمالی اش که بیش از ۱۰ ماه در تصرف دشمن صدامی بود، آزاد کردند و دیوار دفاعی سوسنگرد - حمیدیه را استحکامی فزونتر بخشیدند. متعاقب این پیروزی چشمگیر در تاریخ ۱۱ شهریور عملیات دلاوران ما در جبهه بستان آغاز شد. دشمن متجاوز

که با ایجاد سیم های خاردار میدین مین، تله های انفجاری، سنگرهای پیش ساخته بتونی، موانع مصنوعی و برخورد از موانع طبیعی رودخانه و ارتفاعات شنی، حمله به این مواضع را از نظر نظامی غیرممکن می دانست، با حمله ناگهانی رزمندگان ما غافلگیر شد. در این حمله رزمندگان ما با ایثاری برخاسته از حقانیت دفاع از انقلاب و میهن به جنگی رو در رو مبادرت ورزیدند و دشمن با همه استحکامات و آرایش نیرو کشته ها و زخمی ها و ادوات

جنگی خود را بر جای گذاشت و متواری گشت. در این نبرد ۱۸ ساعته دلاوران ما قهرمانانه در نبردی تن به تن موفق شدند مواضع جابر حمدان را آزاد و بدین گونه گامی اساسی در جهت آزادسازی بستان بردارند. و هم اکنون دلاوران در اطراف بستان به نبرد مشغولند.

روحیه ایثار، شهادت و آمادگی رزمی در جبهه غرب نیز با حمله به مواضع دشمن در جبهه سرپل ذهاب به اوج خود رسید و رزمندگان سپاه،

بسیج عشایر و ارتش توانستند در حمله های دشمن را با بیش از ۳۰۰ کشته و ۱۰۰ اسیر به عقب برانند و کماکان طبق آخرین خبرها رزمندگان ما همچنان دلاورانه ضمن حفظ تمامی مواضع بدست آمده تمامی ضدحمله های ارتش صدامی را سرکوب کرده اند.

این پیروزی ها در این لحظات حساس نشان داد علی رغم توهمات باطل "جبهه متحد ضدانقلاب"، رزمندگان جبهه های جنگ نه تنها از دشمنی صدامی غافل نشده اند، بلکه همچنان با عزمی به سختی پولاد برآند تا تجاوزگران آمریکایی - صدامی را در گورستانی به وسعت تمامی کوه ها و کوهپایه های غرب و تپه ها و تپه ماهورها و دشت های جنوب و جنوب غربی به خاک بسپارند و از شرف، حیثیت و انقلاب و میهن خود تا آخرین نفر و آخرین قطره خون دفاع کنند.

این روحیه ایثار و جانفشانی و اراده خلل ناپذیر رزمندگان در جهت بیرون راندن دشمن از خاک میهن و بی اثری اقدامات زبوانه ضدانقلاب در پشت جبهه به حدی است که بلندگوهای امپریالیستی به ناچار به آن معترفند.

الویخ تیلگر، خبرنگار آلمانی در گزارش خود از جبهه های جنگ در محله "کلیزاشات اسنايگر" می نویسد:

در میان رزمندگان ایرانی تاثیر منفی از رویزادها و تشنج های سیاسی پایتخت دیده نمی شود و تنها خواسته حاکم بر جبهه ها، عقب راندن هرچه سریع تر قوای متجاوز است

(گیهان - دوازدهم شهریور) آری امپریالیسم و تمامی مزدوران و فریب خوردگان جبهه متحدش بدانند که دلاوران پاسدار، سرباز بسیج و رزمندگان ستاد جنگ های نامنظم با هماهنگی هرچه بیشتر و آموختن و درس گرفتن از کلیه پیروزی ها و شکست های یکساله با عزمی آهنین در جبهه های گسترده گیتی بیش از ۱۱۰۰ کیلومتر دلاورانه می رزمند تا در دفاعی عادلانه، انقلاب میهن و شرف خود را پاس دارند.

دلاوران ما می رزمند تا با تحقق صلحی عادلانه، همه نیروهای سازنده خلق را در ساختن ایرانی آباد، آزاد دمکراتیک بکار گیرند.

بمب گذاری در دادستانی کل انقلاب و شهادت حجت الاسلام قدوسی

جنایت دیگری از جبهه براندازی بسرکردگی آمریکا

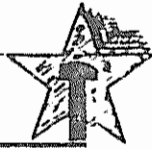
پنج روز پس از شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر، دادستان کل انقلاب اسلامی حجت الاسلام قدوسی نیز، در اثر انفجار بمبی که توسط مزدوران آمریکا کار گذاشته شده بود، شهید شد. نتیجه مستقیم این جنایت نیز جز شعله ورتر شدن آتش خشم ضد آمریکایی توده های بیدار و مصمم میهنمان، چیز دیگری نبود.

ترور جنایتکارانه حجت الاسلام قدوسی در ادامه ترورهای دو ماه گذشته و به ویژه متعاقب انفجار بمب در نخست وزیری، آشکارتر از پیش نشان داد که جبهه براندازی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، به شدت هار شده و در شرایط کنونی در پی گسترش تروریسم برای دامن زدن به بی ثباتی سیاسی و آماده کردن شرایط برای جنگ داخلی در ایران است. این ترور، در عین حال نشانگر اوج یاس و درماندگی جبهه براندازی به سرمداری آمریکا در برابر پیشرفت انقلاب ایران است. زیرا در شرایطی صورت گرفت که مردم قهرمان میهنمان یکی از شکوهمندترین تظاهرات خود را در مراسم خاکسپاری شهدای فاجعه روز ۸ شهریور به عمل آوردند. تشییع میلیونی پیکر شهید حجت الاسلام قدوسی و نیز شهید سرهنگ وحید دستگردی بار دیگر ثابت نمود که ضدانقلاب با دست زدن به هر ترور، صفوف مردم را متحدتر و خود را منزوی تر و رسواتر می سازد.

با این همه، ترور ضدانقلابی دادستان کل انقلاب، یک بار دیگر به مسئولین جمهوری اسلامی نشان داد که تامین امنیت مقامات جمهوری اسلامی، از وظایف کاملاً عاجل و بسیار خطیر جمهوری در مقطع فعلی است، و هرگونه کم بهاء دادن به این مهم در برابر تروریسم کور دشمنان انقلاب، خطایی نابخشودنی است. از همین رو، این ضایعه و عوارض منفی اجتماعی - سیاسی آن، باید توجه کاملاً جدی دولت و ارگان های انتظامی را به این نکته جلب نماید که حفظ جان مسئولین نه فقط در رابطه با حفظ و نگهداری کادریهای حکومتی مهم است، بلکه در رابطه با عقیم گذاردن توطئه های دشمن در بهره گیری از تاثیرات سیاسی ترورهاست که اهمیت مضاعف پیدا می کند.

سازمان ما ضمن ابراز تأسف عمیق از شهادت حجت الاسلام قدوسی و سرهنگ وحید دستگردی سرپرست کل شهربانی کشور که در واقعه بمب گذاری در دفتر نخست وزیری به سختی زخمی شد و پس از پنج روز به شهادت رسید، بار دیگر اقدامات جنایتکارانه جبهه براندازی بسرکردگی آمریکا را شدیداً محکوم می کند و اعتقاد راسخ دارد که این گونه جنایات صفوف مردم و نیروهای مدافع انقلاب را در مبارزه قاطع تر علیه آمریکا و مزدوران آن، فشرده تر می سازد.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضایعه شهادت حجت الاسلام قدوسی و سرهنگ وحید دستگردی را به مردم قهرمان ایران، به امام خمینی رهبرانقلاب و به خانواده این شهیدان صمیمانه تسلیت می گوید. و در برابر جنایات آمریکا و مزدوران آن، همه مردم و مقامات مسئول جمهوری اسلامی را به هوشیاری بیشتر و همه نیروهای مدافع انقلاب را به اتحاد و فشرده گیتی صفوف خود فرا می خواند.



برنامه جدید وزارت کار و مشکلات طبقه کارگر

با تشکیل کابینه جدید و تثبیت آقای میرمحمدصادقی در پست وزارت کار، رعوس برنامه وزارت کار و امور اجتماعی در خصوص مسائل کار و کارگری نیز در چارچوب برنامه عمومی دولت ارائه گردید، که مشتمل بر شش زمینه زیر است:

امور اداری، بازار کار، روابط کار، امور فرهنگی، امور آموزشی و امور رفاهی بدون شک ارائه برنامه در خصوص مسائل کار و کارگری چنانچه بر روح قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی باشد می تواند بیانگر تلاش مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در پاسخ به حقوق انقلابی و قانونی کارگری بوده و مهمتر از آن پای بندی به اجرای پیگیرانه آن می تواند به نوبه خود سهم شایسته ای در تعمیق و گسترش انقلاب داشته باشد. ما با توجه به این ملاک، برنامه فوق الذکر را مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای بحث در مضمون و مختصات این برنامه ضروری است ابتدا وجوه کلی مسائل کار و کارگری را در مقطع کنونی (آغاز مرحله سوم انقلاب) مورد بررسی قرار دهیم و آنگاه (در مقاله های بعد) به وجوه مشخص برنامه وزارت کار (مورد شش گانه فوق الذکر) بپردازیم.

با عزل بنی صدر ز ریاست جمهوری و بیرون راندن لیبرالها از حاکمیت سیاسی مرحله نوین، مرحله سوم پیشرفت و گسترش انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی و مردمی آغاز گشته است. در آغاز این مرحله حاکمیت جمهوری اسلامی به برکت حضور میلیون ها توده خلق در صحنه به مراتب بیش از گذشته به استحکام و یکپارچگی درونی دست یافته و لذا می تواند و باید به وظایف و مسئولیت های سنگینی که در قبال توده های وسیع زحمتکشان به عهده دارد، به ویژه به مطالبات انقلابی و مبرم آنان پاسخ گوید. پاسخ مقتضی و درخور به خواست های عادلانه و برحق زحمتکشان، هم از آن رو ضروری است که به این ترتیب به بخشی از اهداف مردمی و عدالت خواهانه

انقلاب جامعه عمل می پوشاند و هم از این جهت درنگ ناپذیر است که تنها با برخورداری ساختن توده های وسیع محرومان جامعه از مواهب و دستاوردهای انقلاب پایگاه مردمی آن تحکیم یافته و انقلاب با انرژی توفنده تر و با گام هایی استوارتر در راه نیل به اهداف اساسی ضد استثماری، ضد استثماری و خلقی خود گسترش و ژرفا می یابد. در این میان موقع و نقش طبقه کارگر در انقلاب و وظایف حاکمیت جمهوری اسلامی در قبال آن از برجستگی بارزی برخوردار است.

طبقه کارگر:

حاضر در صحنه

در تمام مراحل انقلاب

طبقه کارگر ایران با اعتصابات گسترده اقتصادی خود در تمام طول مرحله تدارک و تکوین انقلاب (سالهای ۵۵ و ۵۶) شرکت جست. با اعتصابات عظیم خود در فروپاشاندن دستگاه دولتی رژیم شاه و پیروزی مرحله نخست انقلاب در بهمن ۵۷ سهم ارزنده ای ایفا نمود. در تمام طول دوران پس از پیروزی انقلاب با هوشیاری و آگاهی سیاسی درخور تحسین اش و با تجهیز به تشکلهای شورایی خویش در میدان نبرد انقلابی علیه توطئه های رنگارنگ جبهه امپریالیستی بسرکردگی آمریکا، ضدانقلاب داخلی و لیبرالها که قصد درهم شکستن و یا مسخ تدریجی انقلاب را داشتند، در دفاع از انقلاب، تحکیم و گسترش دستاوردهای آن و تثبیت حاکمیت ضدامپریالیستی فعالانه شرکت نموده و در این راه چه در عرصه تولید و چه در میدان رزم میهنی علیه تجاوز امپریالیستی رژیم صدام،

با ایثار و فداکاری کم نظیر خود حماسه ها آفرید، تمامی مصائب و مشکلات، کمبودها و نارسائی های دوران پس از پیروزی انقلاب را صبورانه و آگاهانه تحمل نمود و با استواری کامل در سنگر انقلاب و آرمان های مردمی و ضدامپریالیستی آن پا برجا ماند و بالاخره در دوران اخیر که توطئه های مجموعه جبهه متحد براندازی به سرکردگی باند لیبرالی - بنی صدر و با هماهنگی کامل با رهبری ضدامقلابی - مجاهدین خلق، وارد مراحل نهایی تکوین و اجرای خود شد، کارگران انقلابی میهن ما با حضور گسترده و بی نظیر خود در صحنه، سهم بسزایی در ناکامی و شکست این توطئه ها ایفا نمودند.

جبهه متحد براندازی شامل ضدانقلاب سازمان یافته و ستون پنجم امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، جریان های رنگارنگ لیبرالی باند بنی صدر، رهبری ضد انقلابی مجاهدین خلق و گروه های چپ نما و مائوئیست کوشش داشتند تا با بهره گیری از دشواری های موجود و با پنهان شدن در پشت ماسک دفاع از خواست ها و حقوق کارگران، طبقه کارگر را به بیراهه کشانده، آن را از جایگاه واقعی خویش در میدان نبرد انقلابی خارج کرده و حتی به نیروی ذخیره خود در طرح های براندازی نظام جمهوری اسلامی تبدیل نمایند. اما اینها تنها خیال های خام و کودکانه ای بیش نبود. کارگران بیدار دل و هوشیار ما، نه تنها با حمایت قاطعانه خود از نیروهای اصیل پیرو خط امام نقش فعالی در خنثی کردن توطئه های دشمنان انقلاب و تثبیت حاکمیت انقلابی، به عهده گرفتند، بلکه به طریق اولی و به خصوص با شرکت گسترده خویش در انتخابات

ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی، نقش تعیین کننده ای نیز در گشایش فاز سوم انقلاب (مرحله پیشرفت و تعمیق کیفی آن) ایفاء نمودند. بدون تردید همانگونه که طبقه کارگر ایران در تمام طول مسیر بخرنج و پرفراز و نشیب تدارک پیروزی انقلاب و تحکیم و ژرفایی آن از ابتدا تا کنون، نقش تاریخی فوق العاده پراهمیت و سترگی داشته است، اینک در تداوم آن، یعنی در آغاز مرحله سوم انقلاب نیز، همان رسالت و مسئولیت سنگین را در دفاع از انقلاب و تثبیت پیروزی های آن، در مقیاسی مضاعف برعهده داشته و می تواند و باید این مسئولیت و این رسالت را با شایستگی و موفقیت به اجرا درآورد.

وظایف حاکمیت جمهوری اسلامی در قبال طبقه کارگر

اما برای اینکه طبقه کارگر بتواند به رسالت تاریخی خود در این مرحله از گسترش و ژرفایی انقلاب نیز پاسخ گوید، جدا از وظایفی که برعهده اوست، وظایف بی اندازه مهم و عاجلی نیز بر عهده حاکمیت انقلابی است. امام خمینی در سخنرانی خود به مناسبت اول ماه مه امسال که اتفاقاً مقارن بود با آخرین مراحل تکوین توطئه های جبهه براندازی بسرکردگی باند لیبرالی بنی صدر، طبقه کارگر ایران را "ستون انقلاب" و "اسطوره رهایی از وابستگی ها" دانستند. کارگران بیدار دل و هوشیار ما با شرکت فعال و قاطع خود در جریان عظیم گذاردن توطئه های خطرناک اخیر، یک بار دیگر به روشنی نشان

دادند که به حق ستون انقلاب و مدافع پیگیر آن هستند. امام خمینی همچنین در جریان تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای رجایی گفتند:

باید توجهتان به این توده های مستضعفی باشد که با زحمت خودشان و رنج خودشان در جبهه و پشت جبهه مشغول فداکاری هستند و به راستی نیز برای آنکه بتوان انبوه میلیونی کارگران را که به حق "ستون انقلاب" نام گرفته اند، بیش از پیش در راه نیل به اهداف ضد - امپریالیستی و مردمی انقلاب بسیج و تجهیز نمود، باید آنان را از دستاوردهای انقلاب بهره مند ساخت، انقلاب باید انقلاب را به معنای واقعی کلمه در نسج زندگی و شرایط کار این توده زحمتکش متبلور کرد و در یک کلام به مطالبات برحق آنان پاسخ داد. بین آن گفته و این سخن امام، رابطه ای درونی و لازم و ملزوم هم وجود دارد که بیانگر قانونمندی رشد و گسترش هر انقلاب خلقی بوده و پای بندی بدان متضمن تعمیق انقلاب است. برای آنکه انقلاب بتواند ژرفایی یابد، باید در هر گام خود توده های وسیع خلق را از مواهب خود برخوردار سازد. دولت جمهوری اسلامی که اینک در آغاز مرحله نوین گسترش انقلاب از وحدت اراده و عمل به مراتب بیشتری نیز برخوردار شده است، باید به این حقیقت ژرف وقوف یافته و آن را در اقدامات آینده خود بکار بندد.

مهمترین دستاوردهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی کارگران در دوران پس از پیروزی انقلاب

تاکنون برغم کارشکنی ها و اختلال گری هایی که در امر بهبود شرایط کار و زندگی کارگران، از سوی طیف وسیع دشمنان رنگارنگ انقلاب چه در واحدهای تولیدی - طبقه در صفحه ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۶

برنامه

خدماتی و چه در دواير و نهادهای دولتی، پدید آمده است، طبقه کارگر میهن ما دستاوردهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی مهمی داشته است بخشی از این دستاوردها، مولود عینی پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ بوده و بخشی دیگر در نتیجه اقدامات عملی دولت جمهوری اسلامی در دوران پس از پیروزی انقلاب حاصل شده است. تحدید چشمگیر دامنه ستم و استثمار دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های بزرگ وابسته، سرنگونی رژیم ترور و اختناق وابسته به امپریالیسم و درهم شکستن سلطه پلیسی آن بر کارخانه‌ها و مراکز خدماتی، محو سازمان‌های کارگری فرمایشی و دولتی، از قبیل به اصطلاح سازمان کارگران ایران (وابسته به حزب رستاخیز) پدید آمدن نسبی جو آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک در مراکز کارگری، ایجاد داوطلبانه تشکلهای شورایی و به‌ویژه حصول عینی حقوق مشارکت دمکراتیک در اداره تولید و خدمات مصادره و ملی شدن تعداد زیادی از واحدهای سرمایه‌داران بزرگ و بطور کلی تحدید حدود مالکیت صنعتی و ... همه و همه از زمره دستاوردهای مهمی است که طبقه کارگر میهن ما در نتیجه پیروزی انقلاب بهمن و شرکت گسترده و آفریننده خود در آن، بطور عینی و بلاواسطه بدست آورده است. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی که در کلی‌ترین خطوط خود مطابق با روح و سرشت مردمی انقلاب شکوهمند بهمن تنظیم شده و در آن به میزان زیادی بر حقوق صنفی و رفاهی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کارگران تصریح شده است و از جمله برطبق اصول ۲۶ و ۱۰۴ آن، حقوق صنفی - سیاسی و به‌ویژه حق مشارکت کارگران در اداره تولید و خدمات تصریح شده است. و همچنین افزایش حداقل دستمزد به سطح ۶۳۵ ریال و کاهش ساعات کار

هفتگی کارگران به میزان ۴۴ ساعت کار در هفته، نیز از جمله پیروزی‌های مهم طبقه کارگر در دوران پس از پیروزی انقلاب بوده است طرح لغو قانون سود ویژه و پرداخت پاداش افزایش تولید به جای آن، طرح بیمه‌بیکاری، مصونیت قانونی هیئت موسس و اعضاء شوراها از اخراج نیز از جمله دستاوردهای دیگر طبقه کارگر است که در ماههای اخیر، حاکمیت جمهوری اسلامی در پاسخ به مطالبات مرم و بر حق کارگران، موجبات تحقق و تثبیت قانونی آنها را فراهم نموده است.

نارسائی‌ها و کمبودهای اساسی در شرایط کار و زندگی کارگران

اساسی در شرایط کار و زندگی کارگران

با وجود همه این دستاوردها که در جای خود درخور تاکید است پس از پیروزی مرحله نخست انقلاب تاکنون هنوز یک تحول بنیادی در شرایط زندگی و کار کارگران زحمتکش میهن حاصل نشده است. هنوز قانون کار ارتجاعی و ضد - کارگری گذشته مبنای حقوقی تعیین مناسبات بین کارگر و کارفرما قرار می‌گیرد و قانون مترقی و جدید کار که ملهم از سرشت مردمی و عدالت‌خواهانه انقلاب باشد تدوین و تصویب نشده است ماده ۳۳ قانون کار هنوز هم مورد استناد کارفرمایان و مدیران "طاغوتی" و لیبرال به هنگام اخراج کارگران از مراکز تولیدی - خدماتی قرار می‌گیرد. کارگران زحمتکش میهن ما همچنین از قانون مترقی و خلقی تامین اجتماعی که متضمن حقوق از کارافتادگی بازنشستگی، بیکاری، بی - سرپرستی و درمان رایگان کارگران باشد، بی‌بهره‌اند. شرایط بهداشتی و استحفاظی محیط کار کارگران، همچنان از کیفیت نازلی برخوردار است و به همین دلیل در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز کماکان شاهد بروز سوانح دردناک در محیط‌های کار بوده‌ایم. نظام مترقی ارزشیابی مشاغل که بتواند مبنای واقعی و عادلانه تعیین

دستمزد کارگران در واحدهای تولیدی - خدماتی باشد، تنظیم و تصویب نشده است. حقوق کارگران در زمینه برخورداری از مسکن مناسب، حق اولاد، حق خواروبار مرخصی مناسب سالیانه و ... تامین و تضمین نشده است. حداقل سن قانونی کار (۱۶ سال) تثبیت نگردیده و ضوابط مناسب و ضرور در مورد کار زنان به خصوص در زمینه پرداخت مزد مساوی با مردان تنظیم نشده است. از همه مهمتر حقوق تشکلهای آزادانه و داوطلبانه کارگران در سازمانهای اتحادیه‌ای و "شورایی" که اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی نیز بر آن تصریح و تاکید دارد، از نظر قانونی، تضمین و تثبیت نشده است. قانون کار و آئین‌نامه شوراهایی که حقوق کارگران همه واحدهای تولیدی و خدماتی را بلااستثنا در زمینه مشارکت دمکراتیک در اداره تولید و خدمات از یک سو و دفاع از منافع و حقوق صنفی - رفاهی خود از سوی دیگر، تامین کند و از این طریق شرایط بسج و تجهیز توده‌های متشکل کارگران را در راه دفاع از انقلاب و تحکیم و تعمیق دستاوردهای آن فراهم آورد، تنظیم و تصویب نشده است. هنوز هم قانون شوراها مصوب شورای انقلاب و آئین‌نامه شوراها مصوب شورای عالی کار (مردادماه ۵۹) مبنای برخورد با حقوق اتحادیه‌ای و شورایی کارگران قرار می‌گیرد و از این طریق از عمل موثر شوراها به سود انقلاب و در جهت تامین منافع کارگران جلوگیری می‌شود. هرچند مصوبه اخیر وزارت کار در زمینه مصونیت قانونی نمایندگان شوراها. خود گامی مثبت در جهت تثبیت قانونی شوراها است. همچنین در میان نهادها و مقامات مسئول و از جمله دست‌اندرکاران وزارت کار، کماکان برداشت مخدوش، قضاوت نادرست و دید خصمانه نسبت به تشکلهایی که با نام و هویت "سندیکا" در مراکز تولیدی و خدماتی تشکیل شده‌اند، لیکن از نظر

مضمون و محتوی کارکرد خود تفاوت ماهوی با تشکلهای شورایی ندارند، دیده می‌شود. بدیهی است که چنین برخوردی به روند اتحاد و سازمان‌یابی طبقه کارگر میهنان ضربات و لطمات جدی وارد می‌سازد از اینها گذشته هنوز هم همه کارگران واحدهای تولیدی - خدماتی از شمول قانون حداقل دستمزد به میزان ۶۳۵ ریال و محدود کردن ساعات کار به میزان ۴۴ ساعت در هفته برخوردار نیستند. در کنار همه اینها باید افزود که تشکیلات وزارت کار و سازمان‌های تابعه همچنان از کارآیی لازم در برخورد با مطالبات مرم و عاجل کارگران بی‌بهره است روح انقلاب در نسوج و تاروپود تشکیلات این وزارتخانه دمیده نشده است و تغییرات بنیادی ضرور در بافت و مناسبات درونی آن که هنوز هم از حضور عناصر لیبرال، کارشکن و غیر متعهد رنج می‌برد، پدید نیامده است.

برای تجهیز طبقه کارگر در مرحله سوم انقلاب پاسخ به مطالبات برحق آن ضروری است

در یک کلام و به اجمال می‌توان گفت که شرایط

فعلی کار و زندگی کارگران زحمتکش میهن ما هنوز انطباقی با سرشست عدالت‌خواهانه و محتوی مردمی انقلاب شکوهمند بهمن ندارد. با این وجود همان‌گونه که گفتیم طبقه کارگر میهن ما، برغم تمامی کاستی‌ها و مشکلات موجود آگاهانه و با اراده‌ای آهنین با ایثار و فداکاری بی‌نظیر، در تمام مراحل دشوار انقلاب همچون ستون و دژی استوار در برابر دشمنان انقلاب، ایستاده و از دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی دفاع نموده است. با آغاز مرحله سوم انقلاب که کارگران همچنان نقش سترگی در پیشبرد ظفرمندان آن به عهده دارند، وظیفه انقلابی دولت جمهوری اسلامی است که کارگران را بطور جدی و اساسی از دستاوردهای انقلاب برخوردار سازد، باید با بهبود شرایط زندگی و کار کارگران این توده عظیم و میلیونی را بیش از پیش به مبارزه آشنی‌ناپذیر و سرنوشت‌ساز علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و پیکار ایثارگرانه در جبهه نوسازی انقلابی جامعه و میهن به سود توده وسیع محرومان و تحکیم استقلال ملی و نیل به پیشرفت اقتصادی، اجتماعی به معجزه‌آفرینی‌ها و پیروزی‌های درخشان‌تر تشویق و تجهیز نمود.

کارگران مبارز ایران!
با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار
جبهه انقلاب را تقویت کنید

اصول ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی
(حقوق شورایی و سندیکائی کارگران) باید در
قانون کار جدید تثبیت شود

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

واحد تولیدی مشاع پایه‌ای برای تعاونی‌های تولیدکشاورزی

نقش دولت و ارگان‌های رهبری جامعه که در زمینه‌های پیشبرد و ارتقاء سطح همکاری تعاونی در رابطه با اتخاذ سیاست‌های تشویقی و تخصیص امکانات و نیازهای تولید به تعاونی‌ها و تقویت مدیریت تولید در این واحدها نقشی تعیین کننده و سرنوشت‌ساز است در آئین‌نامه مشاع با وضوح و روشنی کامل بیان نشده است و فقط در ماده‌ای که مربوط به قرارداد ترکیب نوع کشت است آمده " این قرارداد توسط شورای اسلامی مشاع و ارگان‌های بالاتر تعاونی و کمیته که از طرف دولت جمهوری اسلامی وظیفه اعمال سیاست‌های دولت برای نوع کشت به آنها محول می‌شود، بسته می‌شود " (آئین‌نامه مشاع ص ۱۵) یعنی مشخص نمی‌گردد که آیا این "ارگان‌های بالاتر تعاونی و کمیته" تنها "وظیفه اعمال سیاست‌های دولت برای نوع کشت" را به عهده دارند یا به‌طور کلی تمام وظایفی که دولت جمهوری اسلامی در رابطه با تعاونی‌ها در کشاورزی برعهده دارد در رابطه با این ارگان‌ها انجام می‌پذیرد. یعنی به‌طور کلی رابطه واحدهای تولیدی مشاع و دولت جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلفی که بقاء و رشد این واحدها بدان‌ها بستگی دارد تا حدودی روشن شده که باید برای رفع این نقیصه و ابهام برخوردی جدی نمود بعلاوه به این مساله مهم باید توجه داشت که تمهیدات و سیاست‌های لازم جهت تبدیل واحدهای پایه‌ای تعاونی به واحدهای گسترده‌تر و اتخاذ سیاست‌هایی در رابطه با گسترش ابعاد و افزایش اعضای واحدهای مشاع باید مورد توجه قرار گیرد. این امر به نوبه خود ضمن متمرکز کردن تولید و صرفه جویی در هزینه‌های آن اشکالات خدمت رسانی توسط دولت به واحدهای پراکنده را مرتفع می‌نماید و زمینه تحول هر چه بیشتر جامعه روستایی را فراهم می‌سازد.

بر مبنای ویژگی‌های کشت در هر نقطه از روستاهای کشور شکل‌گرفته است و آداب و رسوم محلی و قومی مردم هر منطقه می‌باشد و مشاهده می‌کنیم که در آئین‌نامه مشاع در رابطه با این نکته بسیار با اهمیت آمده است که: " در این طرح سعی شده است که طرح جدید بر اساس سنت‌های قدیمی و درست روستاها باشد یعنی سنت‌های بهره‌برداری و تولید کشاورزی را که سال‌های سال در روستاها عمل می‌شده در نظر بگیریم و نقاط غلط و اشتباه و ظالمانه آن را رها کنیم و نقاط مثبت و خوب و درست را گرفته سعی کنیم که شکل جدید و انقلابی به آن بدهیم. از دیگر اصول مهم تعاونی‌ها مساله داوطلبانه و اختیاری بودن شرکت دهقانان در آن و عدم استفاده از هر نوع فشار و اعمال زور است. و مشاهده می‌گردد که در تشکیل واحدهای تولید مشاع در حالی که مانند روشی که در اصلاحات ارضی الجزایر در پیش گرفته شده شرکت دهقانانی که از طرف دولت، زمین بدانها واگذار می‌گردد در واحد مشاع ضروری است، اما شرکت خرده‌مالکین مستقل در آن اجباری نبوده و سیاست‌های تشویقی برای ایجاد محرکه جهت شرکت آنها در واحد مشاع فراهم گردیده است که این مساله با اضافه توجه به ایجاد آنچنان شرایطی که شرکت فعالانه و وسیع دهقانان را در اداره اموری که پیش از همه مربوط به زندگی و سرنوشت خودشان است تاءمین می‌نماید (آئین‌نامه مشاع ص ۶) به واحد تولید مشاع مضمونی دموکراتیک می‌دهد که درخور تاءکید فراوان است. اما مساله قابل توجه و با اهمیتی که در اینجا لازم است روی آن انگشت بگذاریم این است که

در مالکیت اعضای مشاع است در اختیار واحد قرار گرفته و در جدول کار به حساب آنها ثبت می‌شود اما ماشین‌آلات به طریق دسته‌جمعی (شریک‌الملکی) خریداری شده و متعلق به واحد تولید مشاع است و نمی‌توان آن را از واحد جدا نمود. تعیین نوع کشت هر واحد به وسیله قراردادی است که در اول هر سال زراعی بین شورای اسلامی مشاع و ارگان‌های بالاتری که از طرف دولت جمهوری اسلامی وظیفه اعمال سیاست‌های دولت برای نوع کشت به آنها محول می‌گردد بسته می‌شود. در برخورد کلی با این طرح اولین نکته‌ای که جلب نظر می‌کند سمت‌گیری عمومی آن به سوی تعاونی‌کردن کشاورزی است و دلایلی هم که برای این امر ذکر شده در اساس، همان دلایلی است که در رابطه با ضرورت‌های سازماندهی تولید در یک اصلاحات ارضی مردمی و انقلابی کم و بیش مطرح می‌گردد مسائلی مانند: افزایش توان دهقانان برای حراست از زمین‌های خود در مبارزات رقابت آمیز، آسان‌تر شدن برنامه تنظیم تولید از طرف دولت، افزایش بازدهی کار، به‌وجود آمدن امکان مناسب‌تر برای کمک‌های دولت از قبیل وام، بذر، کود، ماشین‌آلات (رجوع کنید به آئین‌نامه مشاع ص ۱) در مجموع تاءکیدات بجا و درستی است که سمت عمومی آن در جهت گسترش روح تعاون و همیاری و ایجاد سازمان تولید متناسب با ویژگی‌های روستاهای کشور است. در این رابطه ما گفتیم که یکی از نکات مهم و با اهمیت در ایجاد و گسترش تعاونی‌ها رعایت جدی و استفاده از تمامی سنت‌های تولیدی مرسوم که اساسا در گذشته

که اساسا بر مالکیت بر یک قطعه زمین مشخص که به شکل شریک‌الملکی است ناشی می‌شود و تقسیم کار کاشت و داشت و برداشت نیز به طریق مشاع و جمعی و... انجام می‌گیرد و محصول نیز در آخر هر سال بنا به میزان کاری که کشاورزان انجام داده‌اند و زمین و آبی که در مشاع دارند بین اعضا مشاع تقسیم می‌گردد. (آئین‌نامه مشاع - ستاد مرکزی واگذاری زمین ص ۲) در رابطه با خصوصیات این واحد پایه‌ای در آئین‌نامه چنین آمده است که این واحد حداقل از ۵ نفر تشکیل می‌شود که دارای زمین مساوی به اندازه عرف محل بوده و سند مالکیت هم به صورت جمعی برای آنها صادر می‌شود. همچنین تاءکید فراوانی مبنی بر تشویق و ترغیب خرده‌مالکین به عضویت در واحد مشاع انجام پذیرفته است. شیوه عملی این مسئله به این صورت پیش‌بینی گردیده است که دهقانان متمایل به شرکت در واحد مشاع در یک روستا یا بیشتر از عرف محل است به هیات ۷ نفری واگذار کرده و هیات نیز یک قطعه زمین به اندازه عرف محل در واحد مشاع به آنان واگذار می‌کند. ادامه این واحد از طرف یک شورای ۵ نفری (۳ نفر عضو و ۲ نفر مشاور) انجام می‌گیرد که به نام "شورای اسلامی مشاع" خوانده می‌شود و این شورا زیر نظر مجمع عمومی که از همه اعضا و مشاع تشکیل شده کار می‌کند. یکی از وظایف مهم شورای اسلامی مشاع "تماس مستمر و هماهنگی با تصمیمات شورای اسلامی ده ذکر شده است. ضمناً ابزار دستی، گاواهن و چارپایانی که مورد لزوم مشاع بوده و

همان‌گونه که در رابطه با سازماندهی تولید و ایجاد تعاونی‌ها در یک اصلاحات ارضی مردمی در شماره‌های قبل بیان کردیم ایجاد و گسترش تعاونی‌ها در کشاورزی یکی از شروط تعیین کننده احیاء و رشد این بخش از اقتصاد جامعه و نجات میلیون‌ها دهقان زحمتکش از فقر و محرومیتی است که سال‌های سال بر آنان تحمیل گشته است. همچنین متذکر شدیم که در رابطه با تعاونی‌کردن کشاورزی تجربیات تمام انقلابات پیروزمند خلق‌های کشورهای از بند رسته مؤید آن است که توجه و رعایت سنت‌ها، آداب و رسوم دهقانان و تاءکید بر ویژگی‌های ملی، منطقه‌ای و اقلیمی روستاها استفاده وسیع از تمامی روابط همیارانه‌ای که ریشه در سنت‌های کشت جمعی هر منطقه دارند و توجه به این امر بسیار مهم که برای تربیت روح تعاون و همیاری در بین دهقانان و زحمتکشان روستاها، رعایت اصل مرحله‌ای بودن شکل‌گیری تعاونی‌ها، گذار از پایین‌ترین سطح همکاری و تعاونی به اشکال عالی‌تر و متکامل‌تر و همچنین مساله داوطلبانه و اختیاری بودن شرکت دهقانان در تعاونی‌ها بدون اعمال ذره‌ای جبر و زور از اصول درخسور توجه و قابل تاءکید در امر تعاونی‌کردن کشاورزی محسوب می‌گردد. حال بر اساس همین اصولی که بر شمرده‌ایم ضروری است بررسی کوتاهی از واحدهای کشت مشاع مورد نظر جمهوری اسلامی ایران به عمل آوریم. ابتدا ببینیم که این واحدها چیست و چه ضوابطی بر آن حاکم است. در آئین‌نامه کشت مشاع که توسط ستاد مرکزی واگذاری زمین تنظیم گردیده پیش‌بینی شده است که شیوه واگذاری زمین‌هایی که از فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ صادره می‌گردد به دهقانان واجد شرایط نه به صورت انفرادی (قطعه قطعه کردن زمین) بلکه به صورت جمعی خواهد بود بدین ترتیب که "در روستاهای ایران واحدهای پایه‌ای تشکیل خواهد شد

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

خبرهایی از روستاهای کشور

با اجرای بندرعباس و ده توطئه‌های رنگارنگ فئودال‌ها و مهرتجین را خنثی کنید

تبلغ بر علیه هیات ۷ نفره و دیگر ارگان‌های انقلابی، با تهدید از دهقانان می‌خواهد که هر چه سریع‌تر نیمی از زمین‌های محمدعلی دهقانی را به او باز گردانند. روستائیان زحمتکش طی نامه‌ای به دفتر نماینده امام در بندرعباس از روحانی مزبور شکایت کرده و دفتر نماینده امام نیز به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندرعباس دستور رسیدگی به مسأله را می‌دهد و در اثر پیگیری سپاه شخص مذکور از منطقه متواری می‌گردد. تحقیقات بعدی نشان می‌دهد که این روحانی دست‌نشانده محمدعلی دهقانی فئودال منطقه بوده و این توطئه را با همدستی هم طرح‌ریزی کرده‌اند.

بندرعباس : روستای باغان در منطقه حاجی‌آباد از توابع بندرعباس قرار دارد و زمین‌های این روستا که متعلق به فئودالی به نام محمد علی دهقانی بود قبلاً توسط هیأت هفت نفری واگذاری زمین بین دهقانان تقسیم شده بود. چندی پیش روحانی‌ای به نام شیخ جعفر که خود را نماینده حجت‌الاسلام احمدی نماینده امام و امام جمعه بندرعباس معرفی کرده بود به روستا آمده و ضمن

سوخت مورد نیاز کشاورزان را تأمین کنید

خراسان - کمبود گازوئیل و روغن موتور و توزیع نامناسب آن در روستاهای خراسان به یکی از معضلات دهقانان زحمتکش بدل گردیده است، نبودن سوخت باعث آن شده است تا موتورهای آب از کار بیفتند و مزارع و باغات با خطر کم‌آبی مواجه گردد. علاوه کمی سوخت باعث خوابیدن ماشین‌آلات کشاورزی و کندی کارها شده و روستائیان منطقه را شدیداً در مضیقه قرار داده است، و محصول آنها را تهدید می‌کند. نفوذ عناصر غیرمسئول در ارگان‌ها و ادارات خصوصاً کمیته سوخت ادارات کشاورزی استان، و عملکرد تجار بزرگ و واسطه‌ها در جهت فروش سهمیه گازوئیل کامیون‌ها به دارندگان موتورهای آب به قیمت‌های

سرام آور که تنها مالکین قادر به خرید آن هستند و نبودن یک سیستم اصولی و طبق ضابطه‌ی توزیع مواد سوختی از جمله عوامل ایجاد چنین وضعی است. جادارد مسئولین امور با ایجاد سیستم توزیع از طریق شوراهای روستائی و سهمیه‌بندی دقیق احتیاجات سوختی روستائیان منطقه و پیگیری و تعقیب عناصر واسطه و سودجو به چاره‌اندیشی این مشکل پردازند.

به خواست‌های

دهقانان زحمتکش خراسان

رسیدگی کنید

دهقانان زحمتکش روستاهای خراسان عموماً و کشاورزان بی‌چیز مناطقی که در بهار امسال بر اثر سیل، مزارع آنها آسیب جدی دیده بود خواهان وام بلاعوض و یا وام‌های طولانی مدت از جانب مسئولین

هستند، جبران تفاوت و ضایعات که سیل امسال به دام‌ها و مزارع کشاورزان زحمتکش وارد ساخته است در حدی نیست که بنیسه ضعیف اقتصادی آنها قادر به ترمیم و جبران آن باشد، علاوه بر این شیوع آفات نباتی در حال حاضر بقایای محصول آنها را تهدید می‌کند. اگر وضع به همین منوال ادامه یابد دهقانان زحمتکش این روستاها برای کشت آینده مجبور به توسل به نزول‌خواران و سلف‌خران خواهند بود. جادارد که مسئولین استان با پرداخت وام و تأمین به موقع نیازهای کشاورزی نظیر کود، بذر و سموم دفع آفات نباتی و دامی نیازهای کشاورزان زحمتکش را تأمین کرده و در جهت افزایش تولیدات کشاورزی و دامی منطقه گامی به جلو بردارند. علاوه بر این روستائیان منطقه از دولت و وزارت کشاورزی خواهان خرید محصولات با قیمت‌ها و شرایط مناسب‌تری هستند.

تأمین حوائج و حقوق اولیه صنفی - رفاهی رفتگران از وظایف مقدم و مبرم شهرداریها و وزارت کار است

معیشت و کار کارگران شهرداری است باید :
۱ - کلیه رفتگران را بطور کامل به استخدام رسمی شهرداری درآورد تا آنان بتوانند از حقوق قانونی خویش بهره‌مند شوند.
۲ - پرداخت حقوق روزهای جمعه و ایام تعطیل را هرچه زودتر از سر گیرد.
۳ - حق استفاده از فروشگاه‌های تعاونی مصرف کارکنان شهرداری و همچنین حق استفاده از بلیط شرکت واحد (ماهانه ۱۰۰ عدد) را برای کارگران موقت (حتی پیش از رسمی شدن کامل آنها) تأمین نماید.
در پایان باید اشاره کنیم که کارگران زحمتکش و مبارز شهرداری تهران تصمیم اخیر شهرداری تهران، مبنی بر مذاکره با اتحادیه صنف گرمابه‌داران به منظور استفاده رایگان کارگران روفتگر از حمام‌های تهران را به عنوان تصمیمی مسئولانه مورد استقبال قرار داده و آنرا گام عملی مثبتی در جهت پاسخ‌گویی به حداقل حقوق صنفی - رفاهی خویش می‌دانند.

پرداخت نشده و نمی‌شود. بسیاری از کارگران شهرداری تهران سه سال است که به این ترتیب (اخراج و استخدام متناوب) کار می‌کنند و شهرداری بدین ترتیب از رسمی شدن این کارگران شانه خالی نموده و آنان را همچنان به عنوان کارگر موقت و روزمرد نگهداشته است. ادامه وضعیت فوق که چیزی جز پایمال شدن بخش قابل ملاحظه‌ای از حقوق اولیه و قانونی کارگران نیست، بارها مورد اعتراض کارگران زحمتکش رفتگر قرار گرفته است. طرح جدید شهرداری تهران نیز مبتنی بر امضاء قرارداد ۶ ماهه الی یک ساله با کارگران روزمزد ۸۹ روزه که بتواند مزایای قانونی بیمه و بهداشت را برای آنان تأمین کند، به هیچ‌وجه نمی‌تواند راه حلی اصولی و منطبق با خواست‌ها و حوائج مبرم و اساسی رفتگران باشد. این راه‌حل موقتی نیز همچنان بخش قابل توجهی از حقوق قانونی آنان را ضایع خواهد کرد. شهرداری تهران چنانچه راغب به بهبود سطح

جز قطع حقوق روزهای فوق در پی نداشته است، مشکلی بر مشکلات مالی آنان افزوده است. کارگران زحمتکش شهرداری با اجرای این طرح رقمی بالغ بر ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ ریال از حقوق ماهانه‌شان را از دست داده‌اند. البته اعتراضات مکرر رفتگران، مقامات شهرداری را مجبور کرده است به ۳۰ الی ۳۵ درصد از رفتگران رسمی هر منطقه حقوق روزهای تعطیلی را بپردازند ولی تا کنون طرح قطع حقوق روزهای جمعه و ایام تعطیل بطور رسمی لغو نشده و از طرفی لغو آن شامل حال تمامی رفتگران نمی‌باشد.
یکی از مهمترین مشکلات اکثریت رفتگران، استخدام غیر رسمی آنان از طرف شهرداری است. بخش مهمی از آنان به مدت سه ماه (دقیقاً ۸۹ روز) بکار گمارده می‌شوند و بعد از پایان مدت فوق اخراج شده و مجدداً به عنوان کارگر موقت استخدام می‌شوند در فاصله هر اخراج و استخدام حقوق دو روز آنها (روزهای ۹۰ و ۹۱) نیز هرگز

کنون موجب سوانح و ضایعات جانی ناگواری شده است. کار توان‌فرسا و پر مشقت رفتگران، لزوم توجه ویژه‌ای به وضعیت آنان را از طرف مسئولین شهرداری و وزارت کار ایجاب می‌نماید ولی متأسفانه تاکنون نه تنها هیچ‌گونه توجه ویژه‌ای نسبت به وضعیت آنان مشاهده نشده، بلکه از آن فراتر، حداقل حقوق قانونی‌شان نیز تأمین نشده است. دستمزد ناچیز کارگران همواره آنان را مجبور کرده است که همچنان که شهردار تهران معترف است، حتی پول لباس مخصوص رفتگری را که هر سال شهرداری به آنان پرداخت می‌کند، صرف تأمین مایحتاج ابتدایی‌تر خود نمایند. شهردار تهران که به درستی علت اصلی عدم خرید لباس مخصوص از طرف رفتگران را " اشکالات مالی کارگران " ذکر می‌کند، در عمل با پیشنهاد و اجرای طرح تعطیل روزهای جمعه و ایام تعطیلی رفتگران (که به قول ایشان " به دلیل رعایت حال این مستضعفین صورت گرفته) که نتیجه‌ای

تهران بیش از ۸۰۰۰ رفتگر دارد. آنان هر روز صبح از ساعت ۴ آغاز به کار کرده و علاوه بر جمع‌آوری زباله‌های منازل، تخلیه لجن‌نهرها و زیر پل‌ها، نظافت کوچه و خیابان‌ها، کمک به بارگیری کامیون‌های حمل زباله را نیز به عهده دارند. هر رفتگر بطور تقریب زباله‌های ۱۸۰ خانه را جمع‌آوری می‌کند. رفتگران زحمتکش که حفظ بهداشت محیط شهر و جلوگیری از اشاعه بیماری‌های ناشی از تعفن زباله‌ها و آلودگی هوا را به عهده دارند، خود در معرض ابتلاء به انواع بیماری‌ها قرار دارند. کارگران رفتگر به واسطه عدم برخورداری از پوشش بهداشتی در حین کار (از قبیل دستکش، کفش، ماسک مخصوص جلوگیری از نفوذ گردوغبار و ...) در معرض ابتلاء به امراض مختلفی قرار دارند. همچنین نداشتن لباس شبرنگ و علائم متحرک برای راهنمایی اتوموبیل‌ها به هنگام کار در شب، تا

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

تشدید فعالیت

نیروهای ضد انقلابی در پاکستان

* - با تشدید فعالیت نیروهای ضد انقلابی در پاکستان به ویژه خان‌ها و ساواکیان فراری بلوچ در کراچی هواداران سازمان در پاکستان با انتشار اعلامیه‌ای ضمن افشاء عملکردهای ضدانقلاب در پاکستان به زمینه‌های رشد ضدانقلاب می‌پردازند در بخشی از اعلامیه می‌خوانیم :

" با انقلاب قهرمانانه مردم ما که منجر به سرنگونی رژیم اسبیداد پهلوی گردید و لبه تیز حمله خود را نیز متوجه آمریکا نموده است ، همه نیروهای مرتجع و ضدانقلاب همه دوستان و جاسوسان امپریالیسم ، همه فئودال‌ها و تجار بزرگ ، لیبرالها و وابستگان فراری شاه با حمایت سرکرده ارتجاع جهانی امپریالیسم آمریکا دست به تلاش‌های مذبحخانه‌ای زده‌اند "

و در بخش دیگری آمده است :
پس از بهمن ۵۷ ، کراچی به مرکز فعالیت گروه‌های مختلف ضدانقلابی تبدیل شد . گروه‌های مختلفی که شامل افسران فراری شاه ، خان‌های فراری بلوچستان و افراد ساواکی که در اوایل انقلاب بطور پراکنده به زندگی ننگین خود ادامه می‌دادند ، امروزه با حمایت امپریالیسم و با

استفاده از تزلزلات و ناپیگیری جمهوری اسلامی در مبارزه با ضدانقلاب به سازماندهی خود پرداخته‌اند و خطری جدی برای انقلاب مردم ما تبدیل شده‌اند . یکی از گروه‌های سازمان داده شده ضدانقلاب ، خان‌ها و فئودال‌های بلوچ می‌باشند که تحت نام " سازمان وحدت بلوچ " در ارتباط مستقیم با بختیار خائن به فعالیت‌های ضدانقلابی مشغولند "

در این اعلامیه به شخصی به نام بنی‌عامری اشاره می‌شود که از وابستگان دربار می‌باشد و در رژیم سرنگون شده پهلوی ، به همراه میرومونداد و دیگر نیروهای ژاندارمری و خان‌ها در منطقه آهواران به قتل و غارت و تجاوز می‌پرداخت و اکنون نیز با سازمان به اصطلاح وحدت بلوچ جلسات متعددی دارد در این بخش از اعلامیه ضمن افشاء فرد یاد شده چنین نوشته است :

" اخیرا شخصی به نام بنی‌عامری فرمانده سابق هنگ ایرانشهر و یکی از عوامل کودتا که از طریق پاکستان به اروپا فرار کرده بود از طرف بختیار ماموریت می‌یابد که برای سازماندهی مجدد به " سازمان وحدت بلوچ " با ضدانقلابیون فراری در کراچی تماس بگیرد و به دنبال این تصمیم بنی‌عامری به همراه دو تن از افسران ایرانی در تاریخ ۲۴ آوریل (فروردین ماه ۶۰) جلساتی با خان‌ها و اعضاء سازمان یاد شده ترتیب داده و تصمیماتی اتخاذ می‌نمایند که از آن تاریخ به بعد ، ضدانقلابیون به فعالیت در میان دانشجویان دست زده و گروه‌های مختلفی از دانشجویان ضدانقلابی را به میان دیگر دانشجویان می‌فرستند و هدف آنان منحرف نمودن جنبش دانشجویی و انطباق حرکت‌های آنان با خواست‌های خود می‌باشد ، عمده‌ترین روش‌های مورد استفاده در این رابطه را به ترتیب زیر می‌توان خلاصه نمود :

۱ - گماردن جاسوسان و مزدور برای شناسایی نیروهای مومن به انقلاب تا در فرصت مناسب بر

علیه آنها وارد عمل شوند .
۲ - بهره‌گیری از ضعف‌های مادی تعدادی از دانشجویان ناآگاه و فراهم کردن امکانات مالی برای آنان و در کنار آن کشیدن این دسته از دانشجویان به محافل مواد مخدر و ... تا آنها را نسبت به اوضاع کشور بی‌تفاوت نمایند و سرانجام آنها را به خدمت اهداف شوم خود گیرند .

۳ - سوءاستفاده از تضادهای معرفتی افرادی که می‌توانند در جبهه انقلاب قرار گیرند اما به علت ضعف آگاهی ، عدم درک شرایط تاریخی میهن ما ، در عمل، روش‌هایی اتخاذ می‌کنند که موجب تشدید اختلافات در صفوف نیروهای مردمی و انقلابی می‌گردد .

۴ - تلاش در جهت تشدید احساسات ملی بین دانشجویان بلوچ و فرزندان دیگر خلقهای ایران که سالها ستم ملی رژیم دیکتاتوری پهلوی و برخوردهای تنگ‌نظرانه حاکمیت کنونی ریشه‌های اصلی این احساسات هستند .

در پایان، اعلامیه ضمن هشدار خطر ضدانقلاب بر اتحاد و همستگی نیروهای خلقی تأکید می‌ورزد: " بهوش باشیم صفوف ضدانقلاب هر روز مستحکم‌تر می‌شود تا بر بستر تضادهای فرعی و عدم توجه نیروهای ترقی‌خواه به تضاد اصلی یعنی امپریالیسم ، در هر فرصتی مترصد آنند که حاکمیت خود را بر مردم تحمیل نمایند ، اوضاع بلوچستان نگران‌کننده است ، مناطق مرزی و کلیه راه‌های مرزی توسط باندهای راهزنی که به وسیله خان‌ها سازمان داده شده‌اند کنترل می‌شود . راهزنان اموال مردم را غارت می‌کنند از طرف دیگر هرج و مرج را رواج داده باعث سرخوردگی مردم از انقلاب شده و زمینه را برای اقدامات ضدانقلابی آینده مهیا می‌سازند .

همه نیروهایی که اندیشه ایرانی آزاد و دمکراتیک را در سر می‌پروراندند باید مستولانه شرایط ویژه کنونی را دریابند . متحد شویم و خائنین را درهم کوبیم .

نزد سید نصرالدین می‌روند و از وی امان‌نامه می‌گیرند . سیدابراهیم ، بلافاصله فرماندهی گروهی از پاسداران محلی را به عهده می‌گیرد و در منزل خود (واقع در یکی از روستاهای " بانباران ") مقادیری مهمات ، آرمی‌جی ۷ ، کلاشینکف و مین ضد نفر جاسازی می‌نماید . وی سپس به کرمانشاه می‌رود و با ارائه اخبار جعلی گروهی از پاسداران را (به قصد رویارویی با مردم) به روستای محل اقامت خود می‌کشاند !

در فاصله پانزدهم تا بیستم تیرماه نیز " علی احمدی " نورچشمی شاپور بختیار و سردسته گروهی از مهاجمین با سید نصرالدین حیدری ملاقات می‌کند و از او اجازه می‌خواهد عده‌ای از اهالی گوران را که با پاسداران همکاری می‌کنند سرکوب نماید . سید نصرالدین در جواب می‌گوید : " نیازی به این کار نیست ، زیرا ما مطمئن هستیم که عراق در این جنگ پیروز می‌شود و ما دوباره در منطقه قدرت می‌گیریم و آن وقت شما می‌توانید آزادانه در منطقه فعالیت کنید "

با توجه به حرکت‌های مشکوک سید نصرالدین حیدری و ضدانقلابیون وابسته به باند پالیزبان - بختیار لازم است نهادهای انقلابی بر مراقبت‌های خود افزوده و با تعقیب رد پای ضدانقلابیون ، آنان را قبل از اینکه موفق به اجرای توطئه‌هایشان شوند ، دستگیر نمایند .

بقیه در صفحه ۱۱

که یکی از رفقا جهت تحویل سلاح به سپاه مراجعه می‌نماید ، با استقبال گرم روبرو می‌شود . چند تن از پاسداران انقلابی در حالی که بشدت خوشحال بودند می‌گفتند " ما فکر می‌کردیم شما در ظاهر طرفدار جمهوری اسلامی هستید و اکنون می‌فهمیم که شما صداقت دارید و سوء تفاهات باید برطرف شود . "

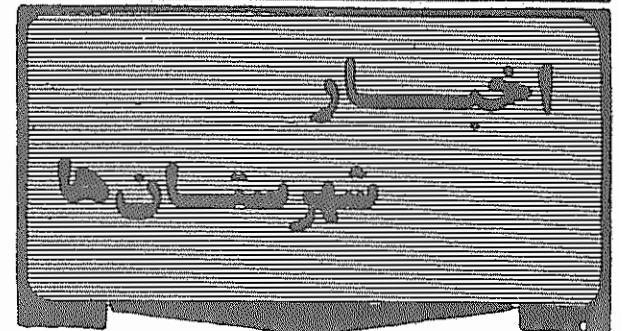
برای اجرای

خرابکاری و توطئه علیه جمهوری اسلامی

سید نصرالدین حیدری به عوامل

پالیزبان و بختیار " امان‌نامه " میدهد

کرمانشاه - طی دو ماه گذشته عده‌ای از عوامل پالیزبان و بختیار با مراجعه به " سید نصرالدین حیدری " امان‌نامه دریافت داشته‌اند . هدف عناصر از دریافت امان‌نامه ، نفوذ در ارگان‌های انقلابی و جاسوسی است . ظاهرآ سید نصرالدین با اطلاع از سوابق و نقشه‌های خائنانه این مزدوران با آنان همکاری می‌نماید . به عنوان نمونه در تاریخ دوازدهم مرداد ماه ۶۰ سه تن از وابستگان به پالیزبان از سید نصرالدین امان‌نامه گرفته‌اند . همچنین در اواسط تیرماه سیدابراهیم و سیدسلیمان میری که از مهاجمین وابسته به باند پالیزبان - بختیار می‌باشند ،



تحویل سلاح به سپاه پاسداران

بنا به دستور سازمان رفقای ما در بسیاری از شهرها ، سلاح‌ها و مهمات خود را تسلیم مقامات قانونی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمودند . در بیشتر شهرها رفتار مسئولان با رفقای ما دوستانه و تحسین‌انگیز بوده است ، متأسفانه در پاره‌ای از شهرها از جمله " بهشهر " با رفقای ما برخورد زننده و توهین‌آمیز شده‌است . در بهشهر از رفیقی که برای مذاکره پیرامون تحویل سلاح رفته بود ، " بازجویی " به عمل می‌آید ! رفقای ما علیرغم اینگونه حرکات نادرست ، مصمم‌اند با پاسداران و نهادهای انقلابی در زمینه تحویل سلاح و فعالیت‌هایی که به سود انقلاب است ، همکاری نمایند . بر اساس گزارش رسیده در یکی از شهرهای شمال هنگامی

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

زدانقلاب را افشاء كنيم (۱۸)

شبكه‌هاى

ضد انقلاب در كرمانشاه

استان كرمانشاهان :

پس از پيروزى انقلاب مناطق غرب کشور از نخستين هدف‌هاى امپرياليسم آمريكا جهت ايجاد پاىگاه‌هاى نفوذى و استقرار نيروهاى ضدانقلابى بوده است .

حضور عوامل بختيار و ژنرال‌هاى دست‌آموز آمريكا همچون اوييسى و پاليزبان در اين مناطق و ارتباط آنان با رژيم مزدور صدام ، بسيج و تسليح فتودال‌ها و سران خائن عشاير و ايجاد ستادهاى ضدانقلابى از جمله تاکتيک‌هاى امپرياليسم در غرب کشور بوده است .

با شروع جنگ تحمىلى ارتباط جريان‌هاى ضدانقلابى با رژيم مزدور صدام و عوامل برون مرزى وابسته به امپرياليسم مشخص‌تر گرديد هم‌اکنون شبكه‌هاى ضدانقلاب در پاره‌اى از مناطق كرمانشاه با حمايت مستقيم مزدوران عراقى تشكيل شده است .

مقاومت دليرانه مردم و پيروزى‌هاى چشمگير رزمندگان در جبهه‌هاى غرب کشور ، آسيب‌هاى جدى به حرکات‌هاى ضدانقلابى وارد آورده که اين حرکات انقلابى در ادامه خود مى‌تواند غرب کشور را به گورستان امپرياليسم آمريكا و ايجاد ميدل سازد .

در کنار حرکات انقلابى رزمندگان در جبهه‌هاى نبرد ، توجه مسئولان دولتى به خواست‌ها و نيازهاى زحمتکشان کرد از اهميت فراوانى برخوردار مى‌باشد ، بي‌توجهى به خواست‌هاى برحق مردم کردستان تاکنون ضربات زيادى به انقلاب وارد آورده و موجب شده است که ضدانقلابيون بيشتري بهره‌بردارى و سوء استفاده را بنمايند .

شبكه‌هاى ضد انقلاب در كرمانشاه

در كرمانشاه دو جريان ضدانقلابى عمل مى‌کند يکى از اين جريان‌ها مستقيماً رودر روى انقلاب و جمهورى اسلامى قرار دارد مانند : باند " سردار جاف " و ژنرال‌هاى فرارى که در مناطق " دالاهو " ، " قلعه " ، " آقاديسى " و ... مستقر شده‌اند و يا دار دسته " احسن نظرى " که در بخش ثلاث باباخانى و مناطق اطراف فعاليت مى‌کنند . جريان ضدانقلابى ديگر که حرکت نفوذى دارد عمده‌ترين فعاليت خود را نفوذ در ستاد بسيج عشايرى ، ارگان‌هاى اجرائى و خط دادن به باندهاى سپاه قرار داده است .

اين جريان که از سوي حزب مائوئىستى - آمريکايى " رنجبران " و هواداران بنى‌صدر تقويت مى‌شود ، اکنون زير ضرب است و اميد مى‌رود با هوشيارى نيروهاى انقلابى جمهورى اسلامى و در راس آنها سپاه پاسداران درهم کوبيده شود .



همچنين باندهاى سپاه " شيت " ، " قارعه " ، " پدر " ، " انجمن حجتيه " ، " محارب " ، " هستى انقلاب " و " حيدر رهنما " و ... که عموماً از حمايت برخى از مسئولان منطقه برخوردارند و علاوه بر ضربات جدى که تاکنون به انقلاب وارد آورده‌اند ، محل مناسبى براى نفوذ عوامل مائوئىست و وابسته به امپرياليسم بوده‌اند . (مشروح اقدامات باندهاى سپاه و افشاء عناصر مشکوک در اين باندها در شماره‌هاى پيشين کار ارائه شده است) .

نقاطى که با علامت ضربدر بر روى نقشه مشخص شده است ، محل فعاليت باندهاى ضدانقلابى را در مناطق مختلف كرمانشاه نشان مى‌دهد که شامل مناطق : قلخانى ، بيونيج ، گوران ، سنجاى ، کرد ، اسلام‌آباد غرب ، صحنه ، روستاهاى اطراف سنقر ، كرمانشاه ، اورامان ، ثلاث باباخانى نوسود و پاوه مى‌باشد

ضد انقلابيون باند قاسملو در تلاش توطئه‌اى ديگر

طبق اخبار رسيده ، باند قاسملو در نظر دارد که با همکارى ديگر ضدانقلابيون نخست در منطقه قطور مستقر شود و سپس نيروهاى خود را به ماکو ببرد . يکى از مسئولان باند قاسملو در منطقه ماکو به نام " حسن " نيز با ۲۵ نفر مزدور مسلح به منطقه ترگور رفته و قرار است نيروهاى تقويتى خود را به طرف قطور حرکت دهد و پس از آن در دره شپيران مستقر شود .

از طرف ديگر " سمکوعليار " سرهنگ مزدور ارتش شاه و يکى از مسئولان باند قاسملو به منطقه صوماي برادوست رفته و ۴۰۰ نفر مسلح را در اين منطقه جمع‌آورى کرده است . ۲۰۰ نفر از اين مزدوران تحت نظر " کریم خالدار " و " مامندى " تعليم مى‌بينند .

همچنين طاهرخان " سميتقو " يکى از روساى عشاير در منطقه صوماي برادوست که با باند قاسملو در تماس است ، قول همکارى نزديک با " آرا " جهت پياده کردن نقشه‌هاى ضدانقلابى عليه انقلاب و جمهورى اسلامى داده است .

در تاريخ پانزدهم مرداد ۶۰ سه فروند هلى‌کوپتر ترکيه نقاط مرزى ايران و ترکيه را در خاک ايران شناسايى کرده است . در همين رابطه گویا در ماه گذشته نزديک به ۲۰۰ نفر از ضدانقلابيون فرارى در ترکيه وارد خاک ايران شده‌اند .

" جهانگيرخان درى " يکى از ضدانقلابيون معروف منطقه که اخيراً به ترکيه براى تماس با مزدوران " آرا " رفته بود ، به منطقه بازگشته و درصدد پياده کردن توطئه‌هاى جديدى است وى تحت عنوان پيشمرگ مسلمان از مسئولان جمهورى اسلامى در منطقه حقوق دريافت مى‌کند

بقيه از صفحه ۱۰

اخبار...

اخبار کوتاه

* - حجت‌الاسلام نورمفیدی امام جمعه و حاکم شرع گرگان ، علیرغم فشار قشريون و عوامل نفاق افکن ، در خطبه‌هاى نماز جمعه ، مواضع اصولى و واقع‌بينانه خویش را بيان داشت وى در خطبه نماز جمعه در تاريخ سيام مرداد ۶۰ توطئه‌هاى امپرياليسم آمريكا را افشاء کرد و بر ضرورت تشكيل جبهه ضد امپرياليسمى - ضد صهيونيستى و اسلامى و اجرائى طرح‌هاى انقلابى از طرف دولت ، تاکيد نمود .

* - همسر فدائى شهيد " حيدريان " که چندی پيش در بهشهر اعدام شد ، نامه‌اى به مقامات مسئول و رئيس مجلس نوشته است و خواستار رسيدگى به اعدام غيرقانونى شوهر شهيدش شده‌است . همچنين خانواده رفيق شهيد يعقوب يزدانى ضمن رد کردن اتهامات منتسب به فرزندشان طى نامه‌اى به رياست ديوان عالى کشور ، رسيدگى هرچه سريع‌تر به حکم غير قانونى دادسراى انقلاب بهشهر را که منجر به اعدام فرزند انقلابى‌شان گرديد ، خواستار شده‌اند .

* - در تاريخ چهاردهم مرداد ۶۰ در محله عباسى (باغمشه) تبريز ، نوه يکى از فتودال‌ها که به تازگى زمين‌هايش مصادره شده ، هنگام بمب‌گذارى در مسجد دستگير شده است . ضمناً چند نفر ضدانقلاب سلطنت طلب در کارخانه قند بازداشت شده‌اند .

* - موج اعدام‌هاى سريع و انتقام‌جو يانه در فساء و اصطهبانات ، موجب اعتراض و خشم مردم شهرستان‌هاى جنوب شرقى استان فارس شده است گفته مى‌شود در ميان اعدام شدگان که تعداد آنان به بيش از ۳۰ نفر رسيده است ، تعدادى نوجوان دانش‌آموز وجود داشته‌اند . چند تن از اعدام شدگان نيز به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند .

چند خبر کوتاه از کردستان

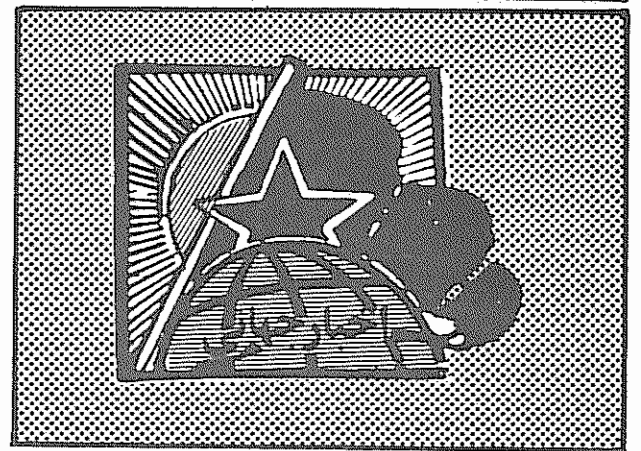
سنندج - در چند هفته گذشته موج بمب‌گذارى و ترور در سنندج بالا گرفته است . اکنون بيشتري بمب‌گذارى‌ها در مکان‌هاى عمومى و پر رفت و آمد انجام مى‌گيرد که موجب قتل مردم بي‌گناه مى‌شود . هدف ضدانقلابيون از موج جديد بمب‌گذارى‌ها ايجاد ناامنى و وحشت در منطقه است .

* - مهندس ارسطو ايرانى ، استاندار کردستان طى چند برنامه تلوزيوني به تشریح سياست دولت جديد در کردستان پرداخت . وى در اين برنامه‌ها ضمن ارائه طرح‌ها و اقدامات آتى دولت به افراد " مکتب قرآن " (هواداران مفتى‌زاده) حمله کرد و خواهان تصفيه اين عناصر از دستگاه‌هاى دولتى گرديد .

ديواندره - عوامل باند قاسملو در دهات ديواندره و بيجار به زور اسلحه از روستائيان باج مى‌گيرند . به عنوان نمونه با تهديد و زور از زحمتکشان روستاهاى " زرده‌گهر " و " قشلاق سفيد " ۲۰ هزار تومان گرفته‌اند .

بگوئيم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم ميهنمان را

عليه امپرياليسم آمريكا تحکيم بخشيم



ادامه تماسهای آمریکا و پاکستان

الکساندرهیگ وزیر امور خارجه آمریکا با آقاشاهی وزیر امور خارجه پاکستان دیدار و گفتگو کرد. این دیدار به منظور بررسی جوانب ارسال اسلحههای آمریکایی به پاکستان صورت پذیرفت. در ماه ژوئن گذشته اعلام گردید که آمریکا در عرض ۵ سال آینده، ۳ میلیارد دلار کمک که قسمت اعظم آن را کمک نظامی تشکیل می دهد در اختیار پاکستان قرار خواهد داد. آمریکا متعهد گردیده است که جنگندههای اف - ۱۶ و تانکهای جدید در اختیار دولت نظامی پاکستان قرار دهد در همین رابطه قرار است معاون وزیر امور خارجه آمریکا در روزهای آینده از پاکستان بازدید به عمل آورد.

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاریها در تظاهراتی که در کارخانه فولادسازی پاکستان صورت پذیرفت، پلیس بر روی کارگران که در اعتراض به عدم پرداخت پاداش، اقدام به تظاهرات نموده بودند، آتش گشود و عدهای رخمی و دستگیر شدند.

پیام رهبر شوروی

به مناسبت بیستمین سال تأسیس جنبش غیرمتعهدها

به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس جنبش غیرمتعهدها از جانب رهبران برخی از کشورهای جهان پیامهایی برای فیدل کاسترو رهبر کوبا و رئیس جنبش غیرمتعهدها ارسال گردید. لئونید برژنف به این مناسبت در پیامی به فیدل کاسترو متذکر گردید:

" شوروی طی ۲۰ سال فعالیت این جنبش با وفاداری به وصایای لنین در مورد تقویت همبستگی با نیروهای آزادیبخش ملی همواره این جنبش را به عنوان مظهر علاقه مندی طبیعی کشورهای آزاد شده به مقابله مشترک با امپریالیسم، استعمار، نژادپرستی و برتریجویی و استحکام استقلال و دفاع از آزادی می داند که به قیمت بسیار گران برای ملتها تمام شده است... اعمال مختلف آمریکا از جمله اعلان مناطق گوناگون جهان به عنوان حریم منافع خود و چسبانیدن برچسب تروریسم بین المللی بر بیکر جنبشهای ملی رهاییبخش و تشکیل نیروهای واکنش سریع و ایجاد پایگاههای جدید برای این نیروهای سرکوب و تولید سلاح نوترونی

و فراهم ساختن زمینه برای استقرار آن در مناطق مختلف جهان که برای نابودی انسانها در شرایط حفظ ارزشهای مادی در نظر گرفته شده نمایشگر وجود خطر نظامی واقعی است. جنبش عدم متعهد که حدود دو سوم کشورهای جهان را متحد ساخته قدرت زیادی در مبارزه علیه خطر نظامی دارد."

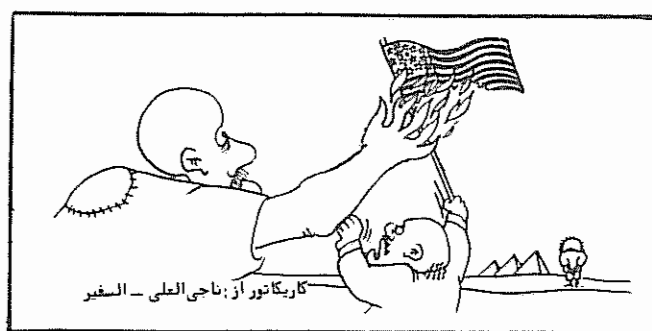
اوج گیری مبارزات مردم مصر

به دنبال تظاهرات متعددی که در مصر صورت پذیرفت عمال رژیم آمریکایی سادات اقدام به دستگیری بیش از هزار تن از مخالفان از جمله عدهای از روحانیون، روزنامه نگاران و وکلای معروف کشور نمودند. در همین رابطه ۶ روزنامه مصر نیز تعطیل اعلام گردید.

بر اساس گزارش خبرگزاریها، تظاهرات اخیر و به دنبال آن سرکوب و بازداشت مخالفین، بزرگترین تقابل حاکمیت با نیروهای مخالف در عرض ده سال اخیر می باشد. در ظرف یک سال اخیر مبارزات مردم تحت ستم مصر علیه رژیم آمریکایی سادات که از هیچ اقدامی در جهت حفظ منافع امپریالیسم فروگذار نیست، اوج گستردهای یافته است. نارضایتی فزاینده توده های تحت ستم مصر از سیاستهای خائنه سادات که دست دوستی و مودت با صهیونیستها را به گرمی فشرده است، به علاوه لگدمال کردن شئون ملی و مذهبی مردم مصر از جمله مسلمانان این کشور همراه با نابسامانیهای اقتصادی که زحمتکشان مصری را بیش از هر زمان دیگری تحت فشار قرار داده است، از عوامل اصلی و مهم حرکت اخیر مردم مصر می باشد.

اخبار کوتاه

- - لهدوان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام برای انجام یک دیدار دوستانه به شوروی سفر کرد.
- - گوستاو هوزاک رئیس جمهور چکسلواکی در روزهای آینده از لیبی، اتیوپی و یمن جنوبی بازدید خواهد کرد.
- - ژاپن معادل ۱/۳ میلیارد دلار کمک در اختیار چین قرار می دهد.
- - معاون وزیر بازرگانی نیکاراگوئه و یازده تن دیگر به جرم توطئه به منظور سرنگونی دولت نیکاراگوئه دستگیر شدند.
- - دولت افغانستان پیشنهاد کرد سه کشور پاکستان، ایران و افغانستان با حضور نماینده سازمان ملل متحد مذاکراتی درباره حل اختلافات موجود انجام دهند.
- - وزیر امور خارجه افغانستان با هایلهماریام رهبر اتیوپی دیدار و گفتگو کرد.



وقتی که دست نشاندگان

مائوئیسم

پرده دری می کنند

نورودم سیهانوک اخیراً در مصاحبه های گفته است: "غیروابسته بودن در دنیای واقعیت معنی ندارد و هرکس مجبور است به شوروی، چین، آمریکا و یا کشورهای دیگر وابسته باشد." وی ضمن عذرخواهی از آمریکا به خاطر اشتباهات گذشته اش گفت: "من دوست دارم با آمریکائیها باشم".

سیهانوک یکی از مخالفین رژیم انقلابی حاکم بر کامبوج است در هفته گذشته خمرهای سرخ و جبهه آزادیبخش ملی خلق (به سرکردگی پول پوت جنایتکار و وابسته به چین و آمریکا) موافقت نامه سه جانبه ای را برای "آزادسازی" کامبوج امضاء نمودند.

سیهانوک در این مصاحبه ادامه می دهد: "آمریکا با سرکار آوردن، لون نول در سالهای ۷۵-۱۹۷۰ (کودتای علیه پادشاهی شخص او) اشتباه بزرگی مرتکب شد. (یعنی خود وی آماجگویی ایفای چنین نقشی را داشته است). سیهانوک در این مصاحبه ریگان را "شخصی که شایستگی رهبری انسانها را به سوی آزادی (!!) دارد" توصیف کرده و می گوید در جوانی فیلمهای کابوئی او را تماشا و تحسین می کرده است.

وی همچنین می گوید: "مطمئن است امپریالیسم آمریکا (!!) به طور مخفی و محرمانه به منظور تشکیل ارتش ملی کامبوج به وی کمک خواهد کرد تا با ضربه زدن به ویتنامی های مستقر در جمهوری خمر، شوروی را به پای میز محاکمه بکشاند (!!) (تمام نقل قولها از روزنامه کیهان ۱۶ شهریور ماه است).

منجلاپی که سیهانوک پادشاه سابق کامبوج که برای مدتی در سالهای قبل از ۱۹۷۰ موضعی ضد استعماری داشت در آن فرورفته احتیاج به توضیح بیشتری ندارد. اما این نقل قولها، همچنین نمایانگر لجنزاری است که جبهه ضد انقلاب پول پوت - خیوسام فان - ینگ ساری سیهانوک - چین - آمریکا، نام دارد و حمایت از آن چیزی جز افتادن در اعماق این گرداب نیست. تحت رسوائی مائوئیسم سالهاست که از بام فروافتاده و بوی گنداب آن مشامها را می آزارد. برای امتناع از این گنداب از جمله باید به حمایت قاطع از خلق کامپوچیا و دولت دموکراتیک خلق کامپوچیا برخاست.

گسته بساد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



۱۱ شهریور

سالروز اعتصاب خونین کارگران ریسندگی سمنان گرامی باد

در ۱۱ شهریور سال ۱۳۳۱ کارگران ریسندگی سمنان به دنبال تعطیل کارخانه توسط کارفرما برای بازگشایی کارخانه دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی علیرغم توطئه تعطیل کارخانه و با وجود سربازان و مزدوران محافظ، مصمانه وارد کارخانه شدند و در آنجا دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب که ۴۰ ساعت به طول انجامید، با پشتیبانی و حمایت موثر زحمتکشان سمنان مواجه شد و تظاهرات پرشکوهی با شرکت پیشه‌وران، زنان زحمتکش و حتی کودکان در حمایت از کارگران مبارز ریسندگی در خیابان‌های شهر به راه افتاد. گسترش پشتیبانی مردم از کارگران ریسندگی و هیجان عمومی در شهر، فرماندار و مقامات دولتی را به وحشت انداخت آنها مجبور شدند تعهدی مبنی بر بازگشایی

کارخانه و پرداخت دستمزد کارگران در مدت تعطیل به نمایندگان کارگران بپردازند. اما کارفرما از گشودن کارخانه امتناع کرده و به وسیله عمال و محافظین نظامی مزدور با کارگران اعتصابی به مقابله پرداخت طی درگیری شدیدی که در ۱۱ شهریور میان نظامیان و عمال مزدور کارفرما با کارگران پیش آمد کارگران مبارز، رضازگر، محمدتقی سعداللهی، حسین علی زحمتکش، علی

آقاسعدالدین و محمد مطبوعی به شهادت رسیده و چندین نفر نیز مجروح شدند. مبارزه کارگران ریسندگی سمنان در سراسر ایران انعکاس یافت و در ۱۴ شهریور، نمایندگان ۴۳ سندیکا جلسهای در تهران تشکیل داده و جهت کمک به کارگران اعتصابی، کمیته‌ای بوجود آوردند. کارگران مبارز ریسندگی سمنان، در تداوم پیگیرانه مبارزاتشان سرانجام موفق به بازگشایی کارخانه شدند. این

اعتصاب قبل از هر چیز، بیانگر همبستگی و پیوند رورافزون میان جنبش کارگری و مبارزه زحمتکشان دیگر در راستای گسترش مبارزه ضد-امپریالیستی مردم میهنمان بود. و در عین حال بیانگر مبارزه یکپارچه کارگران برای بی‌اثر کردن توطئه تعطیل کارخانه و تضمین راه‌اندازی تداوم تولید بود هرچند که محرکه اصلی آن، پاسخگویی به حوایج مبرم و روزمره صنفی‌شان بوده باشد. امروز نیز سرمایه‌داران

و کارفرمایانی که از انقلاب زحمتکشان، زخم‌ها خوردند، بارها و بارها درصدد به تعطیل کشاندن مراکز تولیدی و یا اختلال در تداوم تولید و راه‌اندازی واحدها برآمده و برمی‌آیند. ولی هر بار با مقاومت یکپارچه و قاطعانه تشکل‌های کارگری مواجه شده و بیش از پیش افشاء و طرد می‌شوند. امروز طبقه کارگر میهن ما با آموزش از درس‌های خونبار کارگران شهید ریسندگی، ضرورت تحکیم پیوند با دیگر زحمتکشان و مبارزه برای تداوم تولید و بی‌اثر کردن تشنات ضدانقلابی سرمایه‌داران را با تمام وجود آموخته و به کار می‌گیرد و این خود بزرگترین گرامی‌داشت برای مبارزات قهرمانانه شهدای ۱۱ شهریور سمنان می‌تواند باشد. پیروز باد آرمان کارگران شهید ۱۱ شهریور

سپاه پاسداران گران

از اتحاد کارگران در مقابل کارفرما دفاع کرد

تهیه مواد اولیه برای کارخانجات از مشکلات روزمره و اساسی کارخانه‌هاست که حل آن اغلب بر دوش شوراهای کارخانجات قرار دارد. در تمامی مدتی که کارفرمایان و مدیران لیبرال درصدد تعطیل کارخانه‌ها به بهانه‌های مختلف (من جمله نبودن مواد اولیه) برآمده‌اند شوراهای کارگران نقش اساسی را در حل این مشکلات و خنثی کردن این توطئه‌ها داشته‌اند. هفته گذشته شورای اسلامی کارگران قرقره زیبا به کمک سپاه پاسداران گران توانست یکی از این توطئه‌ها را خنثی نماید. کارخانه قرقره زیبا ماده اولیه‌اش (پنبه) را از کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی گران تهیه می‌نماید. این

پنبه را کارخانه‌داران با قیمت نازل از کشاورزان پنبه‌کار می‌خرند و پس از تصفیه و بسته‌بندی به چند برابر قیمت می‌فروشند. هفته گذشته چند تن از نمایندگان کارگران قرقره زیبا برای تهیه مواد اولیه کارخانه پنبه‌پاک‌کنی گران می‌روند، آنها می‌بایست طبق حواله‌ای که در دست داشتند، قیمت دولتی پنبه را به کارخانه‌دار بپردازند اما صاحب کارخانه پنبه‌پاک‌کنی حاضر نمی‌شود پنبه را به قیمت مزبور

بفروشد، و به وسیله اطرافیان و عمال خود به تهدید و ارباب مراجعین می‌پردازد. نمایندگان کارگران قرقره زیبا به سپاه پاسداران گران مراجعه کرده و همراه آنان به کارخانه پنبه‌پاک‌کنی برمی‌گردند و بدون اجازه صاحب کارخانه پنبه‌ها را بار کامیون می‌کنند صاحب کارخانه، کارگران پنبه‌پاک‌کنی را تحریک می‌کند که نگذارند پنبه‌ها خارج شود و به آنها می‌گوید در صورت فروش پنبه به نرخ

کارگران مواجه می‌شود صاحب کارخانه که چنین می‌بیند ناگزیر می‌شود پنبه‌ها را به نرخ دولتی به شورای قرقره زیبا بفروشد. به این ترتیب توطئه کارفرمای پنبه‌پاک‌کنی که قصد داشت با قرار دادن کارگران در مقابل یکدیگر در تحویل مواد اولیه اختلال ایجاد کند، خنثی می‌شود. لازم به تذکر است که سپاه پاسداران گران در برخورد با این مشکل (اختلاف بین کارگران و کارفرما) با دفاع از اتحاد کارگران در مقابل کارفرما، درک مسئولانه‌اش را از مشکلات و مسائل کارگری موجود و اهمیت و ضرورت پاسخگویی اصولی به آن، نشان داد.



رفیق محمود طبخی

در سنگرمقدم جنگ تحمیلی به شهادت رسید

من با شناخت کامل از دسائس و توطئه‌های امپریالیسم و مزدورانش و با عشق به آرمان کمونیسم که همان آرمان کارگران و زحمتکشان است، در جبهه‌های جنگ دوش به دوش پاسداران و پرسنل انقلابی و سایر نیروهای مردمی تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون برای برقراری صلح و سوسیالیسم، استقلال و دموکراسی خواهم جنگید و این امر تا به امروز خون سرخ فدائیان شهید در جبهه‌های جنگ به اثبات رسانده است

(بخشی از نامه رفیق محمود به خانواده‌اش)

در روز هفتم مرداد ۶۰ جان شیفته‌ای در یکی از سنگرهای مقدم دفاع از استقلال و آزادی میهن در راه سرفرازی خلق با نثار شدن آرام گرفت. و به عهد پرشکوهی که با مردم خود بسته بود، با بخشیدن آخرین قطره خونش وفا نمود. فدایی خلق رفیق شهید محمود طبخی ۲۰ سال قبل در میان خانواده ستمکشی در یکی از روستاهای آذربایجان دیده به جهان گشود. دوره دبستان و دبیرستان را در شهرستان لنگرود به پایان رساند و در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ دیپلم گردید.

بعد از پیروزی انقلاب به سازمان ما پیوست و همواره توان خود را مصروف آگاه‌سازی توده‌ها و افشای دشمنان رنگارنگ آنها نمود. یکبار هنگام توزیع نشریه "کار" دستگیر شد و به ۶ ماه حبس محکوم گردید اما در زندان نیز از تلاش بازنایستاد و در برابر چپ‌های ماجراجو و مسئولین زندان بر مواضع اصولی فدائیان خلق اکثریت تاکید می‌ورزید. روزهای آخر محکومیت او مصادف بود با شروع جنگ تحمیلی رژیم ضد مردمی صدام بر علیه انقلاب ایران

و او به محض اطلاع از مواضع سازمان به مسئولین زندان مراجعه نمود و خواستار اعزام به جبهه گردید که متأسفانه موفق نگردید. پس از اتمام محکومیتش و بازیافتن آزادی به ارگان‌های مسئول مراجعه نمود و تنها چند روز پس از آزاد شدن به جبهه رفت و ماه‌ها هم دوش پاسداران و ارتشیان میهن پرست و سایر نیروهای مردمی دلاورانه به مقابله متجاوزین پرداخت و سرانجام روز هفتم مرداد امسال به خیل دهها هزار شهید استقلال و آزادی میهن پیوست.

پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان

کرده و آنجا را به عرصه‌ای برای زورآزمایی و پیشبرد اهداف گروهی تبدیل می‌نمود. ثالثاً - اشتباهات و انحرافات برخی گروه‌های

سیاسی :

اشتباهات و انحرافات گروه‌های سیاسی در مدارس نیز انعکاس ویژه خود را داشت. نحوه برخورد برخی از جریان‌ها با شورا آنچنان بود که می‌کوشیدند از شوراهای مدارس سنگری بر علیه حاکمیت بسازند. هرچه بیشتر شورای دانش‌آموزی را در مقابل مدیریت مدرسه قرار دهند و به جای آن که شورا را به کانون اتحاد و تشکل گروه‌های مختلف دانش‌آموزی حول مسائل ویژه خود تبدیل کنند، شورا را محطی برای یکه‌تازی و انحصارطلبی و پیشبرد مقاصد گروهی خود می‌دیدند. این امر نیز به نوبه خود لطمات موثری به شکل‌گیری تشکل‌های درون مدارس وارد ساخت.

موضع دانش‌آموزان پیشگام در رابطه با شوراهای مدارس با اتکا به تجربه یک‌ساله فعالیت بعد از انقلاب در اواسط سال تحصیلی ۵۹ - ۵۸ شکل اصولی به خود گرفت که در آغاز سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ نیز در نبرد دانش‌آموز توضیح داده شد. ما شرکت فعالانه در شوراهای مدارس به مثابه مرکز مدیریت جمعی به کمک مدیر، نمایندگان دانش‌آموزان، معلمین، کارمندان و خدمتگزاران را وظیفه خود دانستیم. در آن مقطع ما شورای مدرسه را بازساختیم، لیکن تاکید لازم را در مورد ضرورت تشکل خاص دانش‌آموزی که مبارزه عمومی محصلین برای تحقق خواست‌های صنفی‌شان را به پیش برد، یعنی تشکل سراسری دانش‌آموزان نداشتیم. ما بیشتر نقش شورای دانش‌آموزی را در وجه شرکت در شورای مدارس برای اداره امور مدرسه در نظر داشتیم و کمتر در وجه برپایی تشکل سراسری دانش‌آموزان برای تحقق خواست‌ها و دفاع از منافع صنف دانش‌آموز.

رابعا - بی‌تجربگی توده دانش‌آموزان در

یک مبارزه پیگیر و سازمان یافته :

نگاهی به تاریخچه مبارزات دانش‌آموزان تا انقلاب بهمن ۵۷ نشان می‌دهد که به جز یک دوره کوتاه بین سالهای ۳۲ - ۳۰ که "سازمان دانش‌آموزان ایران" فعالیت داشت، هیچگاه دانش‌آموزان ایران در یک تشکیلات منسجم سازماندهی نشده‌اند و علیرغم آنکه دانش‌آموزان در تمامی برآمدهای مبارزاتی، فعالانه شرکت داشته‌اند، فاقد تجربه تشکیلاتی هستند. فقدان همین تجربه باعث آن شد که پس از انقلاب، دانش‌آموزان نتوانند مبارزات‌شان را به شیوه‌ای اصولی و سازمان یافته، پیش برند.

اتحادیه سراسری دانش آموزان چیست؟

اتحادیه یک سازمان اجتماعی است که دربرگیرنده اکثریت افراد یک طبقه، قشر، گروه اجتماعی یا صنف است که در راه منافع مشترک‌شان مبارزه می‌کنند اتحادیه سراسری دانش‌آموزان شامل کلیه افرادی است که صنف دانش‌آموز را تشکیل داده و به مثابه یک صنف دارای منافع واحدی هستند. اتحادیه یک

بقیه در صفحه ۱۵

لیبرال‌ها به دلیل مخالفتشان با گسترش و تعمیق انقلاب، اساساً با طرح چنین مسائلی مخالف بوده و تمامی کوششان برای جلوگیری از فعالیت شوراهای و دیگر ارگان‌های توده‌ای بود. به تدریج با حذف لیبرال‌ها از ارگان‌های حکومتی، زمینه مساعدتری برای تشکیل و فعالیت ارگان‌های توده‌ای فراهم شد ولی مسئولین جمهوری اسلامی عملکرد صحیحی در این مورد نداشته و تاکنون نیز اقدامی اساسی برای تصحیح اشتباهات نکرده‌اند. آنها برداشت نادرستی از تشکل‌های دانش‌آموزی داشته و اهمیت آن را در مبارزه با ضدانقلاب و دفاع از دستاوردهای انقلاب درک نکرده‌اند. فعالیت مسئولین تاکنون در جهت ایجاد تشکل‌های ایدئولوژیک - سیاسی یعنی انجمن‌های اسلامی در مدارس بوده است. نگاهی به فعالیت دو ساله انجمن‌های اسلامی نشان می‌دهد که این انجمن‌ها فقط می‌توانند بخشی از دانش‌آموزان (که درست مثل آنها می‌اندیشند) را متشکل کنند. در حالی که ایجاد یک سازمان توده‌ای دانش‌آموزان که برای منافع صنفی - سیاسی اکثریت محصلین (که دارای هر نوع تفکر، اندیشه و مذهبی که هستند) مبارزه کند ضرورت کنونی جنبش دانش‌آموزان ایران است. مخلوط کردن وظایف این تشکل‌های صنفی - توده‌ای با انجمن‌های اسلامی یک اشتباه جدی است. هر یک از این دو، وظیفه‌ای خاص خویش دارند و نباید سعی در انطباق یکی بر دیگری نمود. چرا که اساساً اینها از یک جنس نیستند از سوی دیگر تشکیل ارگان‌های توده‌ای دانش‌آموزان هیچ منافاتی با تشکیل انجمن‌های اسلامی ندارد و حضور یکی نباید موجب نفی دیگری گردد.

همین اغتشاش در مرزها و حدود وظایف تشکل‌های مختلف باعث آن گردیده است که برداشت نادرستی در ذهن برخی مسئولین شکل بگیرد با این مضمون که فقط باید انجمن‌های اسلامی را در مدارس به رسمیت شناخت و از ایجاد هر نوع تشکل دیگری در مدارس باید جلوگیری کرد. تفکر ناصحیح فوق تاکنون لطمات جدی بر تشکل شوراهای و هر نوع دیگر تشکل توده‌ای در مدارس زده است.

ثانیاً - فعالیت بی‌وقفه ضدانقلاب و به آشوب کشیده شدن مدارس :

در دو سال اخیر ضدانقلاب برای به شکست کشاندن انقلاب کوشش‌های فراوانی بکار گرفت. ایجاد تشنج و درگیری به‌ویژه در مدارس که محیطی حساس و پر جنب و جوش است یکی از حربیه‌های موثر ضدانقلاب بود. ضدانقلاب برای دشمن اصلی از ضرباتی که نیروی عظیم خلق و در کنار آن انبوه عظیم دانش‌آموزان بر آن وارد می‌آورند، جزئی‌ترین اختلافات، تفاوت عقاید و نظرات را برجسته کرده، کوشید انرژی بیگران دانش‌آموزان را از مسیر اصلی خود خارج و در جریان برخوردهای درونی و گروهی به هرز برد متاسفانه اشتباهات و انحرافات گروه‌های دانش‌آموزی در این مسیر، در خدمت ضدانقلاب قرار گرفت. ما در این مدت شاهد صحنه‌های مختلف درگیری محصلینی بودیم که نیروی همگی آنها بایستی در مقابله با دشمن اصلی مردم ما قرار می‌گرفت. واضح است که این درگیری‌ها به درون تشکل‌های موجود در مدارس نیز سرایت

تا چند روز دیگر میلیون‌ها دانش‌آموز در سراسر کشور، سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند. سال تحصیلی ۶۰ - ۶۱ در شرایطی آغاز می‌شود که انقلاب ما حساس‌ترین مراحل حیات خود را پشت سر می‌گذارد. امپریالیسم و ارتجاعی‌ترین نیروها پس از شکست ماههای اخیرشان، مذبحخانه به تلاش‌های خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن انقلاب افزوده‌اند و این امر ضرورت دفاع از دستاوردهای انقلاب و تلاش در جهت تعمیق هرچه بیشتر آن را در سایه اتحاد و تشکل همه نیروهای مردمی بیش از پیش در دستور قرار داده است. مدارس نیز یکی از عرصه‌های مهم این مبارزه است. دانش‌آموزان کشور می‌بایست نقش خود را در دفاع از دستاوردهای انقلاب، تعمیق و گسترش آن و مقابله با ضدانقلاب ایفاء نمایند و این امر نیز مستلزم تشکل توده‌های وسیع دانش‌آموزان است. ضرورتی که از ابتدا برای انقلاب ما مطرح بوده است و تاکنون یعنی با گذشت بیش از ۲ سال از انقلاب هنوز ارگان‌های پایدار و فراگیری که بتوانند توده دانش‌آموزان را بسیج نموده و از نیروی آنها در خدمت انقلاب به مناسب‌ترین شیوه استفاده کند، تشکیل نگردیده است.

با تاکید بر اهمیت موضوع در مقاله زیر به بحث پیرامون تشکل‌های دانش‌آموزی به‌طور مشخص اتحادیه سراسری دانش‌آموزان پرداخته‌ایم

نظری به گذشته

به دنبال سرنگونی رژیم ضدخلقی شاه و برچیده شدن بساط سلطنت در ایران، دانش‌آموزان که نقش فعالی در این مبارزات داشتند، کوشیدند منطبق بر شرایط نوین، مبارزه را ادامه دهند. اما متاسفانه وضعیت مدارس پس از انقلاب آنچنان نبود که این انرژی جوشان بتواند آنطور که باید در خدمت انقلاب به‌کار گرفته شود. سردرگمی‌ها و بی‌برنامگی‌های حاکمیت و مجموعه جریان‌های سیاسی، بخش‌های مختلف محصلین را، هرکدام به سویی کشاند عمده‌ترین تشکل موجود پس از انقلاب در مدارس شوراهای بود. این شوراهای که همراه با انقلاب از درون توده دانش‌آموز جوشیدند، بر پایه همان کمیته‌های اعتصاب قبل از قیام شکل گرفته بود. گرچه این شوراهای در آغاز مورد حمایت وسیع دانش‌آموزان بود، لیکن به دلایلی که بعد در زیر خواهد آمد، قادر به ادامه کارشان نشدند و نتوانستند به نهادهای پایدار تبدیل شوند. سال گذشته نیز، علیرغم آنکه دیدگاه‌های روشن‌تری نسبت به چگونگی تشکیل و مضمون فعالیت شوراهای به دست آمده بود، تنها در برخی مدارس شوراهای به شکل اصولی تشکیل گردید. همین تعداد کم نیز اکثراً فعالیت‌شان با مشکلاتی مواجه بود.

دلایل نابسامانی و عدم موفقیت شوراهای دانش‌آموزی و مدارس و عدم تشکیل اتحادیه سراسری و دیگر ارگان‌های دانش‌آموزی در این مدت، بطور اختصار چنین بوده است :

اولاً - بی‌برنامگی، ندانم کاری و حتی ممانعت و سنگ‌اندازی مسئولین آموزش و پرورش

بقیه از صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل اتحادیه . . .

خواست‌های دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. این سازمان باید بتواند (و تنها این سازمان می‌تواند) اکثریت قاطع دانش‌آموزان را بسا گرایش‌های سیاسی متفاوت ، متشکل نموده و حتی دانش‌آموزانی را که به علت پائین بودن سطح آگاهی، تمایلی به شرکت فعال در مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی ندارند ، حول خواست‌های صنفی متشکل نموده و نیروی آنها را در جهت تقویت انقلاب بکار گیرد . روشن است که مبارزه مشترک دانش‌آموزان جهت تحقق خواست‌های مبرم صنفی‌شان با مبارزات سیاسی عام جامعه دارای پیوند منطقی است . در شرایطی که شعار سیاسی مشخص برای مردم (و به تبع آن برای دانش‌آموزان) جنبه عام یافته است اتحادیه دانش‌آموزی باید خود را بر این شرایط منطبق نماید . اگر در چنین اوضاعی اتحادیه از شرکت در مبارزه مردم خودداری کرده و تنها به طرح شعارهای صنفی بسنده کند ، حتما دچار یک انحراف جدی شده و حمایت توده‌هایش را از دست می‌دهد و شایستگی رهبری مبارزات دانش‌آموزان را ندارد .

مثلا در شرایط امروزین کشور ما ، دفع تجاوز رژیم صدام خواست عمومی توده‌های مردم ماست ، اتحادیه سراسری نیز باید به نوبه خود راه‌ها و روش‌های مناسب را برای به حرکت درآوردن توده‌های دانش‌آموز در جهت این خواست عمومی و رهبری این بخش از توده‌های میلیونی را در این مبارزه عهده‌دار گردد .

۲- دمکراتیک بودن :

اتحادیه دانش‌آموزان هنگامی موفق و پایدار خواهد بود که بتواند توده محصلین را با ذهنیت‌های گوناگون و شناخت‌های متفاوت در خود جای دهد و تمامی آنان را در جهت دخالت در تعیین سرنوشت اجتماعی‌شان فعال گرداند . از مهمترین وظایف تشکیلاتی اتحادیه دانش‌آموزان برقراری روابط صحیح و سازنده بین رهبری و تمامی اعضای اتحادیه و رعایت حقوق تک‌تک آنهاست . یک گروه سیاسی هرگاه بخواهد عقیده و ایدئولوژی خود را بر کل اتحادیه تحمیل نماید بی‌شک همبستگی دانش‌آموزان را از هم پاشیده و به وحدت تشکیلاتی آن ضربات جبران‌ناپذیر وارد خواهد ساخت . توجه ویژه به حساسیت و شور خاص دانش‌آموزان نسبت به مسائل سیاسی و گروهی ، اهمیت این امر را در رابطه با اتحادیه دانش‌آموزی بیشتر نمایان می‌کند . در اتحادیه باید با هر نوع گروه‌گرایی مبارزه کرد از سوی دیگر باید توجه داشت که اعضای گروه‌های سیاسی ، در چهارچوب ضوابط اتحادیه می‌توانند فعالیت کنند و هیچ ممنوعیت برای بحث‌های اقناعی و آگاه‌گرانه حول منافع واحد صنفی وجود ندارد .

۳- توده‌ای بودن :

هنگامی می‌توان از یک اتحادیه سراسری واقعی سخن گفت که وسیع‌ترین توده‌های دانش‌آموزی را در خود متشکل نموده و رهبری نماید . قدرت اتحادیه سراسری در توده‌ای بودن آن و فراگیری نیروهای وسیع دانش‌آموزان است و بدیهی است که این امر از یک سو درگرو شکل به دور از

تشکیلات صنفی است که دانش‌آموزان را به دور از تفاوت‌های نژادی ، جنسی ، قومی ، ملی و سیاسی در خود جای داده و صرفاً حول منافع واحد صنفی متشکل می‌سازد. این اتحادیه بر مبنای اساسی‌ترین خواست‌های دانش‌آموزان شکل می‌گیرد . برای مثال در شرایط کنونی ایران و در انطباق با اساسی‌ترین خواست‌های دانش‌آموزان اتحادیه باید در جهت دگرگونی سیستم تعلیم و تربیت و برقراری یک نظام آموزشی نوین و فراگیر که بتواند همه فرزندان زحمتکشان را زیر پوشش خود بگیرد ، مبارزه کند. اتحادیه باید در جهت بالابردن امکانات آموزشی ، تربیتی و رفاهی درون مدارس و استفاده مناسب‌تر از این امکانات بکوشد .

اتحادیه‌های دانش‌آموزی در هر نظام و شرایط اجتماعی از کشورهای تحت سلطه تا ممالک سوسیالیستی ، ضرورت وجودی خود را حفظ می‌کنند . در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم ، از آنجا که هر نوع مبارزه صنفی می‌تواند مضمون مبارزه بر علیه طبقات ستمگر را بیاید ، عرصه‌های مبارزه صنف دانش‌آموز نیز ، در مقابله با افسار و طبقات حاکم است . در این کشورها اتحادیه‌ها، مبارزه مشترک دانش‌آموزان را برای خواست‌های آنان و در نهایت بر علیه امپریالیسم هدایت می‌نماید اتحادیه دانش‌آموزی در جوامع سوسیالیستی همانند سایر اتحادیه‌ها در این جوامع ، مشارکت موثر در اداره امور جامعه داشته و از طریق نمایندگان که در کنگره خلق دارند ، خواست‌های صنفی موردنظر خود را مطرح می‌سازند و برای تحقق آنها به دولت یاری می‌رسانند . اتحادیه‌ها در چنین جوامعی با نارسایی‌های احتمالی من جمله ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی مقابله می‌کنند و توسط نمایندگانشان به موقع از بروز چنین نارسایی‌هایی جلوگیری می‌نمایند .

در نظام‌های غیر سوسیالیستی اما خلقی و ضدامپریالیستی نیز اتحادیه دانش‌آموزی وظیفه دارند که ضمن مطرح کردن حقوق صنفی و مبارزه بر سر کسب آنها از دولت مردمی و ضد - امپریالیستی کشورشان دفاع کرده و به آن در مبارزه علیه عقب‌ماندگی‌ها و برای رفاه و استقلال و سازندگی جامعه یاری رسانند .

برای مثال در کشور مرفعی و ضدامپریالیستی لیبی ، اتحادیه دانش‌آموزان و دانشجویان نیروی وسیع این ۲ صنف را برای نوسازی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور و دفاع از دستاوردهای انقلاب در مقابل توطئه‌های امپریالیستی بسیج می‌کنند . دول سوسیالیستی و همچنین دول خلقی - ضدامپریالیست خود، مشوق تشکیل اتحادیه‌های دانش‌آموزی و تقویت کننده آنها هستند .

خصوصیات اساسی و بارز اتحادیه سراسری دانش‌آموزان چیست ؟ در بررسی این تشکیلات باید به خصلت‌های زیر توجه نمود :

۱ - صنفی بودن : همانگونه که گفته شد اتحادیه سراسری دانش‌آموزان یک تشکیلات صنفی است که بر مبنای اساسی‌ترین و عمومی‌ترین

ویژگی‌ها و تفاوت‌های نژادی ، جنسی، قومی ، ملی ، مذهبی و سیاسی و صرفاً حول عمومی‌ترین منافع واحد صنفی است و از سوی دیگر منوط به برقراری روابط سالم جمعی و مشارکت و بکارگیری هرچه بیشتر اعضاء . در فوق به این دو خصوصیت اتحادیه دانش‌آموزی ، یعنی صنفی بودن و دمکراتیک بودن اشاره شد. تنها اتحادیه سراسری دانش‌آموزان است که با اتکاء به این ویژگی‌های خود قادر است وسیع‌ترین توده‌های دانش‌آموز را جذب و بسیج نموده و نیروی عظیم دانش‌آموزان را در خدمت انقلاب قرار دهد .

امروز تشکیل اتحادیه سراسری دانش‌آموزان ایران به عنوان یک ضرورت مبرم برای رهبری جنبش دانش‌آموزی مطرح است . ولی همان‌گونه که پیشتر گفتیم متأسفانه هنوز بسیاری از مسئولین آموزش و پرورش به اهمیت مسئله واقف نیستند . در عین حال بسیاری از دانش‌آموزان نیز به ضرورت و نتایج تشکیل این سازمان آگاهی ندارند بنا بر مسائل فوق وظیفه کلیه دانش‌آموزان پیشگام در مرحله کنونی آن است که درک خود را نسبت به این امر غنا بخشیده و با تمام توان برای توضیح آن بکوشند . با توجه بدان که قانون اساسی نیز امکانات مناسبی برای تشکیل این‌گونه سازمان‌ها پیش‌بینی نموده و می‌توان و باید که اذهان مسئولین آموزش و پرورش و تمامی محصلین را نسبت به این مطلب روشن کرد و نشان داد که اتحادیه از چه نیروی عظیم و کارسازی برای بسیج دانش‌آموزان و بکارگیری آنها در خدمت انقلاب ، نوسازی ایران انقلابی و بهبود امر آموزش کشور برخوردار است . باید با این تصور نادرست که تشکیل ارگان‌های توده‌ای دانش‌آموزی زمینه مناسبی برای فعالیت نیروهای منحرف و یا ضدانقلاب می‌شود ، مبارزه نمود .

باید توضیح دهیم که تشکیل چنین ارگان‌هایی فعالیت این نیروها را محدودتر کرده و توده دانش‌آموز را قادر خواهد کرد تا در مقابل تشنج‌آفرینی‌ها و اقدامات ضدانقلابی بطور متشکل و از طریق همین نهادها ایستادگی کند .

در خاتمه لازم است متذکر شویم که تلاش برای تشکیل اتحادیه دانش‌آموزان هیچ تباین و تقابلی با شکل و تقویت شوراهای دانش‌آموزی و شوراهای مدارس ندارد .

دانش‌آموزان پیشگام بر اساس مواضع اعلام شده‌شان در مورد شوراهای ، سال تحصیلی آینده نیز کوشش خواهند کرد که با اجتناب از اشتباهات گذشته برای تشکیل شوراهای دانش‌آموزی و مدارس در وسیع‌ترین سطوح تلاش کنند . تشکیل شوراهای دانش‌آموزی حول حقوق و خواست‌های عمومی دانش‌آموزان ، خود به عنوان گام اولیه در خدمت تشکیل اتحادیه سراسری دانش‌آموزان قرار دارد . و در کنار آن برپا کردن کانون‌ها و کمیته‌های صنفی در مدارس مانند تعاونی‌ها ، کمیته‌های هنری ، ورزشی ، کتابخانه و . . . و شرکت فعالانه در این ارگان‌ها نیز نقش مثبتی در تقویت شوراهای و حرکت به سوی اتحادیه سراسری ایفاء می‌کند .

پیش به سوی ایجاد اتحادیه

سراسری دانش‌آموزان

پیش به سوی تشکیل و تحکیم شوراهای

دانش‌آموزان پیشگام

یمن جنوبی اقداماتی صورت گرفته که فکر می‌کنم به همین زودی گشایش سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن جنوبی اعلام شود .
در مورد ویتنام نیز وزیر خارجه چنین می‌گوید :
این موضوع هم در دست مطالعه است و ما ابائی نداریم که روابط دیپلماتیک با تمام کشورهای دنیا برقرار کنیم . طبیعی است که ویتنام به عنوان کشوری که سخت در مقابل آمریکا ایستاده و جنگیده است ، برای ما قابل توجه باشد ، و ما در آنجا سفارتخانه داشته باشیم .

کیهان ، پنجشنبه ۱۲ شهریور تا این‌جا صریح و روشن ، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران ، دولتی خواهی مثل ویتنام و یمن دموکراتیک را از دول مرتجع جهان جدا می‌کند و روابط متقابل با دولت‌های فوق را که " سخت در مقابل آمریکا ایستاده " اند و علیه آن پیکار می‌کنند " مفید " و " قابل توجه " می‌شناسد . و آشکارا سیاست دو سال و نیم گذشته " جمهوری را در قبال این دولت‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد . چنین درکی که نشانه درهم شکسته شدن " دگم " هائی است که تاکنون به لیبرال‌ها فرصت داده بود ، انقلاب مارا از دول ترقی‌خواه و ضد امپریالیست جهان دور نگه دارند درکی که گسترش روابط انقلاب ایران را با چنان دولت‌های ترقی‌خواه نوید می‌دهد مثبت و امیدوار کننده است وزیر خارجه در مورد احتمال شرکت دولت‌ها و جنبش‌ها در جبهه اسلامی ضد صهیونیستی می‌گوید :

با توجه به واقعیت‌های موجود در جهان " ، با توجه به این که " در جهان فعلی و مخصوصا منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی ما کشورهای را می‌شناسیم که دولت‌های آنها مانند ملتشان رنج شلاق سلطه‌گری آمریکا را بر دوش‌های خود احساس می‌کنند . خودشان را مجبور به مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم می‌بینند و طبیعی است که ما انتظار داشته باشیم این چنین کشورهای در جبهه اسلامی شرکت کنند . چرا که به نفع این مبارزه در شکل گسترده آن است . در چنین حالتی ترکیب این جبهه به این صورت می‌تواند باشد که چند کشوری که به طور عملی با صهیونیسم در حال جنگ

خواهد داد ؟ اینها سئوالاتی هستند که بدون داشتن پاسخ روشن و صریح نمی‌توان ارزیابی همه‌جانبه و درستی از پیشنهاد اخیر وزارت خارجه ارائه داد .
با این‌همه روشن است که می‌توان این پیشنهاد وزارت خارجه را در مجموع گامی مثبت در جهت نزدیکی انقلاب ایران با دولت‌ها و جنبش‌های ترقی‌خواه منطقه ارزیابی کرد . مصاحبه اختصاصی میر حسین موسوی با روزنامه " کیهان " که

جبهه اسلامی ضد صهیونیستی باید جبهه پایداری را تقویت کند

پنجشنبه ۱۲ شهریور انتشار یافت هرچند نمی‌تواند به سئوالات فوق پاسخ دهد ، اما بررسی آن می‌تواند ما را در جهت درک عمومی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از مسائل مربوط به مواضع جمهوری در قبال دولت‌ها و جنبش‌ها و وضعیت جبهه اسلامی ضد صهیونیستی یاری دهد . وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش که چرا ما هنوز با برخی از کشورها از جمله یمن دموکراتیک که عضو جبهه پایداری نیز هست رابطه نداریم چنین پاسخ داده است :

" ما به طور معمول سعی می‌کنیم که با بعضی از کشورهای که تاکنون ارتباط سیاسی نداشته‌ایم تماس برقرار کنیم و به فکر ایجاد سفارتخانه در آنها باشیم که از آن جمله یمن جنوبی است . سعی می‌کنیم مسائلی را که در دو سال گذشته وجود داشته از بین ببریم . چون در دو سال و نیم گذشته همان‌طوری که می‌دانیم با مرتجع‌ترین کشورهای جهان ارتباط داشتیم و برعکس با کشورهای که هرچند ممکن است از نظر ایدئولوژی با ما فرق داشته باشند و در مدار نظام سیاست نه شرقی و نه غربی هیچ‌نوع گرایش نیز با ما نداشته باشند ، اما از نظر روابط بین‌المللی و استراتژیک و همچنین بعضی مسائل دیگر ارتباط با آنها مفید باشد سعی خواهیم کرد که این دگم را در هم بشکنیم و با این کشورها ارتباط برقرار کنیم . در مورد

بر انقلاب وارد سازند و ... از همین رو آنها دیگر مدت‌ها است که چنین شعاری را نمی‌دهند . این دولت‌ها و جنبش‌ها هم‌اکنون در مبارزه‌ای سخت علیه امپریالیسم و صهیونیسم و در جهت ریشه‌کن ساختن سلطه آنها در منطقه و نابودی دولت‌های مرتجع و دست‌نشانده درگیرند . مضمون مبارزه حکومت جمهوری اسلامی ایران ، ماهیت و هدف این حکومت به مضمون مبارزه و هدف دولت‌ها و

جنبش‌های فوق بسیار نزدیک و در برخی موارد اصولا یکی است . در حالی که با مضمون و هدف برخی دولت‌ها و جریاناتی که زیر شعار " نه شرقی ، نه غربی " فعالیت می‌کنند اساسا متضاد و متقابل است . لیکن متأسفانه شعار " نه شرقی ، نه غربی " همان‌گونه که گفتیم تا اندازه زیادی واقعیت‌های فوق را می‌پوشاند ، و درجه نزدیکی و دوری ماهیت و هدف‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران را نسبت به دولت‌ها و جریانات مختلف از دیده‌ها پنهان می‌کند . از این رو است که قبل از آن که با نام جبهه توجه گردد باید معلوم شود که ملاک‌ها و معیارهای پیشنهادی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در قبال اعضای احتمالی جبهه اسلامی ضد صهیونیستی کدام است ؟ چه نیروهائی و با چه مواضعی می‌توانند در این جبهه قرار گیرند ؟ حکومت جمهوری اسلامی تا چه حد به ماهیت و هدف واقعی دولت‌ها و نیروهای شرکت کننده در این جبهه اهمیت می‌دهد و تا چه حد به شعارهائی که می‌دهند توجه دارد ؟ حکومت جمهوری اسلامی تا چه میزان در تعیین ملاک‌ها و معیارهای عضویت در این جبهه نظرات دیگر نیروهای ضد امپریالیست را در نظر می‌گیرد و تا چه میزان بر برخی ملاک‌ها و معیارهای خود که از واقعیت‌های جاری جهان کنونی و مبارزاتی که هم‌اکنون جریان دارد ، به دور است سرسختی نشان

ماهیت خود بدان برخورد کند .
لیبرال‌ها هم در ایران شعار " نه شرقی ، نه غربی " می‌دهند ، دولت مرتجع پاکستان و به اصطلاح محاهدین افغانستان نیز همین شعار را مطرح می‌کنند . اما هدف آنها از این شعار معلوم است . هدف آنها مبارزه علیه دولت‌ها و جنبش‌های ترقی‌خواه جهان ، مبارزه علیه سوسیالیسم و نتیجتا پیشبرد منافع و مطامع امپریالیسم و صهیونیسم در

منطقه است . اما شعار " نه شرقی ، نه غربی " برای حکومت جمهوری اسلامی ایران ، دقیقا مضمونی استقلال‌طلبانه و ضد امپریالیستی دارد . بنابراین جمهوری اسلامی نمی‌تواند مثلا با شعار " نه شرقی ، نه غربی " و برای تحقق مضمونی که از این شعار استنباط می‌کند با دولت‌ها و نیروهای مرتجعی که برای تحقق اهداف امپریالیسم و ارتجاع منطقه این شعار را علم کرده‌اند تشکیل یک جبهه اسلامی ضد صهیونیستی بدهد . لیکن برخی دولت‌ها و جنبش‌ها وجود دارند که دیگر دیری است به انحرافی بودن شعار فوق پی برده‌اند . آنها به تجربه طولانی مبارزاتی خود دریافته‌اند که استقلال در مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا (غرب) و در همبستگی با دول سوسیالیست و ترقی‌خواه جهان کسب و پاسداری می‌شود . آنها به تجربه دریافته‌اند تنها قدرت سلطه‌گر و ضد استقلال در جهان همان قدرتی است که اصطلاحا غرب (امپریالیسم جهانی) خوانده می‌شود . آنها می‌دانند که تاءکید بر شعار " نه شرقی ، نه غربی " از شدت فشاری که می‌تواند بر امپریالیسم وارد آید ، از نیروی ضرباتی که باید بر پیکر امپریالیسم فرود آید می‌گاهد ، به دشمنان مردم فرصت می‌دهد که زیر این شعار پنهان گردند و در فرصت مناسب ضربات خود را

در اوایل ماه جاری ، آقای سید حسین موسوی وزیر خارجه ، برای نخستین بار پیشنهاد تشکیل یک جبهه اسلامی ضد صهیونیستی ، را مطرح ساخت . این پیشنهاد بی‌درنگ واکنش‌های معینی را در منطقه خاورمیانه و در ممالک آفریقا و آسیا برانگیخت . سفیر سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران از اندیشه تشکیل چنین جبهه‌ای پشتیبانی کرد لیکن تاءکید نمود که " این تنها مساله ایران و فلسطین نیست و دیگران نیز باید در این باره اظهار نظر کنند . " دفتر مردمی لیبی در تهران نیز از فکر تشکیل چنین جبهه‌ای استقبال کرد . سفیر سوریه در تهران نیز اعلام داشت که " ما از نهضت‌های آزادیبخش پشتیبانی می‌کنیم حتی اگر اسلامی هم نباشند . " از واکنش دیگر دولت‌ها و جریانات مختلف منطقه هنوز اطلاعات کافی در دست نیست . لیکن قطعا آن‌گاه می‌توانند قضاوت روشنی نسبت به پیشنهاد وزارت خارجه ایران پیدا کنند که دقیقا از مضمون پیشنهاد ایران ، و این که واقعا ایران برای تشکیل چنین جبهه‌ای تا چه حد واقعیت‌های موجود منطقه را در نظر خواهد گرفت و در قبال آن انعطاف پذیری از خود نشان خواهد داد ، مطلع شوند .
دولت‌ها ، جنبش‌ها و جریانات منطقه با توجه به ملاک‌های خود ، پیشنهاد ایران را مورد ارزیابی قرار خواهند داد و در قبال آن اتخاذ موضع خواهند کرد .
دولت‌ها و جنبش‌های ترقی‌خواه منطقه که برخی از آنها تجاربی گران‌قدر و ارزشمند در امر مبارزه علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع منطقه کسب کرده‌اند ، تنها زمانی به چنین جبهه‌ای می‌پیوندند که واقعا و عملا این جبهه به مبارزات عمیق جاری ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی خلق‌های منطقه خاورمیانه و به‌طور کلی ممالک آسیا و آفریقا کمک کند .

همان‌گونه که درک‌های متفاوت از شعار " نه شرقی ، نه غربی " از جانب دولت‌ها و نیروهای مختلف ارائه می‌شود ، در قبال تشکیل جبهه اسلامی ضد صهیونیستی نیز می‌تواند درک‌های متفاوتی وجود داشته باشد و هر نیروئی بسته به مواضع و

جبهه اسلامی...

بقیه از صفحه ۱۶

هستند و یا گرایش به مبارزه واقعا جدی با امپریالیسم و صهیونیسم دارند، به اضافه سازمان‌های آزادیبخشی که مورد تائید این کشورها ممکن است باشد، در چنین جبهه‌ای گرد آیند.

این گفته‌های وزیر خارجه هرگاه واقعا بخواهد در عمل تحقق یابد نشانه شکستن "دگم" های بسیاری است و نمی‌تواند مورد استقبال دول ترقیخواه منطقه و جنبش‌های آزادیبخش منطقه و همه نیروهای انقلابی داخل قرار نگیرد. "دولت‌هایی که رنج شلاق سلطه‌گری آمریکا را بر دوش‌های خود احساس می‌کنند و خودشان را مجبور به مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم می‌بینند" و "سازمان‌های آزادیبخشی" که مورد تائید این دولت‌ها باشد، مشخصاند، اینها همان اعضای جبهه پایداری هستند و هرگاه دولت جمهوری اسلامی بخواهد با دولت‌های فوق‌تکلیف جبهه واحد بدهد قطعا این گامی است بزرگ در جهت تحکیم انقلاب ایران و تشدید مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های منطقه. لیکن در همین مصاحبه آقای میرحسین موسوی با سخنان زیر درکی را ارائه می‌دهد که در گذشته پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی-صدهیونیستی را با دشواری‌های جدی روبه رو ساخته و تجربه نشان داده است که هرگاه به طور جدی دنبال شود تفرقه برانگیز بوده و به وحدت نیروهای ضدامپریالیست و ضد صهیونیست آسیب می‌رساند.

"اصولی که بر این جبهه حاکم است فکر می‌کنم جزئیات آن بعد از پیشرفت جسورانه در کار اعلام شود. ولی کلا همان کلمه اسلامی که ما می‌گوئیم خیلی از مسائل را مطرح می‌کند. طبیعی است که در این جبهه یک کشور مارکسیست و یا یک کشوری که غیراسلامی باشد نمی‌تواند شرکت کند."

با توجه به همین گفتار است که فوراً این سؤال مطرح می‌شود که با چنین

تفکری تاچه حد طرح تشکیل جبهه اسلامی امری عملی و قابل تحقق است و تاچه حد می‌تواند در تقویت موقعیت دول ضدامپریالیست و جنبش‌های آزادیبخش منطقه مؤثر باشد؟

دولت‌های ترقیخواه منطقه و جنبش آزادیبخش فلسطین که دشمنان سرسخت صهیونیسم و امپریالیسم هستند و دیری است که در پیکاری فشرده با ارتجاع منطقه درگیرند هریک به نوعی با دولت‌های سوسیالیستی و با نیروهای مارکسیست همکاری نزدیک دارند. سازمان آزادیبخش فلسطین جبهه‌ای است مرکب از مسلمانان مبارز با مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی. بدون اتحاد فشرده، این نیروها جنبش آزاده‌بخش فلسطین نمی‌تواند

این تجربه را فهمیده‌اند که تنها با تحکیم پیوندهایی که با دول سوسیالیستی و نیروهای مارکسیستی دارند می‌توانند به بهترین وجهی از استقلال و موجودیت خود دفاع کنند و در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، پیروزی‌های واقعی انتظار داشته باشند. این دولت‌ها و سازمان آزادیبخش فلسطین که جملگی جبهه پایداری را تشکیل می‌دهند و دیگر جنبش‌های رهائی بخش منطقه تنها زمانی می‌توانند در جبهه اسلامی ضد صهیونیستی متحد شوند که موقعیت آنها در برابر دشمن تقویت شود و این در صورتی است که چنین جبهه‌ای وحدت گسترده، این دولت‌ها را با مارکسیست‌ها و دول سوسیالیستی تضعیف نکند، یا موجب تضعیف وحدت مسلمانان مبارز و کمونیست‌های انقلابی فلسطین نشود.

تمامی امپریالیست‌ها، صهیونیسم بین‌الملل و

"جبهه اسلامی ضد صهیونیستی" تنها با شکستن واقعی "دگم" ها و درک واقعیت‌های عینی و ضرورت‌های حیاتی مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه تشکیل خواهد شد. درکی که واقعیت جبهه جهانی ضد امپریالیستی را بپذیرد، درکی که واقعیت انکارناپذیر جبهه پایداری را بپذیرد و در تقویت آن بکوشد.

مبارزات ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی خود را ادامه دهد و به یک آینده پیروزمند امیدوار باشد، لیبی هم‌اکنون در اتحاد با دو دولت مارکسیست یمن دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک اتیوپی است و از این گذشته گسترده‌ترین روابط را با نظام جهانی سوسیالیسم برقرار ساخته است، دولت سوریه که با دولت لیبی متحد است، دارای قراردادهای همکاری طولانی مدت با اتحاد شوروی و دیگر دول سوسیالیستی جهان است و در همین حال با کمونیست‌های کشور خویش نیز متحد است، دولت الجزایر نیز محکم‌ترین پیوندها را با دول سوسیالیست برقرار ساخته است. همه این کشورها و همچنین جنبش آزادیبخش فلسطین عمیقا

پیشنهاد تشکیل جبهه اسلامی ضد صهیونیستی تنها زمانی می‌تواند ارزش عملی پیدا کند که جمهوری اسلامی همین تجارب دوسال و نیمه خود را شجاعانه جمع‌بندی کند و از آن درس بگیرد. این پیشنهاد زمانی می‌تواند به سود خلق‌های منطقه و تحکیم دول ضد امپریالیست منطقه باشد که دولت جمهوری اسلامی به طور جدی تجارب همان دولت‌هایی را که به جبهه فراخوانده است مورد ارزیابی قرار دهد و نتایج عملی ناشی از ارزیابی‌های خود را بپذیرد. و این به مفهوم آن است که دولت جمهوری اسلامی از همکاری با "مارکسیست‌ها" که آشتی‌ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم و صهیونیسم هستند نهراسد. در غیر این صورت تلاش برای تشکیل جبهه‌ای که بخواهد دولت‌ها و نیروهای "مارکسیست" منطقه را منزوی کند هرگاه با شکست روبه رو نشود تنها می‌تواند موجب تفرقه و تضعیف مبارزات ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی منطقه شود. از این رو ما با این سخنان وزیر خارجه که در همین مصاحبه ابراز داشته به هیچ روی نمی‌توانیم موافق باشیم:

آن حداقلی که ما در پی آن هستیم و می‌دانیم امکان‌پذیر است و به طور صورانه می‌توانیم به سمت آن قدم برداریم این است که فرض کنیم در تمام جهان هیچ کشور اسلامی برای شرکت در این جبهه دست موافقت دراز نکند... اگر ما در چنین وضعیتی قرار بگیریم و هیچ کدام از کشورهای اسلامی به این مساله پاسخ ندهند، حداقل کار ما این خواهد بود که به سمت نهضت‌های آزادیبخش که در کنار انقلاب اسلامی ما قرار دارند خواهیم چرخید. ما از هم اکنون اعلام می‌داریم که حاصل چنین درکی نمی‌تواند تشکیل جبهه‌ای در دولت‌ها و جنبش‌های ترقی‌خواه منطقه باشد. چنین جبهه‌ای تنها با شکستن واقعی "دگم" ها و درک واقعیت‌های عینی و ضرورت‌های حیاتی مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه تشکیل خواهد شد. درکی که واقعیت جبهه جهانی ضد امپریالیستی را بپذیرد، درکی که واقعیت انکارناپذیر جبهه پایداری که مدت‌هاست علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه می‌رزد، بپذیرد و در تقویت آن بکوشد.

سؤال ما از آقای میرحسین موسوی این است که چرا باید پیشنهاد ایران با استقبال دولت‌ها و جنبش‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست با پیشنهاد جبهه پایداری که تجلی مبارزه خلق‌های منطقه علیه امپریالیسم و صهیونیسم است قرار نگیرد؟ آیا می‌توان پذیرفت

مرکب بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

دولت باید دانشگاه‌ها را باز کند

کوشیده است در پشت درهای بسته و بدون یاری گرفتن از دانشگاهیان مدافع انقلاب "انقلاب فرهنگی" را به انجام رساند به خوبی مؤید چنین واقعیتی است. ما امیدواریم که کابینه جدید و ستاد انقلاب فرهنگی در آستانه آغاز سال جدید آموزشی با اتخاذ تصمیمات درست و اصولی به وضعیت کنونی دانشگاه‌ها پایان داده و انقلاب را از نتایج زیان‌بخش آن رهایی بخشند. بازگشایی کامل دانشگاه‌ها و جذب دانشجویان به این مراکز، پیشبرد تحولات متناسب در نظام آموزشی با شرکت گسترده دانشگاهیان مدافع انقلاب از طریق یک انقلاب فرهنگی با مضمون صریح و روشن ضدامپریالیستی و خلقی، این است تنها سیاست درست و اصولی در زمینه آموزش عالی!

طور متشکل و یک‌پارچه در مبارزه انقلابی خلق شرکت مؤثر و بیش از پیش داشته و این کانون فعال مبارزه ضدامپریالیستی را بار دیگر گرمی بخشیده و پرچم جنبش انقلابی دانشجویان را بر فراز دانشگاه‌ها به اهتزاز درآوردند.

تردیدی نیست برای آن‌که بتوان دانشگاه‌های کشور را بیش‌ازپیش در خدمت انقلاب و محرومین قرار داد باید تغییرات متناسب را در آن ایجاد نمود. انقلاب فرهنگی و کوشش در جهت محو سیستم امپریالیستی حاکم بر نظام دانشگاه‌ها می‌تواند پا به پای بازگشایی دانشگاه‌ها صورت پذیرد و تنها در صورتی قادر است به ثمر نشیند که با یاری و شرکت گسترده دانشجویان و دانشگاهیان مدافع انقلاب همراه گردد. کارنامه ناموفق "ستاد انقلاب فرهنگی" که

براندازی به سرکردگی آمریکای جنایتکار که برای پیشبرد شیوه‌های تروریستی و مخرب علیه انقلاب از نارضایتی جوانان بهره‌جوئی می‌کند ضرباتی وارد می‌آید. واقعیت این است که نابسامانی و سرگردانی دانشجویان جوان و پرشور و پیوستن آنان به خیل بیکاران جامعه در گسترش تمایلات تروریستی بی‌تأثیر نبوده است. جلب این دانشجویان به کار و آموزش فعال و سازنده در محدود ساختن این تمایلات و مقابله انقلاب با تروریسم اقدامی مفید و به‌جا است که باید از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران مورد توجه دقیق و لازم قرار گیرد.

و سرانجام با بازگشایی دانشگاه‌ها باید به دانشجویان که اکثریت آنان مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی‌اند فرصت داد تا به

سرکردگی آمریکا به کار گیرد. اقدامات در دست اجرا تنها بخش محدودی از دانشجویان را در بر گرفته و مشکل ده‌ها هزار جوان دانشجوی را به هیچ روی حل نمی‌کند.

سازمان ما همان‌گونه که تا کنون بارها و بارها اعلام داشته است تعطیل دانشگاه‌ها را عملی غلط و به زیان انقلاب دانسته و یکی از وظایف عاجل دولت جدید را حل قطعی سریع و اصولی آن اعلام داشته است. ما ضمن پشتیبانی از کوشش‌هایی که در جهت برطرف ساختن نتایج زیانبار این اقدام نادرست به عمل می‌آید معتقدیم که جمهوری اسلامی قادر است با در پیش گرفتن یک سیاست روشن و واقع‌بینانه مشکل دانشگاه‌ها را در مدتی کوتاه حل کرده و نتایج زیانبار آن را برطرف سازد.

آقای محمدعلی نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی طی یک مصاحبه مطبوعاتی در هفته گذشته رئیس سیاست‌های دولت جدید را درباره دانشگاه و بازگشایی آن اعلام داشت. طبق تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی طرحی برای "فارغ‌التحصیل کردن دانشجویان قبلی که تا ۲۵ واحد درسی‌شان باقی مانده" تهیه شده است که بنا به تصریح آقای نجفی تعداد واحدها (۲۵ واحد) قابل تجدیدنظر است. علاوه بر این در مورد طرح پذیرش دانشجویان پزشکی در دانشگاه‌ها، وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعلام داشت: "برغم حاضر شدن طرح مزبور برای اجرای آن لااقل ۶ ماه فرصت لازم داریم... به هر حال قبول دانشجویان برای گروه پزشکی در مهرماه سال جاری منتفی است ولی در رشته‌های دیگر این امر منتفی نیست."

این آثار زیان‌بخش تنها گریبانگیر دانشجویان نبوده و به فضای فرهنگی جامعه محدود نمی‌شود. ادامه تعطیل دانشگاه‌ها نتایج مخرب اجتماعی و سیاسی به مراتب وسیع‌تری داشته و مستقیماً در مبارزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فنی - تکنولوژیک با امپریالیسم جهانی تأثیر می‌گذارد.

برای برطرف ساختن این آثار زیانبار، دانشگاه‌ها باید به‌طور کامل باز شده و دانشجویان مجدداً به مراکز آموزش عالی جلب شوند. تربیت کادرهای متخصص و آموزش دیده که در شرایط کنونی تنها از طریق ادامه فعالیت دانشگاه‌های کشور میسر است، نیازی جدی در مبارزه استقلال‌طلبانه مردم ماست و اهمیت بسزایی در قطع وابستگی‌های فنی - تکنولوژیک اقتصاد میهن ما به امپریالیسم جهانی و تأمین خودکفائی در عرصه‌های فوق دارد. علاوه بر آن جذب دانشجویان به دانشگاه‌ها و استفاده از نیروی آنان در جهت دفاع از انقلاب، به جبهه

پس از یکسال که از تعطیل زیانبار دانشگاه‌ها می‌گذرد، تلاش در جهت ارائه برنامه به‌منظور بازگشایی دانشگاه‌ها از سوی دولت جدید و "ستاد انقلاب فرهنگی" اقدامی امیدبخش است. اما متأسفانه تصمیماتی که به دنبال این تلاش اتخاذ شده غیرکافی، ناروین و بدون توجه به ضربات سنگینی است که از تعطیل دانشگاه‌ها بر پیکر انقلاب و جامعه انقلابی ما وارد می‌شود. مردم در شرایط کنونی خواستار حل سریع، روشن و اصولی معضلی به نام "تعطیل دانشگاه‌ها" هستند که جمهوری اسلامی به دست خود و براساس یک سیاست نادرست آن را ایجاد کرده است. تصمیمات ارگان‌های مسئول به این‌خواست پاسخ نمی‌گویند و قادر نیست نیرو، تخصص و اشتیاق دانشجویان را در امر سازندگی جامعه، دفاع از انقلاب و مبارزه با امپریالیسم جهانی به

وظیفه ما مبارزه با امریکای جنایتکار است

پیام امام به زائران حج پیام اتحاد در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم بود

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در آستانه حج خطاب به مسلمانان جهان و زائران حج پیامی فرستاده‌اند در این پیام امام خمینی بر ضرورت اتحاد مسلمانان علیه امپریالیسم و صهیونیسم و از میان بردن سلطه تجاوزگران و رهایی توده‌های مردم تأکید کرده‌اند. جوهر پیام امام را می‌توان در ضرورت اتحاد مسلمانان جهان برای پیشبرد موفقیت‌آمیز مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم به‌ویژه امریکای جنایتکار خلاصه کرد.

رهبر انقلاب با تأکید بر مبارزه پیگیر مردم ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم در قسمتی از پیام خود چنین گفته‌اند:

"ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه آمریکا شروع کرده‌ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران پرچم توحید را در جهان بیافرازند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید"

استقلال - کار - مسکن - آزادی

فراخوان حزب کمونیست عراق به نظامیان این کشور

ارتش را ترک کنید و اسلحه های خود را به سینه باند صدام نشانه بگیرید

حزب کمونیست عراق اخیراً (۲۱ تیرماه) در یک فراخوان به نظامیان این کشور از آنان خواست که ارتش را ترک کنند و تمامی توان و تلاش خود را علیه رژیم جنایتکار صدام به کار گیرند . حزب کمونیست عراق که همگام با مردم زحمتکش و انقلابی عراق در مبارزه های قاطعانه و پیگیر با رژیم سرکوبگر عراق شرکت دارد ، باتوجه به ماهیت ضدامپریالیستی و ترقی خواهانه رژیم جمهوری اسلامی ایران از آغاز جنگ تحمیلی به محکوم کردن جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه خلق قهرمان و انقلاب ایران برخاست . در زیر متن این فراخوان به چاپ رسیده است .

سازمان های ترقی خواه آن ، این حق طبیعی خلق عراق است که از فرزندان خود در ارتش عراق بخواهند که در این خونریزی ها سهیم نشوند و سلاح های خود را به طرف سینه باند حاکم که ارتش ما را در این عذاب بزرگ انداخته و خسارات فراوان وارد کرده است برگردانند . جایگاه حقیقی شما نظامیان شرافتمند عراق در سنگرها و خندق ها علیه رژیم ننگین عراق است که از مقابله با یورش های هوایی اسرائیل عاجز است و با رهبران اسرائیل و هم پیمانان آن همکاری و هماهنگی می کند . جایگاه شما در صفوف مبارزه خلقی است که روز به روز کینه و نفرت آن از رژیم حاکم افزایش می یابد . جای شما هم چون دیگر فرزندان خلق در نبرد شرافت و حیثیت در نبرد ۱۴ ژوئیه است که ۲۳ سال پیش به رژیم پادشاهی وابسته به استعمار پایان داد . روز پیروزی آینده نزدیک است روزی که اشعه درخشان آن آینده ای آزاد ، دمکراتیک و در جهت پیشرفت اجتماعی و وحدت ملی را بشارت می دهد . آینده ای که شرافت ، امنیت و زندگی آبرومندان را برای فرزندان خلق به ارمغان آورد .

فرزندان غیور ارتش عراق !

- پیوند خود را با جنبش ملی خلق عراق و احزاب و نیروهای ترقی خواه ملی و انقلابی محکم کنید و فعالیت های خود را با آنان هماهنگ کنید .
- صفوف خود را از رجال مشکوک و عوامل جنایتکار رژیم دیکتاتوری و ارگان های سرکوبگر رژیم تصفیه کنید .
- به رزمندگان میهن پرست که در کوه های و دشت های کردستان می جنگند ملحق شوید .
- صفوف خود را منظم کرده و با اسلحه های خود علیه رژیم دیکتاتوری و باند جنایتکار آن به مبارزه برخیزید .

پیروزی از آن خلق ماست

زنده باد برادری خلق و ارتش عراق برای سرنگونی دیکتاتوری حاکم

۱۲ ژوئیه ۱۹۸۱
حزب کمونیست عراق



نظامیان میهن پرست و شرافتمند ارتش عراق !

سربازان ، افسران کادر و وظیفه ! با هر عقیده و مسلک سیاسی از کرد و عرب و اقلیت های ملی دیگر ، مسلمانان ، مسیحیان ، پیروان مذاهب و ادیان مختلف ! مبارزان ضد دیکتاتوری و سیاست خونریزی و کشتار ! کلیه نظامیان میهن پرست و شرافتمندی که به میهن عزیزمان عراق و خلق بزرگ عراق و امت عظیم عرب فکر می کنید !

سیاست باند دیکتاتوری حاکم کشور ما را به سوی جهنمی سوزان رهبری می کند . خلق ما تا کنون هزاران نفر از فرزندان خود را در زندان ها در پای چوبه دار و زیر شکنجه و یا در میدان های جنگ ظالمانه علیه خلق کرد ما و جنبش آزادیبخش خلق عراق و علیه خلق همسایه ایران و انقلاب رها عیب بخش آن از دست داده است . عراق عزیز ما که نخستین کشور قوانین در عالم بوده و نعمت های مادی به وفور در آن وجود دارد امروز در چنگال ترور و سرکوب وحشیانه قرار گرفته و مرگ و آندوه سراسر خاک میهن را در بر گرفته و خونریزی عمومی به طور همه جانبه گسترش یافته است . هم اکنون فراهم کردن ساده ترین ضروریات حیات و معیشت نتوانید سوخت ، برق و خدمات و مسکن برای شهروندان عراقی با اشکال مواجه است . و مهم تر از این ، خلق ما از امنیت و آسایش و زندگی شرافتمندانه به دور از هجوم و یورش ارگان های سرکوبگر و امنیتی که حیثیت و شرافت مردم را زیر پا می گذارند محروم می باشد . این طاعون سیاه ، ارتش ما و فرزندان مخلص و شرافتمند آن را درگیر جنگ ظالمانه ای کرده که هدف آن خدمت به توطئه های امپریالیسم ، ارتجاع و صهیونیسم و علیه جنبش آزادیبخش ملی عرب و انقلاب ایران می باشد و اساس آن بر فریب کاری دروغ ، تبلیغات و رهبری طلبی دروغین می باشد .

این جنگ ظالمانه که از ده ماه پیش آغاز شده هر روز جان صدها نفر را در میدان های جنگ می گیرد و یا محروم و غلیل از این میدان ها باز می گردند و یا اجساد آنها از میدان های اعدام و سلول های امنیتی عراق تحویل می شود . این در شرایطی است که رژیم اجساد هزاران نفر از آنها را که کوچک ترین اعتراضی کرده اند به همسران ، فرزندان و بستگانشان پس نمی دهد .

آینده ای که در انتظار فرزندان شریف ارتش و توده های خلق عراق است آینده ای سیاه و پر از خسران و نابودی عمومی می باشد . تداوم حکومت باند فاشیستی حاکم ، بر شعور و مقدرات ارتش ما و خلق ما تأثیر می گذارد و به آلام و رنج و زحمات آن می افزاید . هر روز که از عمر کوتاه دیکتاتوری حاکم و باند جنایتکار آن می گذرد خلق مبارز عراق شاهد مصیبت های بیشتر و خسارات جسمانی ، روحی و مادی بیشتری خواهد بود . خلق بزرگ عراق دارای مجد و افتخارات انقلابی است و نیروهای سیاسی وطن پرست و ترقی خواه به مبارزه مسلحانه و غیر مسلحانه با رژیم خونخوار برخاسته و روز به روز صفوف خود را تحکیم بخشیده است . این نیروها هرچه بیشتر به تشکیل یک جبهه عمومی فراگیر برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری و رهایی کشور از مرگ جمعی ، سیاست سرکوبگرانه تروریستی و فاشیستی نزدیک می شوند و علیه جنایت رژیم نسبت به فرزندان این کشور و به هدر دادن امکانات و توانایی های میهن و غارت ثروت های ملی توسط باند جنایتکار حاکم متحد می شوند برای مقابله با سیاست دشمنی با جنبش آزادیبخش ملی عرب و نیروها و

تحریم نفتی ۱۳ شرکت ژاپنی علیه ایران

تشکیل یک جبهه ارتجاعی علیه ایران ایفاء کرده است " اعتراض محافل ترقی خواه ژاپن به اقدامات دولت امپریالیستی ژاپن از یک طرف و ضررهایی که از راه قطع رابطه اقتصادی با ایران متوجه خود شرکت های ژاپنی گردید از طرف دیگر ، هیئت حاکمه ژاپن را مجبور به لغو محاصره اقتصادی در مورد ایران نمود . اما هنگامی که شرکت های ژاپنی در خردادماه سال جاری اعلام کردند که از ادامه ساختمان مجتمع پتروشیمی در ایران که ساختمانش تقریباً به انجام رسیده ، امتناع می ورزند ، معلوم گردید که آنها در هیچ شرایطی از اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران ، دست برنداشته اند . تصمیم اخیر امپریالیست های ژاپنی هم ، در واقع ادامه همان اقدامات پیشین آنهاست . تا آنجا که مسئله به امپریالیسم ژاپن یا هر دولت

امپریالیستی دیگر مربوط می گردد ، نکته بدیع و تازه ای وجود ندارد . این سرشت امپریالیست هاست که وقتی می بینند خلقی مصمم است تا به استقلال واقعی سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی برسد ، از اعمال هیچ گونه خیانتی علیه آن خلق بیخاسته ای نداشته باشند . اما آنچه که مورد تأکید باید قرار گیرد ، این است که جمهوری اسلامی از این واقعیت و هزاران واقعیت کم و بیش مشابه آن در طول سه سال نبرد با امپریالیسم جهانی می باید درسی لازم را بگیرد . جمهوری اسلامی برای تأمین استقلال اقتصادی واقعی و خنثی کردن هرگونه تأسیس و زورگویی کشورهای امپریالیست ، یک راه دارد و آن شناختن دوستان و متحدین جهانی خود و یاری گرفتن از آنان در جهت ایجاد ایرانی مستقل و آزاد ، این تنها راهی است که پیش روی ما قرار دارد .

برطبق خبری که اخیراً از سوی خبرگزاری ژاپنی کودوسوسو منتشر شد ، ۱۳ شرکت یالایش نفت و موسسه تجارتی امپریالیسم ژاپن که در میان آنها نام چندتا از بزرگترین انحصارات امپریالیستی ژاپن نظیر مینوسوبی به چشم می خورد ، تصمیم گرفته اند که از ماه آینده ورود نفت از ایران را قطع کنند . این نخستین بار نیست که امپریالیسم ژاپن در همراهی با تمام امپریالیست های جهان و به ویژه سرکرده آنها آمریکا سیاست فشار اقتصادی بر ایران انقلابی را تحمیل می کند . البته تصادفی هم نیست ، زیرا که ماهیت امپریالیستی آن به او اجازه نمی دهد تا از اعمال هرگونه فشار برای درهم شکستن عزم مردم قهرمان ایران در رسیدن به استقلال کامل از بوغ جبهه امپریالیسم جهانی ، صرف نظر نماید .

امپریالیست های ژاپنی که چند ماه پس از اشغال قهرمانانه لانه جاسوسی آمریکا در ایران ، به تبعیت از خط منی محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکا و همه امپریالیست های اروپایی ، تعیدهای اقتصادی خود را زیر با گذاشت ، و از وارد کردن فولاد به ایران خودداری کرد و زمانی که در تابستان گذشته دریافتند ادامه کار موفقیت آمیز نبود ، اصفهان ، مانع از تأثیر این فشار اقتصادی گردیدند . اعلام کرد تمام انواع کالاهای ژاپنی را به کشور ایران قطع می کند . البته ، این اقدام محافل هیئت حاکمه ژاپن موجب اعتراض محافل مترقی ژاپن گردید که به عنوان نمونه ارگان کمونیست های ژاپن ، نوشت : " کشورهای عضو سازمان اقتصادی اروپا در نتیجه فشار شدید دولت کاتر به تعیین مجازات های مشترکی تن دردادند و ژاپن نقش واسطه ای را در این امر به منظور

ضعف و نفاق در قانون بازسازی

ضعف در ریشه کنی نفوذ ضدانقلاب

عاجل ترین و مهم ترین وظیفه که امروز برعهده دولت قرار گرفته است مبارزه ایست پیگیر و طبق نقشه برای ریشه کن کردن نفوذ خطرناک ضدانقلاب در دستگاه های حکومتی . ادامه عملیات تروریستی و شهادت مهم ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران زنگ خطری است بسیار جدی برای نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی که اگر نفوذ مخرب ضدانقلاب در دستگاه های حکومتی که ابعاد خطرناکی به خود گرفته است به قاطعانه ترین اشکال ریشه کن نشود ، ضربات جدی به انقلاب وارد می سازد . این قطع نفوذ باید تا حدی باشد که بتواند انقلاب را به یک دستگاه اداری فعال و کارا مجهز سازد و از هزینه سرسام آور آن که بازمانده نظام شاهنشاهی است به میزان وسیعی بکاهد .

ولی باید دید آیا این قانون بازسازی که با صرف انرژی فراوان تنظیم و تصویب شده است قادر به تاءمین این هدف هست ؟ به این سؤال جدی و صریح نمی توان پاسخ مثبت داد زیرا :

- متأسفانه این قانون اساسا به مساله بنیادین دستگاه های اداری نمی پردازد و فقط قصد دارد همراه سلطنت طلبان و دشمنان جمهوری اسلامی (که البته در این مورد راه فرار بسیار بازمانده است) طیف وسیعی از نیروهای مدافع انقلاب را پاکسازی کند و این عمل به ویژه در شرایط بحرانی کنونی راه را برای بقای نفوذ عناصر ضدانقلابی در دستگاه های حکومتی بسیار هموارتر می نماید آیا فکر می کنید بدون اتکاء بر اتحاد گسترده همه نیروهای مدافع انقلاب ، یک تنه ، آن هم در این شرایط ، قادرید هم این نفوذ خطرناک را از میان بردارید و هم دستگاه اداری را فعال و کارساز سازید ؟

- متأسفانه این قانون در برخورد با مستخدمین دولت روی موازین شرعی تأکید بیشتری دارد تا روی معیارهای انقلابی . و این باعث می شود ضدانقلابیون فرصت یابند از پوشش های شرعی برای استتار ماهیت ضدانقلابی خود بهره گیرند . چنانکه هم اکنون هم می گیرند .

- متأسفانه این قانون با اعمال سمت گیری های بی مورد در موارد اساسا بی اهمیت (و یا در این شرایط بی اهمیت) با عمده کردن فرعیات - که در مجلس غلیظ تر هم شده - طیف وسیعی از کارکنان دستگاه دولتی را - که از انقلاب ناراضی اند - به سوی دوستی پنهان و آشکار با ضدانقلابیون سوق می دهد .

آیا واقعا قابل تأسف نیست که در این شرایط بحرانی کشور که خون خوارترین دشمنان این خلق به پا خاسته و در رأس همشان امپریالیسم آمریکا ، انقلاب ما و همه دست آورده های آن را به ددمنشانه ترین شکل ممکن مورد هجوم قرار داده اند ، مجلس شورای اسلامی بخواهد در عرض دو سال آینده که جنگ ، بحران اقتصادی ، مساله امنیت و مبارزه با تروریسم و از همه مهم تر براندازی بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و خنثی سازی توطئه های امپریالیسم و دهها و دهها مشکل عظیم پیش پای این مردم زجر کشیده است هیات های بازسازی را در این گیرودار به این مشغول دارد که بگردند و کشف کنند که کدام کارمند کی و کجا و در کدام تاریخ مشمول بند ۶ ماده ۱۷ و از این قبیل بوده یا نبوده است ؟ آیا پرداختن به این مسائل آن هم در این موقعیت حساس نشانه بستن سنگ و رها کردن سگ های هار نیست ؟

با این شیوه برخورد قانون بازسازی با مساله مبرم ریشه کنی ضدانقلاب در دستگاه های حکومتی و با این تمهیدات برای فعال کردن آن مردم چگونه می توانند اطمینان یابند که دولت جمهوری اسلامی واقعا موفق شود نفوذ مخرب ضدانقلاب

را در نهادهای دولتی براندازد و انقلاب را به یک دستگاه سالم ، کارا و کم هزینه مجهز سازد ؟

تناقض غیر قابل توجیه

ما بارها این نکته را مورد تأکید قرار داده ایم که عدم استخدام و یا اخراج اعضای سازمان های سیاسی غیرمذهبی خلاف قانون اساسی و سایر قوانین و خلاف مصالح انقلاب و خلاف خط مشی رهبر انقلاب است .

اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت آزادانه همه احزاب سیاسی ، مذهبی را "مشروط بر این که موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند" به وضوح تضمین کرده است . امام خمینی تا کنون بارها آزادی فعالیت احزاب سیاسی ملتزم به قانون اساسی را مورد تأکید قرار داده اند . امام خمینی در رابطه با تهدیدات رهبران مجاهدین در ۲۱ اردیبهشت اعلام کردند :

"همه گروه ها و احزاب ، تا وقتی که با کشور اسلامی جنگ ندارند به طور آزاد عمل می کنند"

امام هم چنین در مورد تمام احزاب و سازمان های غیرمذهبی (سیاسی و اجتماعی) که دارای عقاید گوناگون هستند اما قانون را می پذیرند گفتند :

"چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت های سیاسی دارند هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد" آیت اله شهید بهشتی نیز در موارد متعدد روی آزادی فعالیت احزاب سیاسی تأکید نموده است . ایشان حتی معتقد بود که "هیچ کس را نباید به جرم داشتن عقیده از کار برکنار کرد ."

آیت اله شهید علی قدوسی دادستان کل انقلاب در اطلاعیه مهم ده ماده ای صراحتا متذکر شده است :

"۱۰ - کلیه آحاد ملت و دستگاه های انتظامی موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروه های که فعالیتشان از طریق مقامات مسئول مملکتی

غیر قانونی اعلام نشده است می باشند" آقای مهدوی کنی نخست وزیر نیز تا کنون بارها و بارها حق فعالیت آزاد و علنی تمام احزاب و سازمان های سیاسی و اجتماعی (غیرمذهبی) را قطع نظر اصول عقیدتی و مرامی آنها مورد تأکید قرار داده است .

"قانون فعالیت احزاب و جمعیت ها" هم علیرغم تمام کاستی ها و محدودیت های آشکاری که برای فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی و اجتماعی (غیر مذهبی) در نظر گرفته است با این همه باز هم گروه های سیاسی را فقط ملزم می سازد که چنانچه متقاضی پروانه باشند "باید در اساسنامه و مرام نامه خود صراحتا التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان کنند" .

حتی این قانون هم با تمام تنگناهایی که بر سر راه فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی پدید آورده است احزاب و سازمان ها را فقط موظف می سازد که در اساسنامه و مرام نامه خود التزام خود را به قانون اساسی قید نمایند . حتی این قانون هم عضویت در سازمان ها و احزاب قانونی غیر دینی (سیاسی و اجتماعی) را به هیچ وجه مستوجب پیگرد و حاکی از ارتکاب جرم نمی شناسد .

تمام این استنادات به خاطر آن است که نشان دهیم که هیچ یک از قوانین جمهوری اسلامی ایران و هم چنین هیچ یک از مقامات طراز اول این جمهوری ننوشته اند و نگفته اند که در این جمهوری "عضویت در سازمان های که اساسنامه و مرام نامه آنها بر نفی ادیان الهی مبتنی باشد" حاکی از وقوع یک جرم است و پرونده متهم مربوطه باید به دادسراها و دادگاه های عمومی تحویل شود و متهم به مجازات برسد .

اما علیرغم تمام قوانین مدون جمهوری اسلامی و علیرغم اظهارات مکرر مسئولین طراز اول این جمهوری مطابق بند ۱ ماده ۱۸ قانون بازسازی "عضویت

در سازمان هایی که اساسنامه و مرام نامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی باشد" مشمول قانون بازسازی و به کمک ماده ۲۶ همان قانون ارتکاب چنین جرمی "موجب انفصال دائم از خدمات دولتی و مواسسات وابسته به دولت" شناخته شده است .

و این تازه تمام مساله نیست . اوج بی قانونی در روح ماده ۳۷ این قانون و تبصره های آن است . مطابق این ماده رسماً و علناً به هیئت های بازسازی مواسسات داده می شود برای اعضای سازمان های سیاسی غیردینی که فعالیت آنان فاقد هر نوع منع قانونی است پرونده سازی کنند و صرف عضویت در این سازمان ها را هم جرم به حساب آورند و برای تعیین "مجازات" پرونده مربوطه را مطابق تبصره ۲ ماده ۳۷ به "دادسراها و دادگاه های عمومی" برای صدور حکم محکومیت ارجاع نمایند . تا براساس حکم محکومیت جزائی که این دادگاه ها صادر می کنند هیات های بازسازی از لحاظ اداری رای انفصال دائم از خدمات دولتی صادر کنند .

سؤال مشخص ما از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی این است که اگر "عضویت در سازمان هایی که اساسنامه و مرام نامه آنها به نفی ادیان الهی باشد" جرمی محسوب می شود که در "دادسراها و دادگاه های عمومی" قابل رسیدگی است و مجازات دارد پس چرا این مطلب در لایحه احزاب تصریح نشده است و فقط قید التزام به قانون اساسی در اساسنامه و مرام نامه آنها ضروری شمرده شده است ؟

آیا این نحوه برخورد با احزاب و سازمان های سیاسی یادآور قانون کربیه رضاخانی مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ نیست که با وقاحت تمام "عضویت در دسته و جمعیت با مرام و رویه اشتراکی" را جرم می شناخت و برای آن مجازات ۳ تا ۱۰ سال حبس در نظر می گرفت ؟ قانون اساسی و حتی همین لایحه دست و پا شکسته احزاب هم فعالیت سازمان های سیاسی غیردینی ملتزم به قانون

ضعف و ...

اساسی را آزاد اعلام کرده اند امام خمینی بارها و بارها بر این آزادی تاکید مکرر داشته است. حالا امروز چگونه است که این قانون بازسازی وظیفه خود دانسته است که اعضای این گونه سازمانها را که پیگیرترین مدافعان انقلاب و حامیان صدیق جمهوری اسلامی ایران را سازمان می دهند، مجرم بشناسد و آنان را به دادرسی و دادگاههای عمومی تحویل دهند؟

ممکن است بگویند عضویت در این گونه سازمانها جرم محسوب نمی شود فقط استخدام آنان در دستگاه دولتی منع قانونی دارد. پاسخ این استدلال آن است که اولاً عدم استخدام اعضای سازمانهایی که مدافع انقلابند و یا اخراج آنها، آن هم در این شرایط خفیه تضعیف آشکار انقلاب است. ثانیاً اگر عضویت در سازمانهای غیردینی مدافع انقلاب جرم محسوب نمی شود پس چرا هیاتهای بازسازی پرونده مربوطه را به دادرسی و دادگاههای عمومی احاله می کنند؟

هرچه بیشتر فکر کنیم باز هم بیشتر به تناقضات آشکار و مطلقاً غیر قابل توجیه قانون بازسازی در اینگونه موارد پی می بریم ما توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای عالی قضایی و همچنین اعضای شورای نگهبان قانون اساسی را به ضرورت حل این تناقضات آشکار به سود انقلاب و تحکیم و شکوفایی مبانی دموکراتیک و مردمی جمهوری اسلامی ایران موکداً جلب می نماییم.

نگرانی سازمانهای مدافع سوسیالیسم علمی که براساس ایدئولوژی طبقه کارگر و در راه تامین منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان مبارزه می کنند، آن است که به تجربه دریافته اند که زمانی که اینگونه قوانین در اختیار مجریان مفروض، تنگ نظر و گاه ناآگاه قرار گیرد آنگاه مشخصاً اهرمی علیه منافع انقلاب و خلق تبدیل خواهند شد. وگرنه مطلقاً و بلااستثناء اساسنامه و

مرامنامه احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر هیچیک "براساس نفی ادیان الهی" مبتنی نیست. شرط عضویت در احزاب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر صرف پذیرش برنامه و اساسنامه حزب است و اساسنامه و برنامه این احزاب بیانگر ساخت تشکیلاتی و اهداف و برنامه های سیاسی اجتماعی و اقتصادی آنان است و به عقاید مذهبی افراد مربوط نمی شود. به همین لحاظ است که "نفی ادیان الهی" به هیچ وجه شرط عضویت در هیچ یک از احزاب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر نبوده و نیست و این از قدیمی ترین آموزشهای مارکس و لنین است (رجوع شود به کتاب سوسیالیسم و مذهب لنین) دلیل این امر هم آن است که احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست برای برچیدن نظام ستم بار سرمایه داری مبارزه می کنند و نه در راه نفی ادیان الهی. به همین دلیل است که علیرغم تمام تبلیغات و اتهامات پوچ و مفرضانه محافل امپریالیستی و ارتجاعی، احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر نه تنها فعالیت ضد مذهبی، ضد دینی را توصیه نمی کنند، بلکه همواره به آزادی مذهب به مثابه حق لاینفک توده ها معتقد بوده اند و در تمام کشورهای که این احزاب به قدرت رسیده اند، این آزادی و حق تبلیغ شعائر دینی را به رسمیت شناخته اند. به همین دلایل است که عضویت در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز که یک سازمان مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر است بر پذیرش اساسنامه و برنامه سازمان مبتنی گردیده است و بر "نفی ادیان الهی" مبتنی نیست. به همین دلایل است که سازمان مانیز به سان دیگر گردانهای انقلابی پیشروی طبقه کارگر نه تنها فعالیت ضداسلامی ندارد، نه تنها به معتقدات مذهبی و دینی مردم عمیقاً احترام می نهد، بلکه خواهان تحکیم مبانی همکاری و همگامی و اتحاد همه مسلمانان انقلابی با پیروان سوسیالیسم علمی علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی در راه کسب استقلال ملی و گسترش عدالت اجتماعی است.

به یاد روحانی مبارز آیت الله طالقانی

اودوست و پدر مجاهدینی چون ...

بدانها وفادار مانده و به خاطر تحقق آنها مبارزه کرد طالقانی به درستی دریافته بود که در شرایط پیچیده مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب و در میان توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا و متحدین ضدانقلابی اش که هر یک به خوبی برای خفه کردن انقلاب می کوشند، دفاع از امام خمینی همان دفاع از انقلاب و دفاع از وحدت خلق در مبارزه علیه امپریالیسم است. وی با چنین شناختی علیه توطئه های گوناگونی که متوجه تضعیف رهبری امام خمینی بود قاطعانه ایستاد آیت الله طالقانی در شرایطی که دفاع از امام خمینی پرداخت که ضدانقلاب می کوشید تا به طرق مختلف این رهبری را زیر علامت سؤال قرار دهد.

آیت الله طالقانی می دید که چگونه ضدانقلاب، نیروهای جوان و خطاکار را نیز در جهت چنین توطئه های سمی می دهد، از این رو، از پس آن همه جنجالهایی که لیبرالها و مجاهدین خلق در اطراف آیت الله طالقانی به راه انداخته بودند وی به درستی، مصالح انقلاب در دفاع از رهبری آن را تشخیص داده و ضمن پرهیز از دام های پهن شده صراحتاً اعلام داشت:

"... این مخلص نسبت به رهبری ایشان (امام خمینی) بارها و بارها نظر داده ام و رهبری قاطع ایشان را برای خودم پذیرفته ام و همیشه سعی کردم از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن، اسلام مشی من خارج نباشد."

آیت الله طالقانی ضمن حمایت قاطع از انقلاب و رهبری آن در برابر قشربونی که به نام امام خمینی با زیر پا نهادن آزادی های سیاسی و سرکوب "دگراندیشان" عملاً آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند، به دفاع از آزادی های سیاسی و از آن طریق بسیج همه نیروها علیه دشمن اصلی پرداخته، بارها و بارها ضمن محکوم کردن حرکات کور و انحصارطلبانه اعلام داشت: "آن کسی که، آن دستهای که به نام دین، بر گروهی حمله می کنند، به جوامع آنها، محل سخنرانی آنها، کتابخانه های بعضی از گروهها را مورد حمله قرار می دهند، اینها تصور نکنند خدمت به دین می کنند، یا مسلمانهای ناآگاه هستند، یا آلت دستند و هیچ توجه ندارند."

آیت الله طالقانی برای تأمین "عدالت اجتماعی" مورد نظر خویش بر خلاف پادرمیانی های سازشکارانه لیبرالها برای نجات جان و اموال سرمایه داران، خواهان سرکوب قاطع ضدانقلابیون و مبارزه علیه سرمایه داران بزرگ و زمین داران بود.

نماینده "سلطان قابوس" را به ایران آورد، در تماس تلفنی به دکتر یزدی - وزیر امور خارجه وقت - گفت: "شما با چه حقی با نمایندگان قابوس مزدور ملاقات می کنید ولی از پذیرفتن نمایندگان جبهه آزادی عمان خودداری می کنید؟!"

(طالقانی و تاریخ) آیت الله طالقانی در کنترل و مقابله با انحرافات که سرانجام رهبران مجاهدین خلق را به لجن زار و مرداب متعفن خیانت نسبت به انقلاب و خلق کشاند، نقش مهمی داشت. رجوی خائن پس از مرگ طالقانی بر این واقعیت صحنه گذارده و گفت "پس از طالقانی چه کسی احساسات ما را کنترل خواهد کرد!" مرگ آیت الله طالقانی سرنوشت غمبار رهبران مجاهدین را به جلو افکند. آن رشته هایی که طالقانی را با مجاهدین پیوند داده بود توسط هواپیمائی که رجوی را به پاریس برد به طور کامل گسسته شد. اکنون رهبران خائن مجاهدین خلق دست در دست سلطنت طلبان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و علیه آرمانهایی که طالقانی همواره بدان پای بند بود می جنگند. مسعود رجوی که از موقعیت آیت الله طالقانی عوام فریبانه بهره برداری می کرد و امروز آشکارا در جبهه ارتجاع جهانی قرار گرفته است سالوسانه طالقانی را "پدر" خطاب می کرد. طالقانی "پدر" مجاهدین باقی خواهد ماند، اما پدر مجاهدینی چون بدیع زادگانها، حنیف نژادها، مهدی رضائیها و ... و سعادتیه ها و همه آن مجاهدینی که به طور قطع رهبری فعلی و خیانت پیشه این سازمان را افشاء و طرد سازند.

۱۷ شهریور

اوج تقابل ارتش با انقلاب و آغاز انقلاب در ارتش

بامداد جمعه ۱۷ شهریور ماه سال ۵۷، جمعه سیاه، یک نقطه عطف بود، نقطه عطفی هم در تاریخ انقلاب و هم در تاریخ ارتش در بامداد ۱۷ شهریور واحدهایی از پرسنل گارد رو در روی مردم بی دفاع و قهرمانی که فریاد می زدند برادر ارتشی چرا برادر کسی؟ صف کشیدند. دیدگان مشتاق و نگران و رزمجوی مردم به دست سربازان دوخته شده بود و قلبشان از تردیدی که از نگاه سربازان می تراوید، بیشتر می طپید سرانجام به فرمان سرتیپ مدنی، سرهنگ شعی و سرهنگ مهري، گلوله های آتشین بر مردم شجاع و بی باخته باریدن گرفت و میدان ژاله از خون هزاران دختر و پسر زن و مرد و پیر و جوان که فریاد مرگ بر شاه بر لب داشتند گلگون شد. در همین روز خون پرسنلی مانند سرباز شهید "حسین سعادتخواه" که سلاح خود را بر دهان فرمانده خود نشانه رفت و خود نیز آماج گلوله گاردی ها شد بر میدان

ژاله فریخت و آن را گلگون تر کرد پس از ۱۷ شهریور علیرغم تصور رژیم شاه، انقلاب خیزی تازه گرفت و فریاد انقلاب از دیوارهای به ظاهر غیرقابل عبور پادگان ها گذشت و بر جان پرسنل محروم ارتش شاهنشاهی نشست. سرکوب خونین نه تنها نتوانست جنبش را متوقف کند، بلکه تاثیرات دگرگون کننده آن در درون ارتش نیز جاری شد. در حالی که انگیزه های مردمی سربازان درجه داران و افسران جزء و همافران رابطه آنها را با توده ها به عنوان طبیعی ترین پیوندها مورد تاکید قرار می داد، بی تفاوتی ها، تمردها اعتراضها، فرارها و حُرکات پراکنده مبارزه جویانه در میان پرسنل بالا گرفت. حرکت هایی که اگرچه به ظاهر مجزا و بدون ارتباط به نظر می رسید، ولی در واقع پیوندهای عمیق با هم و با خواست توده مردم داشت و آن سرنگونی رژیم شاه بود. پس از ۱۷ شهریور بطور بارزی ارتش در درگیری

با مردم خصلت سیاسی می یافت. خواست های دمکراتیک افسار پائینی ارتش با خواست های دمکراتیک انقلاب بیش از پیش گره می خورد. امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه که از نفوذ انقلاب در ارتش به شدت بیمناک بود سعی در حفظ یکپارچگی آن و به قول خودشان "منزله ماندن ارتش از تبلیغات سوء" داشت و با انتشار جزوات رسوای آگاه سازی گسترش انقلاب را به شیوه مضحکی توجیه نموده و در جهت مهار سیاسی جنبش طرح های تازه ای را به مرحله اجرا می گذاشت. امام خمینی با اتخاذ سیاست واقع بینانه، برخلاف گروه های چپ، با برخورد هوشیارانه با نیروهای مسلح در جهت ایجاد شکاف بین صفوف ارتش و تشدید مبارزه بین "بالایی ها" و "پائینی ها" در ارتش، گام برمی داشت. امام خمینی با پیشبرد این سیاست واقع بینانه، مردمی و انقلابی توانست شکاف در درون ارتش را تا لایه های

ژاله

☆☆☆☆☆☆☆☆

خونش شکفت و گفت:

ای سرزمین من
زیبایی جهان شکفتن
از آن خلق هاست

اما

تارنج و تادسیسه دشمن هست
تار و زرستگاری زحمتکشان خلق

ایران

- این سرزمین خون و حماسه -

یک ژاله است

یک ژاله

بাহزاران

لاله.

فوقانی هرم ارتش یعنی امرا امتداد دهد و رژیم آمریکایی شاه را از اصلی ترین و مطمئن ترین ابزار پاسداری از منافع و حاکمیت خود محروم سازد. امام خمینی در پیام مورخ ۱۲ آذرماه ۵۷ از پاریس خطاب به پرسنل ارتش گفت: "من از سربازان سراسر کشور خواستارم از سربازخانه ها فرار کنند. این وظیفه ای است شرعی که در خدمت ستمکار نباید بود. من از پدرها و مادرها و عاقله

صاحب منصبان تقاضا دارم که آنان را از کمک به شاه خائن و طاعت از صاحب منصبان خدمتگزار شاه و اجانب باز دارند و از درجه داران خواستارم به ملت خود بپیوندند و افتخار خدمت بر مسلمین را احراز کنند... با این پیام حرکات پراکنده پرسنل سرعت گرفت فرار، تمرد و مخالفت با فرماندهان به ترور، ارتقاء یافت در جهرم یک پرسنل قهرمان فرماندار نظامی شهر بقیه در صفحه ۲۳



امروز ارتش، قلب متجاوز به میهن انقلابی را نشانه رفته است

انقلاب قلب کسانی را نشانه گرفت که قلب ملت را نشانه می رفتند

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

۱۲ شهریور

اوج تقابل ارتش با انقلاب و آغاز...

بقیه از صفحه ۲۲

ضربه خورده را اعمال نمایند آنها در اجرای "گام به گام" این سیاست یعنی ابقاء فرماندهان ضدانقلابی و احیاء آئین نامه های شاهنشاهی و دور ساختن ارتش از انقلاب و تاثیرات آن و بطور کلی حفظ ساخت و بافت آریامهری و تداوم بخشیدن به وابستگی های تسلیحاتی به امپریالیسم به تلاش های گسترده ای دست زدند. بنی صدر نیز این سیاست را به گونه ای محیلانه تر پیش برد. دامنه این تلاش ها تا مقطع حذف بنی صدر از قدرت ادامه داشت. و نتیجه سیاست های بورژوازی لیبرال در دوران بازرگان و بنی صدر، این بود که هنوز هم ارتش کانون توطئه ها باشد و کودتای نوژه و توطئه های پراکنده عوامل آمریکا در درون آن شکل بگیرد.

در برابر تلاش های لیبرالها نیروهای خط امام نیز از همان ابتدا سیاست اعمال حاکمیت خود بر ارتش را از بالا و پائین درپیش گرفتند و اگرچه آن را در کلیت خود در خدمت انقلاب قرار دادند تا آنجا که ارتش را به نیروی مدافع میهن علیه جنگ تحمیلی صدام درآوردند ولی به لحاظ برخی سهل اندیشی ها و تنگ نظری ها نتوانستند روند دموکراتیزه کردن ارتش را، آنگونه که لازم بود درپیش بگیرند.

در برابر این دو شیوه برخورد، برخورد دیگری نسبت به ارتش وجود داشت که به ویژه بعد از انقلاب، غیراصولی بودن آن به اثبات رسید و آن برخورد چپروانه پاره ای از گروه ها و سازمان ها بود. چپروها با شعار "ارتش ضد خلقی، نابود باید گردد" بازتاب شگرف انقلاب و ترکیب طبقاتی درون ارتش را یکسره به کنار گذاشتند چنین برخوردی قبل از انقلاب و در طول اوج گیری جنبش امکان رشد نیروهای انقلاب درون ارتش و پیوستن

را ترور نمود و در لویزان در روز عاشورا، شهدا گروهیان دوم اسماعیل سلامت بخش و سرباز وظیفه ناصرالدین امیدی عابد با عمل قهرمانانه خود ۶۵ تن از مزدورترین فرماندهان گارد شاهنشاهی را از پای درآوردند. سربازان دسته دسته از پادگان ها گریخته و درجه داران و بسیاری از افسران با تردید، تزلزل و انفعال در انتظار آینده مبهم از حرکت باز ایستادند همافران که از ماه های قبل مبارزه پراکنده خود را شروع کرده بودند، به حرکتی منسجم و یکپارچه دست زدند سرانجام با فرار تعدادی از فرماندهان مزدور چون اویسی و پالیزبان و بالاخره فرار شاه خائن، باقی مانده توهم پرسنل به یکباره فرو ریخت و فرماندهان عالی ارتش که دیگر خود را در حال انزوای کامل می دیدند، به موضع گیری متضاد کشیده شدند.

گروهی از مزدورترین فرماندهان شاه چون " بدره ای " و " خسرو داد " به کودتا برخاستند و در سحرگاه ۲۱ بهمن با یکی از واحدهای گارد به همافران قهرمان یورش بردند. این تلاش مذبوحانه نیز با مقاومت همافران و پشتیبانی توده ها به شکست انجامید و پیش درآمد قیام پرشکوه ۲۲ بهمن شد که طی آن پادگان ها به دست مردم فتح گردید.

بعد از انقلاب، ارتش به لحاظ تاثیرات حاصله از انقلاب دارای خمیره منعطفی بود که آن را از قابلیت انطباق بر مصالح انقلاب برخوردار می کرد بطوری که سیاستی اصولی و انقلابی می توانست از آن ارتشی مردمی و دموکراتیک بنا کند. به همین لحاظ، ارتش دوباره مرکز توجه و برخورد نیروهای مختلف طبقاتی قرار گرفت. لیبرالها کوشیدند تا سیاست تحکیم و ترمیم ارتش

آنها را به صف توده ها منتفی می انگاشت و درحقیقت انقلاب را از بخشی از نیروهای خود محروم می ساخت. این دیدد آتارشیستی نه به ترکیب طبقاتی از ارتش اعتقاد داشت و نه اساسا مرحله انقلاب و ضدانقلاب را درک می کرد. لذا به جای شعار دموکراتیزه کردن ارتش، شعار انحلال فوری آن را که با چاشنی ایجاد ارتش خلقی همراه بود، طرح کردند. پافشاری بر چنین دیدگاه انحرافی، آنچنان که آقای رجسوی نشان داد، درغلطیدن به دامان بخش فوقانی همان ارتش، آن هم عناصر مزدوری چون سرهنگ معزی ها بود!

در این مورد نیز محتوای راست آتارشیسم و شعارهای ماجراجویانه است که به اثبات می رسد. انقلابی گری کاذب روی دیگر خود را که اتحاد با بورژوازی است در این مورد نیز به نمایش می گذارد.

* * * ارتش جمهوری اسلامی اینک در مجموع آن در راه انقلاب است و اکثریت پرسنل قهرمان و فداکار آن همگام با پاسداران جان برکف در جبهه های جنگ تحمیلی حماسه می آفرینند ولی نارسایی ها و ضعف های کمی و کیفی آن تاکنون ضربه های بسیاری بر توان انقلابی اقشار مومن و وفادار به انقلاب وارد آورده است.

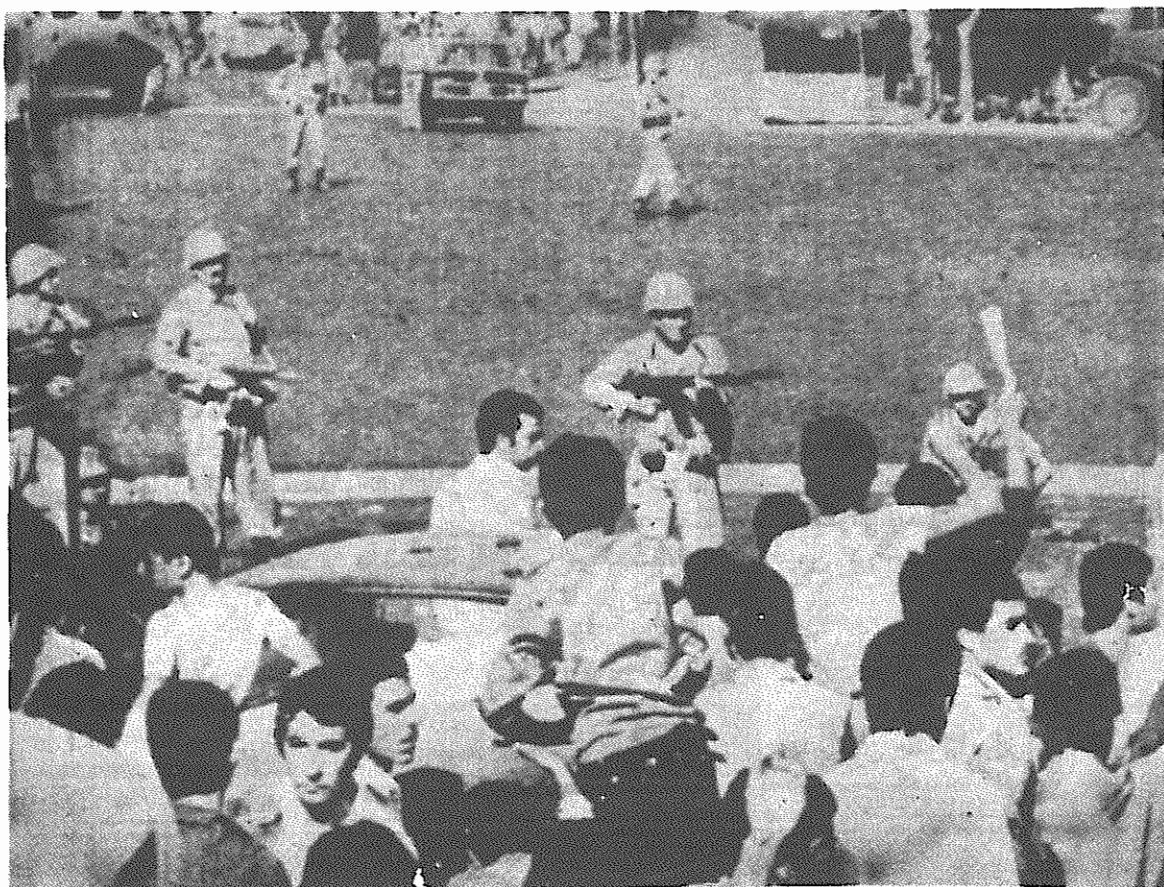
عدم تصفیه اصولی و بازسازی انقلابی سازمان ارتش عدم ترویج و تبلیغ همه جانبه سیاست ها و اهداف انقلاب که در حال حاضر بر عهده ادارات سیاسی ایدئولوژیک قرار گرفته، همچنین عدم وجود سیاست تسلیحاتی منطبق بر مصالح انقلاب و عدم تغییر بنیانی در آئین نامه ها و نظام حاکم بر ارتش، از عمده مشکلاتی است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از آن رنج می برند. ۱۵ ماه اعمال سیاست مکارانه و تخریبی بنی صدر بر ارتش به تضادهای درونی آن و نیز تضاد مصنوعی بین سپاه پاسداران و نیروهای مسلح دامن زد و با حمایت و تقویت فرماندهان ضدانقلابی و کانون های توطئه گر تاثیرات روند تعمیق یابنده انقلاب را در ارتش با موانع جدی روبرو ساخت.

اینک جمهوری اسلامی باید در زمینه تصفیه ضد - انقلاب سیاستی اصولی و واقع بینانه درپیش گیرد و احساس عدم امنیت شغلی را از ذهن پرسنل وفادار و مومن به انقلاب بزدایند همچنین با مرزبندی صحیح بین دوستان و دشمنان انقلاب و نزدیکی هرچه بیشتر با دوستان جهانی آن نظیر کشورهای جبهه پایداری و کشورهای سوسیالیستی از یک سیاست تسلیحاتی ثابت و انقلابی پیروی کند تا بتواند

از ماجراهایی چون سرقت ۵۶ میلیون دلار توسط فرماندهان مورد حمایت بنی صدر و دلالتان اسلحه و نیز تبلیغات سوء خرید اسلحه از اسرائیل جلوگیری نماید. تبلیغ و ترویج اهداف انقلاب با اتکاء بر وجوه دموکراتیک آن و خالی از هرگونه تنگ نظری از دیگر وظایف مبرمی است که در جهت تحول کیفی ساخت ارتش بر دوش واحدها و عوامل تبلیغ و ترویج یعنی ادارات سیاسی ایدئولوژیک نهفته است.

دگرگونی اساسی در نظام حاکم بر ارتش به سود اقشار زحمتکش و ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر آن با سپاه در جهت برخورداری هر یک از این دو از توانایی ها و امکانات دیگری تا مرز همگونی و یکپارچگی نیروهای مسلح مدافع انقلاب، از وظایف اساسی مسئولین جمهوری اسلامی است.

بطور کلی واقعیات موجود و روند تعمیق یابنده انقلاب انجام وظایف مرحله دموکراتیک آن را در ارتش که بطور مختصر در چهارچوب ذکر شده بالا یادآوری گردید برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب مبرم و ضروری می سازد و بدیهی است که عمده مسئولیت انجام این وظایف بر دوش نیروهای خط امام و دولت مردان جمهوری اسلامی است.



صحنه ای از تهاجم وحشیانه ارتش شاه به مردم قهرمان

به یاد روحانی مبارز آیت الله طالقانی

اودوست و پدر مجاهدینی چون سعادت‌تی باقی خواهد ماند



عدالت اجتماعی ، آزادی ، کوتاه شدن دست عوامل استعمار و استثمار و وحدت نیروها ، خمیرمایه آن آرمان‌هایی است که آیت الله طالقانی در طول سال‌ها مبارزه خود علیه امپریالیسم آمریکا و دیکتاتوری شاه

بقیه در صفحه ۲۱

فراخوان حزب کمونیست عراق به نظامیان این کشور

ارستین را ترک کنید و اسلحه‌های خود را
به سینه بزنید صدام نشانه نگردد

در صفحه ۱۹

برنامه جدید وزارت کار و مشکلات طبقه کارگر

● جمهوری اسلامی ایران به برکت حضور میلیون‌ها توده خلق در صحنه به مراتب بیش از گذشته به استحکام و یکپارچگی درونی دست یافته و لذا می‌تواند و باید به وظایف و مسئولیت‌های سنگینی که در قبال توده‌های وسیع زحمتکشان به عهده دارد ، به‌ویژه به مطالبات انقلابی و میرم آنان پاسخ گوید .

در صفحه ۶

دولت باید دانشگاه‌ها را باز کند

● نابسامانی و سرگردانی دانشجویان جوان و پرشور و پیوستن آنان به خیل بیگاران جامعه در گسترش تمایلات تروریستی بی‌تأثیر نبوده است . جلب این دانشجویان به کار و آموزش فعال و سازنده در محدود ساختن این تمایلات و مقابله انقلاب با تروریسم اقدامی ضروری است که باید از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران مورد توجه جدی قرار گیرد .

در صفحه ۱۸

با استقبال از هفته جنگ
سالگرد مقاومت خلقی را
در برابر امپریالیسم آمریکا
و رژیم صدام گرامی داریم

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به آقای معمر قذافی صدر شورای انقلابی جماهیر عربی سوسیالیستی
لیبی و خلق برادر لیبی به مناسبت دوازدهمین سالگرد انقلاب لیبی

آقای معمر قذافی صدر شورای انقلابی جماهیر عربی سوسیالیستی لیبی !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از سوی کادرها ، اعضاء و هواداران سازمان دوازدهمین سالروز انقلاب مردمی لیبی را به شما و از طریق شما به خلق برادر لیبی تهنیت و تبریک گفته و برای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی خلق برادر لیبی در مبارزه علیه امپریالیسم ، ارتجاع و عقب‌ماندگی و به خاطر پیشرفت اجتماعی آرزوی پیروزی‌های بازم بیشتر می‌نماید .

اقدامات ضد امپریالیستی خلق و دولت مردمی لیبی نقش شایسته انقلاب شما در حمایت از انقلاب خلق برادر فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین حمایت شما از انقلاب خلق ایران ، مقابله و مبارزه شما با توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و در راس همه توطئه خائنانه کمپ‌دیوید ، شرکت انقلابی لیبی در جبهه مقابله و پایداری و همبستگی انقلاب لیبی با اردوی جهانی انقلاب ، بخصوص اردوگاه نیرومند سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی و بالاخره بیانیه اخیر سه کشور برادر لیبی ، یمن دمکراتیک و اتیوپی درباره اتحاد و همبستگی ، همه و همه اقداماتی هستند درخور انقلاب خلق لیبی و بیانگر نقش فعال کشور شما در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و نزدیکی و همبستگی با نیروهای انقلابی منطقه و جهان و بنابراین مورد پشتیبانی قاطع خلق‌های منطقه و سراسر جهان و از جمله خلق و انقلاب ما .

از همین روست که امپریالیسم آمریکا در راستای سیاست‌های توطئه‌گرانه ، جنگ‌افروزان و ضد خلقی خود علیه خلق‌های جهان ، با مردم و انقلاب لیبی از همان آغاز کینه‌توزانه‌ترین دشمنی‌ها را روا داشته است ، و مذبح‌خانه تلاش دارد در عزم انقلابی مردم لیبی به سود امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار خلل وارد نماید . ما قاطعانه توطئه امپریالیسم آمریکا در تجاوز به آب‌های لیبی و دیگر تحریکات ارتجاعی آن راکه هدفی جز ارعاب و جنگ‌افروزی ندارد ، محکوم ساخته و ایمان داریم که خلق برادر لیبی در اتحاد با خلق‌های منطقه و جهان شکست قطعی آنها را تدارک می‌بیند .

انقلاب ایران که ضربات شدیدی بر منافع امپریالیسم آمریکا در منطقه وارد آورده است نیز همچون انقلاب لیبی و مبارزه آزادیبخش خلق فلسطین و سایر خلق‌های منطقه با این تحریکات ، تجاوزات و توطئه‌گری‌ها مواجه است . اما خلق ما قاطعانه این توطئه را یکی پس از دیگری خنثی کرده و مصمم است در کنار دیگر خلق‌های برادر منطقه و در کنار تمام دوستان و متحدین خود در جبهه جهانی انقلاب ، مبارزه خود علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا را تا پیروزی نهایی ادامه دهد .

یک بار دیگر دروذهای بی‌پایان خود را به مناسبت سالگرد انقلاب لیبی به شما و خلق برادر لیبی اعلام داشته ، آرزوی موفقیت‌های روزافزون در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار برای شما داریم

با دروذهای انقلابی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوازدهم شهریورماه ۱۳۶۰

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر